

با یادگیری راز و رمزهای ذهن شما هم می توانید پولدار شوید!



ویرایشی دوم

نویسنده: مهندس مرتضی الهی

با یادگیری راز و رمزهای ذهن، شما هم می‌توانید در شغل مورد علاقه خودتان پولدار شوید!

کسب ثروت‌های میلیاردی با استفاده از قوانین طبیعی و کشف رازهای ذهن
اصول مهمی که قبل از شروع هر کسب و کاری باید بدانید

نویسنده: مهندس مرتضی الهی

- محقق و پژوهشگر در حوزه موفقیت مالی، قانون جذب، متافیزیک و کوانتوم
- سخنران انگیزشی
- مربی رشد و بهبود رفتارهای اجتماعی
- مدرس دوره‌های موفقیت مالی و کوچینگ ثروت

خواندن این کتاب به همه کسانی که در جستجوی موفقیت و ثروت در زندگی هستند
توصیه می‌شود.

توجه: برای دانلود ویدئوهای رایگان تمرینات، بعد از اتصال به اینترنت، روی باکس
مربوط به ویدئو مورد نظر کلیک نمایید و یا به سایت مراجعه کنید.

فهرست مطالب

- سخن آغازین..... ۸
- داستان زندگی پرفراز و نشیب من..... ۱۱
- قبول شکست یعنی موندن تو با تلاق بدبختی!..... ۱۷
- بدترین روزها یا بهترین درس‌های زندگی؟!..... ۱۸
- ویدئو رایگان شماره (۱) : تجربیات با ارزش زندگی شما..... ۲۲
- اهدافتون رو فراموش نکنید!..... ۲۳
- تصمیم مهم و سرنوشت‌ساز..... ۲۵
- ویدئو رایگان شماره (۲) : ثروتمندترین نقطه جهان..... ۳۱
- تفاوت ثروتمندان با افراد معمولی جامعه در چیست؟..... ۳۲
- فکر می‌کنید که تفاوت در کجاست؟..... ۳۴
- وجه اشتراک زندگی ثروتمندان..... ۳۵
- آیا برای یادگیری و آموزش وقت ندارید؟!..... ۳۸
- راز موفقیت..... ۴۰
- به آنچه داری قانع نباش!..... ۴۲
- ویدئو رایگان شماره (۳) : آرامش در پرتو شکرگزاری..... ۴۶
- بررسی تأثیر افکار برای موفقیت در زندگی از دیدگاه قرآن و روایات..... ۴۷
- اگر خداوند عادل است پس علت اختلاف طبقاتی چیست؟..... ۵۳

- ۵۷..... پس چرا پولدار نمی‌شیم؟!
- ۵۹..... آیا راه چاره‌ای هست؟
- ۶۰..... چقدر طول می‌کشد تا درآمدمون بیشتر بشه؟
- ۶۵..... ویدئو رایگان شماره (۴) : تغییر باورها چقدر طول می‌کشد؟
- ۶۶..... غول درونتون رو به خدمت بگیرید!
- ۷۰..... فرآیند ۶ مرحله‌ای رسیدن به ثروت.....
- ۷۴..... چه کسی مسئول خوشبخت کردن شماست؟
- ۷۵..... چه شغلی میتونه شما رو پولدار کنه؟
- ۷۶..... ویدئو رایگان شماره (۵) : شغل پولساز شما؟!
- ۷۷..... برای رفع مشکل و افزایش درآمد چکار باید کرد؟
- ۸۰..... چگونه با تغییر دادن اولویت‌های زندگی زودتر پولدار بشیم؟
- ۸۲..... آیا میدونید که از لحاظ مالی چه تیپ شخصیتی دارید؟
- ۹۲..... فرصت‌های پول‌ساز در ایران.....
- ۹۸..... هنوز دیر نیست!
- ۹۹..... در دوره کوچینگ ثروت قراره چه اتفاقی برای ذهن شما بیفته؟
- ۱۰۲..... آیا راهی برای افزایش درآمد تو شغل من وجود داره؟!
- ۱۰۵..... میترسم که موفق نشم!
- ۱۰۶..... تجربیات چند نفر از دوستان.....

آدم‌های موفق همیشه برای رسیدن به اهداف و آرزوهایشان
«راهی» پیدا می‌کنند.

آدم‌های ناموفق همیشه برای توجیه نرسیدن به اهداف و
آرزوهایشان «بهانه‌ای» پیدا می‌کنند.

شما می‌خواهید جزو کدام دسته باشید؟!



اگر این افراد توانسته اند «راهی» پیدا کنند
پس شما هم میتوانید!

تجربیات جناب آقای سید مهدی طالبی  من یک منبع رو میخواستم که صرفاً تشریح نباشه و با روشهای کاربردی جلو بره و این دوره واقعاً خیلی عالی بود	تجربیات جناب آقای محسن نوروزی  من قبل از آشنایی با شما در شرایط خیلی بدی بودم و از نظر فکری و اقتصادی بهم ریخته بودم و بدنبال راه نجاتی بودم
تجربیات جناب آقای داود الهی  قبلاً هر روز صبح نگران بودم و با خودم می گفتم وای امروز چکار کنم؟ مشتری رو چکار کنم؟ شش ماه دیگه چکار کنم؟ ولی الان دیگه مثل قبل فکرم درگیر نیست.	تجربیات سرکار خانم میترا شاهسونی  الان مثل قبل نگران پول و مخمرات مالی نیستم و استرس ندارم این کرامتش باعث شده که هم پول بیشتری داشته باشم و هم از کارم لذت بیشتری ببرم
تجربیات جناب آقای شهاب شاهینی  از بر شهر ای کاش ۶-۵ سال پیش این آموزش ها رو دیده بودم.	تجربیات جناب آقای مهدی نوروزی  من ۱۰۰ درصد از مطالب دوره رضایت دارم چون واقعاً جواب گرفتم و زندگیم رو به پیشرفته
تجربیات سرکار خانم اشرف کرامی  من قبل از برای یک دوره آموزش مالی هفت و نیم میلیون تومان هزینه کردم و کاملاً بی نتیجه بود !!!	تجربیات جناب آقای هدایت عباس زاده  تو هیچ مدرسه و دانشگاهی اینها رو به ما آموزش ندادند!

شما هم به جمع افراد موفق و مثبت اندیش پیوندید
و شرایط زندگی تان را تغییر دهید!



تجربیات سرکار خانم

همیده عزیز

من کتاب زیاد می خوندم ولی خیلی از مطالب برایم جدید بود
و الان از نظر مالی تخیلاتی رو دارم تو زندگیم حس می کنم.



خدا رو شکر از لحاظ مالی خیلی پیشرفت کردیم و اتفاقات خوب و قشنگی برایم افتاده
یک مژده حقوقی راه اندازی کردیم و چهار نفر وکیل و پنج نفر کارمند استخدام کردیم
و از لحاظ مالی خیلی پیشرفت کردیم.



تجربیات جناب آقای

مجید زارع

از اصفهان

من دارم طرح تجاری کار برای خرم میفرستم و دارم سعی میکنم که ریسک کنم
و اون ایده های رو که قبلاً تو ذهنم بوده و شاید من ترسیدم که عملیاش کنم رو اجرا کنم.



تجربیات سرکار خانم

فاطمه دهقان

دیدن من نسبت به اتفاقات عرض شده
و سعی می کنم که همیشه در هر اتفاقی به دنبال خیر و طمأنینه بگردم



تجربیات سرکار خانم

محمادی

من قبلاً درونم گروه نمی خد ولی الان این شکرگزاری عاده
برای من شده یک معجزه !!!



من قبلاً به اطلاعات کاری مثل بخشنامه ها هیچ توجه نبردم
ولی الان یاد گرفتم که باید به هم آنها تطابق داشته باشم.



تجربیات جناب آقای

مهدی قرائت

خدا رو شکر تو این چند ماه زندگیم تغییر کرد
و از این رویه اون رو شد

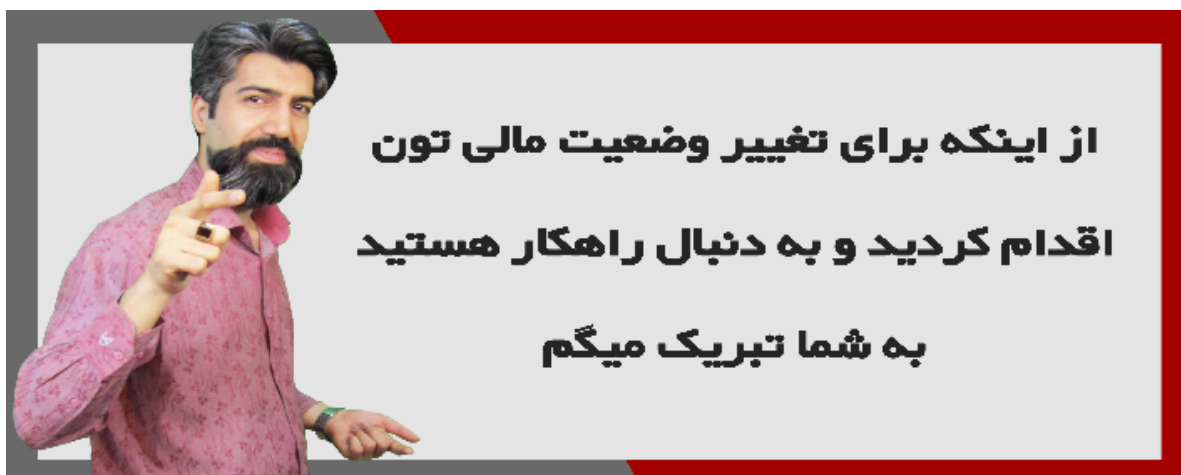


تجربیات جناب آقای

محمسن محمدی

از شیراز

من دارم هر روز شکرگزاری می کنم و تجربیات رو انجام میدم وقتی
شکرگزاری می کنیم باعث میشه که کارها خیلی سریعتر و راحت تر انجام بشه



سخن آغازین

به شما تبریک میگم که تصمیم گرفتید ثروتمند بشید و تصمیم گرفتید از نعمت‌های بیکران خدا استفاده کنید. خیلی از افرادی که از این آموزش‌ها استفاده کردند نتوانستند ظرف مدت چند ماه و چه بسا در کمتر از یک سال درآمد خودشون رو چند برابر کنند و از اون طرف افرادی هم بودند که با نادیده گرفتن آموزش‌ها نتوانستند تغییری تو شرایط مالی شون به وجود بیان.

قطعاً شما دوست دارید که جزء گروه اول باشید و شرایط مالی تون رو بهتر کنید و درآمد بیشتری داشته باشید. اگر پیگیر این مسائل هستید یعنی اینکه هدفتون اینه که وضعیت مالی تون رو بهتر کنید. اگر می‌خواهید که این آموزش‌ها استفاده کنید باید چند تا نکته رو رعایت بکنید.

نکته اول:

در این آموزش‌ها شما ممکنه مطالبی رو بشنوید و با مسائلی آشنا بشید که با باورها و اعتقادات قبلی شما تناقض داشته باشه. توی این شرایط آدم‌ها دو دسته هستند. دسته اول کسانی هستند که می‌گند نه من این‌ها رو نمی‌تونم قبول بکنم و قبولشون ندارم. اما دسته دوم افرادی هستند که می‌گند خوب ما چندین

سال با این طرز فکر زندگی کردیم و حالا این شده نتایجش، این شده وضعیت مالی ما؛ حالا بذار چند ماه هم روال رو عوض بکنیم و این حرف‌ها رو گوش کنیم و ببینیم چی میشه.

من از شما می‌خوام اگر می‌خواهید این آموزش‌ها بدردتون بخوره و کاربردی باشه تعصبات رو کنار بذارید. من از شما می‌خوام که اگر در بعضی از حرف‌هایی که مطرح می‌شه و با باورهای قبلی شما تناقض داره تعصب‌ها رو کنار بگذارید و حداقل برای مدت چند هفته هم شده به حرف‌های من گوش کنید و مطالبی که میگم رو رعایت کنید و مقاومت به خرج ندید و قبولشون بکنید.

تعصب خوبه ولی نه در برابر یادگیری مطالب جدید! نه در برابر علم! چون آدم‌هایی که تعصب دارند متأسفانه چیز جدیدی وارد ذهنشون نمیشه؛ چون خودشون اجازه نمیدن که اصلاً مطلب جدیدی وارد ذهنشون بشه!

پس اگر در طول این آموزش‌ها از من حرفی شنیدید که احساس کردید اون‌ها غیر منطقیه و با طرز فکر شما جور درنمیداد، از شما خواهش می‌کنم که مقاومت نکنید و اون کار رو انجام بدید. حداقل برای مدت چند هفته هم که شده به حرف‌های من گوش بدید. بعد از گذشت این چند هفته ببینید که تو وضعیت زندگیتون تغییری ایجاد شده یا نه؟ اگر دیدید که اتفاق خاصی نیافتد و چیزی عوض نشد اون موقع شما حق دارید که به زندگی و رفتارهای قبلیتون برگردید و طرز فکر قدیمتون رو دنبال کنید. بعدش تصمیم بگیرید که این راه رو ادامه بدید یا نه.

نکته دوم:

در این کتاب یک سری تمرین‌ها ارائه میشه که از شما می‌خوام که خودتون رو ملزم کنید که این تمرین‌ها رو انجام بدید. چون انجام دادن این تمرین‌هاست که وضعیت مالی زندگی شما رو تغیر میده و متحول میکنه وگرنه دونستن اطلاعاتی که هیچ کاربردی توی زندگی نداشته باشه نمیتونه به شما کمکی بکنه. شما وقتی که بیمار هستید و به دکتر مراجعه می‌کنید، دکتر برای شما نسخه مینویسه و میگه که از امروز به بعد دیگه غذاهای سرخ کردنی نباید بخوری، غذاهای چرب نباید بخوری، ادویه‌جات نباید بخوری،

گوشت نباید بخوری و ... آیا تو این شرایط، شما به دکتر میگی که آقای دکتر این چه حرفیه می‌زنی چون من دوست دارم که گوشت بخورم! من عاشق خوردن غذاهای چرب و ادویه‌جاتم! من دوست دارم که سرخ کردنی بخورم. تو چرا می‌خواهی جلوی خوشی منو بگیری، جلوی لذت منو بگیری؟! شما همچنین حرفی به دکتر می‌زنید؟

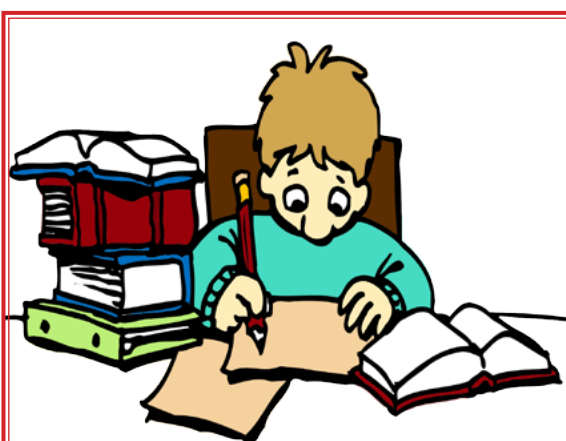
قطعاً این کار رو نمی‌کنید به خاطر اینکه به اون دکتر و به توانایی‌هایش ایمان دارید، اعتماد کردید به حرفش. می‌خواهید به حرفش اعتماد کنید تا بیماری‌تون خوب بشه و دوباره سلامتی‌تون رو به دست بیارید.

چیزی که مشخص میکنه که این آموزش‌ها توی زندگیتون تأثیرگذاره یا نه، انجام دادن همین بایدها و نبایدهاست. پس ارزش تمریناتی که ارائه میشه رو دست‌کم نگیرید.

داستان زندگی پرفراز و نشیب من

من در اردیبهشت‌ماه سال ۱۳۶۱ تو یکی از محله‌های قدیمی تهران متولد شدم. از همان دوران کودکی عاشق خواندن کتاب و یادگیری علوم متافیزیکی و روانشناسی بودم و خواندن کتاب برام از خوردن بستنی هم لذت‌بخشتر بود. وقتی همه همسن و سال‌های من تو کوچه دنبال توپ‌بازی کردن بودند، من تو محل دنبال کتابخونه می‌گشتم تا ثبت‌نام کنم و عضو شوم و برم و کتاب بخونم و لذت ببرم.

عاشق طبیعت، موسیقی، نقاشی، هنر، خوانندگی، عرفان و علوم ماوراء و متافیزیک بودم. چون خیلی به کارهای فنی و آچار پیچ‌گوشتی علاقه داشتم به توصیه یکی از آشنایان رفتم و آزمون ورودی دادم و در رشته مکانیک خودرو یک هنرستان فنی حرف‌های ثبت‌نام کردم.



من از بچگی فکر می‌کردم که اگر بخوام پولدار بشم باید حتماً مدرک دانشگاهی داشته باشم و دکتر و یا مهندس بشم چون همش به من می‌گفتند اگر می‌خوای در آینده برای خودت کسی بشی، خوب درس بخون و برو دانشگاه وگرنه نمیتونی پولدار بشی!

خلاصه بعد از گرفتن دیپلم، با هزار امید و آرزو کنکور شرکت کردم و تو کنکور قبول نشدم. رؤیاهای خودم رو از دست رفته می‌دیدم و حسابی حالم خراب بود تا اینکه شاید یک ماه بعد از اعلام نتایج دوباره خودم رو جمع و جور کردم و تصمیم گرفتم که سال بعد هر جوری شده حتماً دانشگاه قبول بشم.

تو اون دوران من می‌رفتم مغازه پدرم و کار می‌کردم، با اینکه وضعیت مالی پدرم خوب بود ولی چون اعتقادی به دانشگاه رفتن نداشت حاضر نشد که شهریه کلاس کنکور من رو بده و می‌گفت که باید بیای

بازار و مثل بقیه بچه‌های مردم که پیش باباشون هستند کار کنی و کاسبی یاد بگیری و بی‌خیال دانشگاه رفتن بشی. اما من نمیتونستم بی‌خیال دانشگاه رفتن بشم، چون از بچگی آدم بالاراده و باپشتکاری بودم. علی‌رغم میل بابام برای ادامه تحصیل سماجت به خرج دادم و کوتاه نیومدم و گفتم خودم پول کلاس کنکور رو می‌دم.

صبح‌ها تا عصر می‌رفتم مغازه و بعدازظهرها هم می‌رفتم کلاس کنکور و وقتی از کلاس برمی‌گشتم تا آخر شب درس می‌خوندم و این داستان تا ۳-۴ ماه مونده به کنکور همچنان ادامه داشت که بعد از اون دیگه مغازه رفتن رو تعطیل کردم و حسابی چسبیدم به درس و کتابخونه رفتن، شبانه‌روز خوندم تا بالاخره دانشگاه سراسری قبول شدم. و این شاید اولین موفقیت بزرگ من تو زندگی بود، با اینکه شاید کار خیلی بزرگی نبود ولی قبول شدن تو اون رقابت زیاد حسابی اعتمادبه‌نفس منو بالا برد چون اون زمان از هر ۱۳ نفر شرکت‌کننده در کنکور فقط یک نفر قبول می‌شد.

بعد از ورود به دانشگاه فوق‌دیپلم مکانیک خودرو گرفتم و بعدش رفتم خدمت مقدس سربازی و دوباره کنکور شرکت کردم و این بار تو رشته مهندسی مکانیک گرایش حرارت و سیالات قبول شدم.

همیشه از بچگی رؤیای کار کردن تو شرکت ایران‌خودرو رو داشتم، به همین خاطر با هر دروسری بود برای کار وارد این شرکت شدم، اوایل خیلی محیط برام جذاب بود ولی بعد از مدتی احساس کردم که نمیتونم محیط یکنواخت و خشن صنعتی و انجام کارهای تکراری روزانه رو تحمل کنم و این کار اصلاً با روحیه من سازگار نیست، به همین خاطر از اونجا بیرون اومدم و رفتم سراغ کار فروش تا بتونم درآمد بیشتری داشته باشم و از روابط عمومی قوی و فن بیانی که داشتم استفاده کنم.

به همین خاطر وارد یکی از شرکت‌های فروش تجهیزات سیستم‌های تهویه مطبوع شدم و به‌واسطه داشتن همکاران خوب و یک مدیر عالی در مدت کوتاهی هنر مذاکره و فروشندگی رو یاد گرفتم. ولی باز هم شرایط مطابق میل نبود و روحم آرامش نداشت، تا اینکه بعد از مدتی به‌عنوان ناظر تأسیسات مکانیکی در یکی از واحدهای دانشگاه آزاد مشغول بکار شدم و به برکت وجود یک همکار باتجربه و

دلسوز و محیطی پویا، بعد از مدتی به کار مسلط شدم و مهم‌تر از اون علاقه‌مند به کار پیمانکاری و اجرا شدم. چون می‌دیدم که پیمانکاران کارشون خیلی پرسوده و تازه مهم‌تر از همه اختیارشون دست خودشونه.



مطالعه کتاب‌های آقای رابرت کیوساکی (توصیه‌های پدر پولدار و پدر فقیر) به من انگیزه داد تا امنیت کارمندی رو بی‌خیال بشم و برم دنبال کار پیمانکاری و این خودش شروع باعث یک جهش بزرگ مالی تو زندگی من شد. اینکه تونسته بودم بر ترسهایم غلبه کنم و قید استخدام رسمی و بیمه و حقوق و مزایای یک کار ثابت رو بزنم و ریسک کنم. من از بچگی هیچ‌وقت از ریسک کردن و تغییر شرایط نترسیدم؛ چون اعتقاد داشتم که آدم تا موقعیکه خطر نکنه، ریسک نکنه، چیز جدیدی هم گیرش نمیاد و کسایی که از ریسک کردن می‌ترسند مجبورند به همون چیزهایی که دارند قناعت کنند.



این تغییر شغل در مدت زمان کمی منو از حقوق کارمندی ماهی چند صد هزار تومن به کار پیمانکاری قرارداد سالی چند ده میلیون تومن رسوند و تغییرات بزرگی رو تو زندگی و وضعیت مالییم به وجود آورد.

بله من در کار و تخصص خودم حسابی پیشرفت کرده بودم و مدیرعامل و سرپرست کارگاه یک شرکت پیمانکاری نسبتاً بزرگ بودم و در مناقصات چند میلیاردی شرکت می‌کردم.

خیلی وقت‌ها که در جلسات کاری مربوط به پروژه‌های اجرایی می‌رفتم کم سن ترین فرد حاضر در جلسه بودم ولی با تکیه به هنر مذاکره که در زمان فروشنده‌گی یاد گرفته بودم از پس افرادی که همسن پدرم بودند برمی‌اومدم و با اعتمادبه‌نفس بالا وارد مذاکره با اونها می‌شدم و چونه می‌زدم و کارها رو به نفع شرکت پیش می‌بردم.

خدا رو شکر اوضاع مالییم عالی بود و همه‌چیز در حال رشد و پیشرفت تا اینکه به دلیل یکسری مشکلات بیرونی که ناشی از رکود اقتصادی و تحریم‌ها و عدم پرداخت به‌موقع صورت‌وضعیت‌ها از طرف کارفرما و یکسری عوامل دیگه که خارج از دست من بود، کسب و کارمون دچار یک رکود سنگین شد که به تعطیلی کارگاه اجرایی منجر شد و درنهایت با کلی مطالبه معوق خونه نشین شدم.

این شکست و سرخوردگی، اعتمادبه‌نفس من رو نابود کرد و تا به اون روز همچنین شکستی رو تجربه نکرده بودم!

پشت سرهم داشتم بد می‌آورد و اتفاقات بدتر رو به زندگی‌ام جذب می‌کردم و خودم هم حالیم نبود که مقصر اصلی این داستان غم‌انگیز خودم هستم و ندانسته بقیه رو عامل بدبختی‌هایم می‌دونستم و شرایط بد بازار کار و وضعیت اقتصادی داغون کشور رو لعنت می‌کردم و ... کلاً همه رو مقصر بدبختی‌هایم می‌دونستم جز خودم!



بعد از چند ماه خونه نشینی شروع کردم دنبال کار گشتن که کلاً بی‌نتیجه بود و بدتر از همه این بود که حتی برای داشتن یک شغل کارمندی با حقوق ماهی چند صد هزار تومن هم راضی شده بودم، ولی انگار که کار شده بود «جن» و من هم شده بودم «بسم‌الله» تا به هم می‌رسیدیم اون از من فرار می‌کرد!

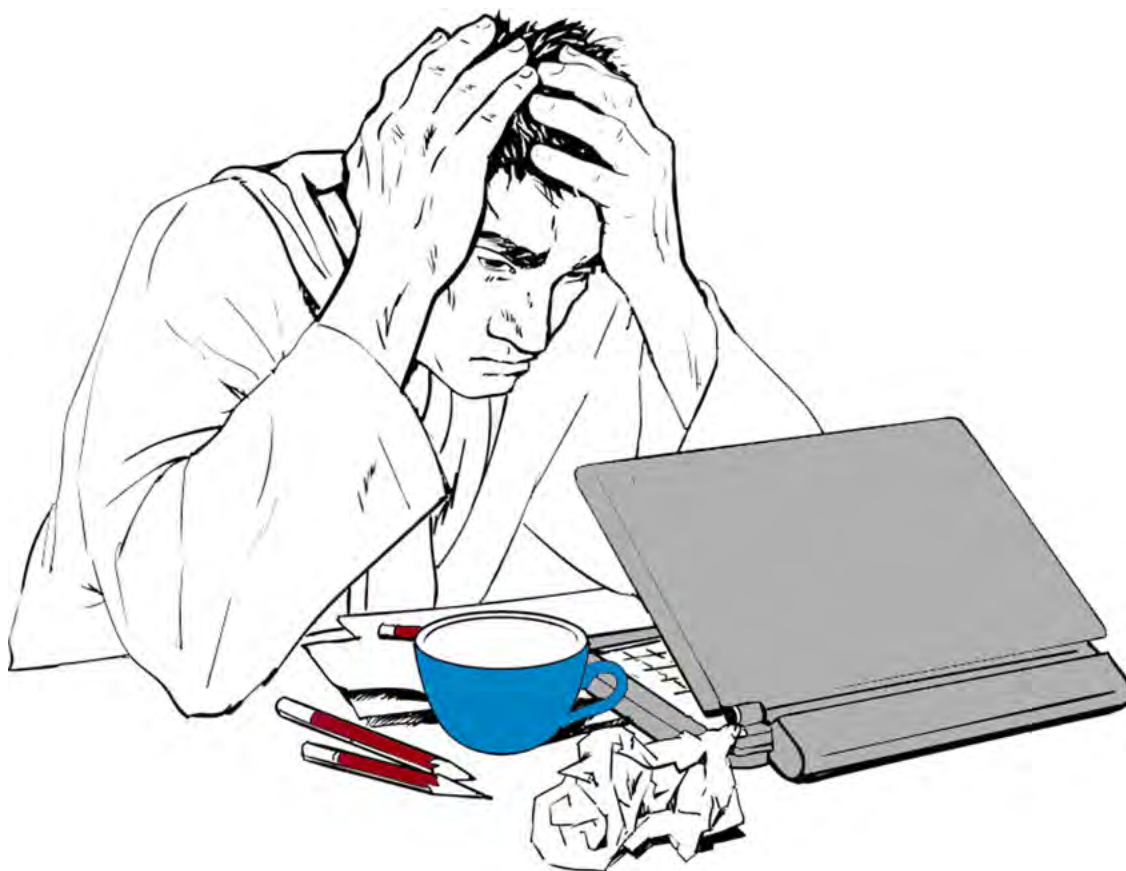
احساس می‌کردم که زندگی‌ام طلسم شده و همه درها بروم بسته شده؛ خیلی ناامید شده بودم و روحیم رو باخته بودم و در سراشی بی‌دبختی افتاده بودم و همه‌چیزم رو از دست داده بودم، کار پردرآمد رو، زندگی آروم و راحت‌م رو و حتی اراده و اعتماد به‌نفسم رو ...

بالاخره بعد از چند ماه خونه نشینی و بی‌پولی، بهترین گزینه‌ای که به ذهنم رسید مسافركشی و کار کردن تو آژانس بود.

واقعاً که روزهای سختی بود چون مجبور بودم برای گذراندن امورات زندگی‌ام از صبح تا شب تو آژانس کار کنم و با ماشین مسافركشی کنم.

شاید با خودت بگی کار که عار نیست! کاملاً حق با شماست. من هم قبول دارم چون از بچگی کارهای زیادی انجام داده بودم بدون اینکه بخوام خجالت بکشم، ولی برای منی که مدرک مهندسی با چند سال سابقه کار در شغل‌های مختلف رو داشتم سرخوردگی جلوی خانواده و آشنایان هر لحظه‌اش برام شکنجه و عذاب بود!

از بین رفتن اعتماد به نفس و ناامیدی شاید بدترین اتفاقی باشه که میتونه تو زندگی هر کس رخ بده ...



ولی باید یادمون باشه که جوهره و توانایی آدمها در سختی‌ها و بحران‌هاست که ساخته میشه و همیشه چوب درخت بیابان که بی‌آبی کشیده خیلی مقاوم‌تر از درخت‌های نازک نارنجی داخل باغ میشه!

قبول شکست یعنی موندن تو با تلاق بدبختی!

من زمانی که در آژانس با ماشینم کار می‌کردم با آدم‌های زیادی آشنا شدم، با آدم‌های زحمت‌کش و دوست‌داشتنی که هرکدامشون تو زندگی به نحوی زخمی شرایط تلخ روزگار شده بودند و از بد زندگی مجبور شده بودن که برای گذروندن زندگیشون با ماشین مسافرکشی کنند.

از سرهنگ بازنشسته ارتش گرفته تا نقاش هنرمند، ورشکسته فرش فروش، ورشکسته تولیدی دار پوشاک، قناد، مکانیک، مهندس صنایع، مهندس برق، کارمند اداره، دانشجو و ...

متأسفانه بیشتر آدم‌هایی که اونجا کار می‌کردند روحیه شون رو باخته بودند و قبول کرده بودند که راه چاره‌ای ندارن و مجبورند که تا آخر عمرشون اونجا تو اون آژانس مسافرکشی کنند و با بدبختی و بی‌پولی به زندگی ادامه بدن. اما من تسلیم نشدم و حتی در بدترین شرایط هم مطمئن بودم که راه‌حلی هست و مهم‌تر اینکه خدا بالاخره کمک می‌کنه.



اگر الان وضعیت مالی خوبی نداری و فکر می‌کنی که دیگه راهی نیست، بدون که برای هر مشکلی یک راه‌حل وجود داره، حتی اگر اون راه‌حل نیازمند یک معجزه باشه!

و بدون که اگر به شرایط موجود راضی شدی و با خودت گفتی که دیگه راهی وجود نداره، اون موقع هست که خودت به دست خودت داری طناب‌های نجات رو پاره می‌کنی!

بدترین روزها یا بهترین درس‌های زندگی؟!

بعد از حدود یک سال مسافركشی و كار تو آژانس بالاخره موفق شدم كه بخشی از مطالبات معوقم رو وصول كنم و به زندگی‌ام كمی سروسامان بدم و بدهی‌های دوروبرم رو صاف كنم.

خدا رو شكر كردم كه بالاخره اون روزهای تلخ تموم شد. از آژانس بیرون اومدم و بعد از يك ماه فكر كردن و تحقیق، بالاخره تصمیم گرفتم كه وارد كار کشاورزی بشم و يك مزرعه تولید كود ورمی كمپوست راه‌اندازی كنم. با اشتیاق خیلی زیاد يك زمین در مجاورت يك گلخانه در اطراف تهران اجاره كردم و شروع كردم به خریدن مواد اولیه مثل، كود گاوی و كاه و كلش و تجهیزات آبیاری و كرم ایزینیا فوتیدا و ابزارآلات و ...



واقعاً كار سخت و نفس‌گیری بود تازه بعد از چند ماه كار سخت و طاقت‌فرسا متوجه مشكلات تولید، بسته‌بندی، حمل، بازاریابی و فروش شدم. تو سرما و گرما می‌رفتم و می‌اومدم. برای فروش كود به گلخانه دارها، كل گل‌فروشی‌های تهران و گلخانه‌های ورامین و اطراف اون رو زیر پا گذاشته بودم. بروشور چاپ کرده بودم، کیسه پلاستیک شیک طراحی کرده بودم و تبلیغ هم کرده بودم.

بعد از گذشت حدود یک سال تازه فهمیدم که تو چه دردسر بزرگی افتادم و تازه فهمیدم که همه حساب و کتابهام اشتباه بوده و روش تولیدی من منسوخ شده و بازدهی نداره.

رقابت فروش کود خیلی زیاد بود و من با توجه به شرایط محیطی و یکسری مسائل دیگه پتانسیل‌های لازم رو برای موفقیت در این کار ندارم و مهم‌تر از همه اینکه تازه فهمیده بودم که خیلی هم به کار کشاورزی علاقه‌ای ندارم و هزار و یک دلیل دیگه که منو از ادامه دادن اون کار دلسرد می‌کرد.

با اینکه تونسته بودم مقداری کود به چند تا گلخانه بفروشم و مشتری‌هایی هم در گل‌فروشی‌ها پیدا کنم ولی با این حال از این کار دل‌زده شده بودم و احساس می‌کردم که این شغل نمیتونه منو پولدار کنه و مهم‌تر از اون اصلاً با روحیه من جور درنمیاد!

حالا من مونده بودم با یک مزرعه بی‌حاصل و تجهیزات بلااستفاده و البته هزینه‌های روزمره و دوباره ناامیدی و احساس شکست و بی‌پولی ... و مجبور شدم برای تأمین هزینه‌های جاری زندگی‌ام دوباره برم آژانس و مسافرکشی کنم و دوباره شروع کردم به فرستادن رزومه و دنبال شغل گشتن.

از اینکه برای بار دوم تو کارم شکست خورده بودم و حسابی بی‌پول شده بودم و خیلی ناراحت و عصبی و ناامید بودم. همش خودم رو لعنت می‌کردم که آخه چرا عجله کردم و درست و حسابی تحقیق نکردم!

البته باید بگم که من قبل از شروع این کسب و کار برای خودم طرح توجیهی نوشته بودم و حساب کتاب کرده بودم، من از بچگی تو محیط بازار بزرگ شده بودم و راه و روش فروش و این داستان‌ها رو بلد بودم اما مشکل جای دیگه ای بود که سال‌ها بعد موقعی که با قانون جذب و آشنا شدم و مطالعاتم رو تو این زمینه آغاز کردم فهمیدم چیه.

فشارهای روانی خیلی اذیت می‌کرد، تو همون دوران بود که با خودم عهد کردم که باید راه موفقیت و پولدار شدن رو یاد بگیرم تا اگر باز هم ورشکست کردم و بی‌پول شدم اول اینکه اونقدری پول داشته باشم که حداقل به مفلسی و بدبختی نیافتم و همیشه برای خودم یک پشتوانه بزرگ مالی داشته باشم تا همیشه خیالم راحت باشه و مهم‌تر از همه اینکه یاد بگیرم که در بحران‌های مالی چطور اوضاع و شرایط رو مدیریت کنم و روحیم رو نیازم و بتونم دوباره شروع کنم.

مطمئن بودم که می‌تونم راهم رو با مطالعه کتاب و الگوبرداری از زندگی آدم‌های موفق پیدا کنم به همین خاطر دوباره شروع کردم به کتاب خوندن چون مطمئن بودم که می‌تونم از این راه به موفقیت برسم.



با مطالعه زندگی افراد موفق متوجه شدم که اون‌ها بارها و بارها برای رسیدن به موفقیت راه‌های مختلف رو امتحان کردن ولی ناامید نشدند و در بدترین شرایط باز هم به دنبال راه موفقیت بودند. ولی نمی‌فهمیدم که چرا هرچقدر کتاب می‌خوندم بی‌نتیجه بود یا حداقل کامل جواب نمی‌گرفتم.

در همون دوران بود که به لطف یکی از دوستانم با قانون جذب آشنا شدم و فایل صوتی فیلم «راز» به دستم رسید و من موقعی که از سرویس برمی‌گشتم و تو ماشینم مسافر نبود به این فایل صوتی گوش می‌دادم و وقتی که منتظر مسافر بودم کتابم رو از بغل دنده ماشین برمی‌داشتیم و می‌خوندم.

تقریباً بعد از گذشت کمتر از یک سال به لطف خدای مهربان مسیر زندگی ام عوض شد و تونستم کار خوب و پر درآمدی رو جذب کنم. تجهیزات و لوازم باقی مونده مزرعه رو با یک ضرر سنگین فروختم و این کسب و کار، پول زیادی از من رو از بین برد و شاید تونستم کمتر از یک‌دهم سرمایه اولیه‌ای رو که برای شروع کار گذاشته بودم رو برگردونم و بقیه اش از بین رفت.

این تاوان سنگین باعث شد که در زمینه راه‌اندازی کسب و کار تجربیات خوبی رو به دست بیارم که می‌خوام به شما آموزش بدم تا شما اشتباهات من رو دوباره تکرار نکنید و خیلی زودتر و راحت‌تر از من به موفقیت مالی برسید.

من الان هیچ‌وقت ناراحت پول‌هایی که برای اون کسب و کار از دست دادم ناراحت نیستم، چون در ازای اون ضرر بزرگ مالی درس‌های بزرگی هم یاد گرفتم. بالاخره به دست آوردن هر تجربه هزینه و بهایی داره.

باور کن که همیشه در دل هر اتفاق بد، درس‌های بزرگ و ارزشمندی نهفته هست!

آدم‌هایی که معمولاً اشتباه نمی‌کنند لزوماً افراد موفق نیستند، چون اقدامی نمی‌کنند اشتباهی هم نمی‌کنند و به همین خاطر هیچ پیشرفتی هم نمی‌کنند!



ویدئو رایگان شماره (۱)

تجربیات با ارزش زندگی شما

برای دانلود این فایل ویدئویی اینجا کلیک کنید

حتماً بعد از دیدن این فایل ویدئویی، تمرین آنرا انجام دهید!

اهدافتون رو فراموش نکنید!

بعد از اینکه تونستم توی یک شرکت مشاور کار خوبی پیدا کنم. هدفم رو فراموش نکردم. اما متأسفانه اکثر مردم وقتی که به یک ثبات مالی می‌رسند، اهدافشون رو فراموش می‌کنند و دچار روزمرگی میشن. ولی من هدفم رو از یاد نبردم!



هیچ وقت از رسیدن به اهداف دست نکش!
آدم‌های موفق همیشه هدفشون جلوی چشمشونه!
تنبلی خیلی راحت... تلاش نکردن خیلی راحت...
ریسک نکردن خیلی راحت... خوش گذروندن خیلی راحت...
ولی برای رسیدن به موفقیت باید همیشه اهداف جلوی چشمت باشه و فراموششون نکنی!

خدا رو شکر کارم به عنوان مهندس ناظر خیلی سبک بود و همیشه وقت کافی برای مطالعه کتاب و جستجوی هدفمند و تحقیق در اینترنت داشتم. هر چند که در همون زمان بقیه همکارانم وقتشون رو با دیدن فیلم و تو اینترنت چرخیدن هدر می‌دادند و البته خوش بودند.

شاید در مدت کمتر از ۲ سال من از آموزش‌های بهترین اساتید حوزه موفقیت مالی ایران بهره بردم و علاوه بر اونها هر فیلم دوبله شده سمینار خارجی که می‌تونستم تهیه کنم رو نگاه می‌کردم و بیشتر کتاب‌های حوزه موفقیت اعم از نویسندگان ایرانی و خارجی رو که به فارسی ترجمه شده بود رو خونده بودم.

دوست خوبم ازت می‌خوام که با خودت صادق باشی و یک نگاهی به وضعیت زندگیت بندازی و ببینی که واقعاً داری کار دلخواهت رو انجام میدی یا اینکه از سر مجبوری و گذران زندگی داری یک شغلی

که برات هیچ جذابیتی نداره رو دنبال می‌کنی و برای فرار از مشکلات خودت رو سرگرم روزمرگی‌های زندگی کردی؟!

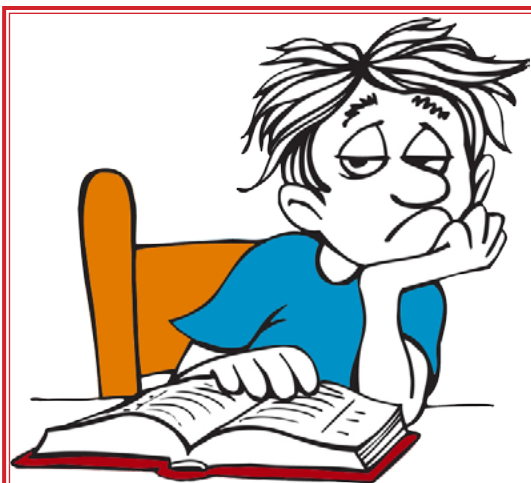
**تنها راه انجام کارهای بزرگ
اینست که کاری را انجام دهی که
به آن عشق بورزی**

استیو جابز



آیا شما هم قبول دارید که:

- همه مردم دوست دارند جذاب، دوست‌داشتنی و مورد احترام دیگران باشند!
 - همه مردم دوست دارند خانواده‌ای شاد و فرزندانی موفق داشته باشند!
 - همه مردم دوست دارند به اهداف و آرزوهایشان در زندگی دست پیدا کنند!
 - همه مردم دوست دارند که هر روز پیشرفت کنند و هیچ‌وقت شکست نخورند!
 - همه مردم دوست دارند در کار و حرفه خود موفق باشند و ثروتمندتر شوند!
- اما:
- همه مردم دوست ندارند به جای تماشای فیلم و سریال یک فیلم آموزشی نگاه کنند!
 - همه مردم دوست ندارند برای یادگیری روشهای جدید وقت صرف کنند و آموزش ببینند!
 - همه مردم دوست ندارند برای خرید محصولات آموزشی و یا شرکت در دوره‌ها و کلاس‌ها هزینه کنند!



اگر خواهان موفقیت مالی تو زندگیت هستی، همین امروز با خودت تعهد کن که حاضر بشی بهاش رو پرداخت کنی! منظورم فقط بهای مالی نیست! باید برای اون وقت بگذاری و از خوشی‌های زودگذر دل بکنی ...

تصمیم مهم و سرنوشت‌ساز

با اینکه کار خوب و بدون دغدغه‌ای داشتم و هر ماه چندین میلیون تومان درآمد برام داشت و تقریباً ۳ برابر یک کارمند معمولی حقوق می‌گرفتم، ولی بهش دل خوش نکردم و تصمیم گرفتم که دوباره کسب‌وکارم رو راه بندازم و برای خودم کار کنم.

بالاخره بعد از کلی کلنجار رفتن با خودم تصمیم گرفتم که مهندسی و صنعت رو برای همیشه کنار بگذارم، چون روحیه من با کارمندی و کارهای صنعتی و محیط پیمانکاری اصلاً جور در نمی‌اومد.

با اینکه می‌دونستم که باید هرچه سریع‌تر از اون محیط بیام بیرون و کسب‌وکار خودم رو شروع کنم ولی هیچ ایده و شغلی به ذهنم نمی‌رسید و این روال چندین ماه از زمان گرفتن این تصمیم ادامه پیدا کرد تا اینکه یک روز مدیرعامل شرکت‌مون از من خواست که برم پیشش و من فهمیده بودم که قراره که عذر منو بخوان. بنده خدا یک ساعت برام دلیل و آیه آورد که بگه مجبوره که به درخواست کارفرمای اصلی نیروهاش رو تعدیل کنه و می‌خواست به نوعی به من دلداری بده و برای پیدا کردن شغل جدید به من کمک کنه.

من هم خیلی خونسرد و البته با لبی خندون بهش گفتم که من اصلاً از بابت این موضوع ناراحت نیستم و خودم قبلاً تصمیم داشتم که از این شرکت برم! بنده خدا حسابی تعجب کرد و جا خورد و بعد از این که روحیه شاد و پرانرژی منو دید، برام یک داستان زیبا تعریف کرد که گفتنش خالی از لطف نیست.

بز سرنوشت‌ساز

روزی یک استاد معنوی با شاگردش در سفر از بیابانی عبور می‌کردند که به خیمه محقری رسیدند، از صاحب خیمه طلب آب و غذا کردند. صاحب خیمه که زنی مهربان بود از آنها پذیرایی کرد. وقتی از اون زن اوضاع زندگیش رو جويا شدند، زن آهی کشید و با غصه گفت: سال‌ها پیش همسرم فوت شد و من موندم و بزرگ کردن چند بچه یتیم و الان دارایی ما فقط یک بز هست که با شیرش شکم بچه‌ها م رو سیر می‌کنم و روزگارمون به سختی می‌گذره.

شاگرد که از شنیدن این داستان غم‌انگیز حسابی ناراحت و غمگین شده بود، شبانگاه رو به استاد کرد و گفت: استاد! شما که مستجاب الدعوه هستی برای این زن و فرزندانش دعای خیری کن تا وضعیت زندگی اون‌ها روبراه بشه و از این زندگی فلاکت‌بار نجات پیدا کنند.

استاد گفت: من برای وسعت رزقشون دعا کردم اما کاری هست که باید انجام بشه وگرنه این‌ها از این بدبختی نجات پیدا نمی‌کنند.

شاگرد گفت: چه کاری باید انجام بشه استاد؟

استاد اندکی تأمل کرد و گفت: آیا تو حاضری اون کار مهم رو انجام بدی؟

شاگرد بدون درنگ گفت: البته که حاضرم، من هر کاری برای خوشبختی این زن و بچه‌های یتیمش از دستم بریاد انجام می‌دم.

استاد لبخندی زد و گفت : خوب عالی شد. نیمه‌شب زمانی که اطمینان پیدا کردی همه خوابیدند، برو با خنجر بزشون رو بکش!

شاگرد از جا پرید و عصبانیت گفت: استاد شما که بی‌انصاف نبودید؟! در این بیابان برهوت، این زن بیچاره باکمال احترام از ما پذیرایی کرد، آیا این شرط انصاف هست که من بجای تلافی خدمت و مهمان‌نوازی بروم و بزشان را بکشم و سرمایه زندگی‌شان را نابود کنم؟!

استاد گفت: آرام باش، مگر نه این است که من استاد و راهنمای تو هستم؟

شاگرد گفت : بله، اما این چه درخواست نامعقولی است که شما از من دارید؟!

استاد گفت: در پس هر چیزی حکمتی است، امشب برو و کار را تمام کن، تا بعداً به حکمت این ماجرا بگویم.

سال‌ها گذشت و دوباره گذر آن استاد و شاگرد به همان مسیر بیابان افتاد. اما این بار آنها با یک مزرعه حاصلخیز و باغ میوه و یک عمارت زیبا مواجه شدند. استاد به شاگرد گفت: امشب همین‌جا می‌مانیم. وقتی که به درب عمارت رفتند و درب را کوفتند، با صحنه عجیبی روبرو شدند ...

بله کسی که درب را بروی آنها باز کرد همان زنی بود که سال‌ها پیش در چادر حقیرش از آنها پذیرایی کرده بود. شاگرد کمی ترسید و خواست که فرار کند، اما استاد به او اشاره کرد که با او وارد این خانه زیبا شود.

استاد از زن پرسید: آیا مرا و شاگردم را شناختی؟ زن کمی تأمل کرد و گفت: بله شما سال‌ها پیش یک‌شب مهمان من بودید. استاد پرسید: ای زن سال‌ها پیش در خیمه محقری زندگی می‌کردی؛ چه شد که حالا صاحب این خانه زیبا و بزرگ و مزرعه و باغ پر میوه هستی؟

زن پاسخ داد: ای استاد، فردای آن روز که شما از پیش ما رفتید، وقتی برای دوشیدن شیر بز رفتم دیدم که بزمان کشته شده، خیلی ناراحت شدم و به بخت بد خود لعنت فرستادم.

چند روزی گذشت و من چیزی برای سیر کردن شکم کودکان یتیمم نیافتم، به ناچار یکی از پسرانم را نزد آهنگر شهر فرستادم تا صنعتگری بیاموزد، کودک دیگرم را به تاجری سپردم تا شاگرد او باشد و همراه کودک دیگرم از بیابان هیزم جمع می‌کردیم و در بازار می‌فروختیم.

مدت‌زمانی گذشت و پسر بزرگم صنعتگری پرآوازه شد و پسر دیگرم هم تجارت آموخت و من هم با فرزند دیگرم شروع به کشاورزی کردم و به لطف خدا هر روز وضعیت مالی ما در حال بهبود و پیشرفت است.

استاد رو به شاگرد کرد و با گوشه چشمی به او لبخند زد، شاگرد که مبهوت این قصه پر رمز و راز مانده بود در اندیشه‌ای ژرف فرو رفت و به حمکت کشتن آن بز اندیشید ...

البته من این داستان رو به قلم خودم کمی تغییر دادم، امیدوارم که خوشتون اومده باشه.



تصمیم بگیرید که برای کشتن بزتون اقدام کنید و هیچ‌وقت نگران از دست دادن بزتون نباشید! متأسفانه خیلی از مردم سال‌هاست که به داشتن همون بز در زندگیشون قناعت کردند و هیچ‌وقت جرأت نکردند که خودشون با دست خودشون بزشون رو بکشند.

بیکار شدن من و از دست دادن درآمد خوبم از نگاه اطرافیانم یک اتفاق خیلی بد و ناراحت‌کننده بود، ولی من واقعاً از این اتفاق به ظاهر ناخوشایند خیلی خوشحال بودم و اون رو یک نشونه و پیام از جانب کائنات می‌دونستم.



بهترین سنجش میزان حقیقی ثروت
این است که بدانید اگر تمام پول هایتان را همین امروز از دست بدهید، چقدر ارزش خواهید داشت؟

فینیز تیلور بارنام
هنرمند و تاجر پرآوازه آمریکایی
از بنیانگذاران سیرک های بزرگ Barnum & Bailey

شاید بیشتر از ۴-۵ ماه در خونه بیکار بودم و هیچ ایده‌ای برای شروع کسب‌وکارم نداشتم، ولی من می‌دونستم که با مطالعه و یادگیری و آموزش می‌تونم راهم رو پیدا کنم، به همین خاطر شبانه‌روز کتاب می‌خوندم و فیلم‌های آموزشی دوره‌هایی رو که تهیه کرده بودم نگاه می‌کردم و مهم‌تر از همه «فکر می‌کردم»، کاری که ۹۵ درصد مردم حوصله انجام دادنش رو ندارند!

آموزش دیدن و فکر کردن کاریه که ۹۵ درصد از مردم اصلاً حوصلش رو ندارند. به شما دوست خوبم تبریک میگم که مشغول مطالعه این کتاب هستی چون جزء ۵ درصد آدم‌های متفاوت از اجتماع هستی، اگر نبودی الان بجای خوندن این کتاب و وقت گذاشتن برای یادگیری و آموزش یا جلوی تلویزیون داشتنی یک سریال آب دوغ خياری نگاه می‌کردی یا تو شبکه‌های اجتماعی، بی‌هدف مشغول بودی!!

در این مدت با گذراندن دوره‌های آموزشی متوجه استعداد و توانایی هام در حوزه آموزش شده بودم. به لطف خدا تصمیم گرفتم که وارد کار آموزش بشم. چون فهمیدم که این رسالت در این دنیاست. شاید برای بعضی‌ها قابل درک نباشه ولی من احساس می‌کنم که یه جورایی خداوند موفقیت من رو در گرو انجام دادن رسالتی که برای من مشخص کرده قرار داده.

من عقیده دارم که خداوند هر بنده‌ای رو با یکسری استعداد و قابلیت‌های ویژه آفریده و اون آدم با بقیه فرق داره! نکته مهم اینجاست که باید اون رو شناسایی کرد و دنبال شکوفا کردنش رفت و انجامش داد تا جهان رشد کنه و هر روز بهتر بشه.

باید یک ادیسونی پیدا بشه و برق رو اختراع کنه، باید یک زکریای رازی پیدا بشه و الکل رو کشف کنه و یک نفر باید پزشک بشه و بیماران رو مداوا کنه، یکی باید مکانیک بشه و ماشین مردم رو تعمیر کنه، یکی باید بازیگر بشه و برای مردم فیلم بازی کنه، یکی معلم بشه و به مردم آموزش بده و ...

هر کدوم از ما وظیفه‌ای داریم که باید اون رو پیدا کنیم و انجامش بدیم و اون وظیفه در واقع "رسالت" ما در این دنیاست که با قرار گرفتن در اون مسیر، به رشد و کمال می‌رسیم و هدف خالق هم همین‌ه!

من سال‌ها در حوزه‌های موفقیت کتاب می‌خوندم و به دوستان و آشنایانم مشاوره می‌دادم. با خودم گفتم چی از این بهتر که بتونم با کلامم زندگی یک نفر رو تغییر بدم البته من که کاره‌ای نیستم و هر چی که هست لطف خالق مهربان هست که بعضی وقت‌ها از زبان من با بنده هاش حرف می‌زنه و راهنمایی شون می‌کنه. نه اینکه من آدم خاص و مقدسی باشم! نه! من یک آدم معمولی هستم ولی عاشق خالقم هستم و مطمئنم که خالقم هم من رو عاشقانه دوست داره چون هر روز لطف و حمایتش رو در زندگیم می‌بینم و احساس می‌کنم.

ویدئو رایگان شماره (۲)



ویدئو رایگان شماره (۲)

ثروتمندترین نقطه جهان

برای دانلود این فایل ویدئویی اینجا کلیک کنید

حتماً بعد از دیدن این فایل ویدئویی، تمرین آنرا انجام دهید!

با نصب اپلیکیشن اندروید "موفقیت و ثروت"

بصورت آنلاین به صدها مقاله مفید

دسترسی داشته باش!

برای دانلود رایگان از بازار اینجا کلیک کن

cafebazaar.ir/app/MortezaElahi.com/?l=fa

تفاوت ثروتمندان با افراد معمولی جامعه در چیست؟



تفاوت ثروتمندان با افراد معمولی جامعه در چیست؟

به نظر شما چه چیزی باعث شده که یک نفر ثروتمند میشه و یک نفر دیگه توی همون محیط توی همون شرایط توی همون جامعه فقیر هستش و نتونسته ثروتی به دست بیاره؟!

به نظر شما این آدم‌ها از نظر ظاهری باهم تفاوتی دارند؟ منظورم لباس‌هایی که می‌پوشند نیست؛ چون مسلماً اون آدم پولدار لباس هاش خیلی بهتر و شیک تر و گرون قیمت تر از اون آدم فقیر هست. منظور من تفاوت فیزیکی‌شون هست.

آیا آدم‌های فقیر بجای ۲ چشم چهار تا چشم دارند و آدم‌های ثروتمند بجای دو تا چشم یک چشم دارند؟ یا مثلاً آدم‌های ثروتمند بجای دو تا گوش شش تا گوش دارند تا بهتر بتونند شرایط رو بفهمند و درک کنند؟

یا اینکه آدم‌های ثروتمند آدم‌هایی هستند که زور بازوی خیلی قوی دارند؟ یعنی اگر شما برید باشگاه و عضله هاتون رو قوی تر بکنید و اندام بهتری داشته باشید و وضعیت جسمانی بهتری داشته باشید و قوی تر باشید شما ثروتمند میشید؟!

قطعاً این‌طور نیست چون شما خودتون هم میدونید که خیلی از افرادی که ثروتمند هستند جثه‌های نحیفی ممکنه داشته باشند و هیچ قدرت بدنی هم ممکنه نداشته باشند. حتی خیلی از افراد ثروتمند هستند که معلولیت‌های جسمی دارند. روی ویلچر هستند و فلج‌اند. نابینا هستند و مشکلات و معلولیت و محدودیت‌های فیزیکی و جسمی دیگه دارند ولی با این‌حال ثروتمندند.

پس چه چیزی باعث شده که اون آدم‌ها بتونند ثروتمند بشند و خیلی از آدم‌های دیگه با همون شرایط با همون بدن با همون جسم نتونن موفقیتی به دست بیارند و نتونند ثروتمند بشن؟!

فکر می‌کنید که تفاوت در کجاست؟

شاید با خودتون بگید که آدم‌های ثروتمند و پولدار آدم‌های خوش شانس هستند و یا اینکه اون‌ها توانایی‌های ویژه و خاصی دارند. من همیشه در دوره‌ها با مخالفت شرکت‌کننده‌ها در این زمینه مواجه میشم ولی وقتی که براشون توضیح می‌دم و دلیل میارم و مثال می‌زنم قانع میشن و حرف‌های من رو می‌پذیرند.

من به شما میگم که تفاوت فقط در نحوه تفکر و طرز فکر اون‌هاست، چون آدم‌های ثروتمند و آدم‌های فقیر از نظر ظاهری با هم هیچ فرقی نمی‌کنند اون‌ها فقط طرز فکرشونه که باعث شده ثروتمند بشن و نوع نگاهشون به زندگی باعث شده پولدار بشن.



پس من درآموزش هام فقط و فقط راجع به فکر، ذهن و مغز صحبت می‌کنم و با هیچ جای دیگه کاری ندارم! چون هر حرفی که زده میشه و هر صحبتی میشه راجع به ذهنه، راجع به فکره، راجع به ایده‌هاست. پس منتظر شنیدن چیزهای دیگه نباشید. من حرف‌هایی به شما می‌زنم که قابل درک باشه، قابل فهم باشه و قابل اجرا و می‌خواهم که طرز فکر شما رو اصلاح کنم.

دوست خوبم تفاوت ثروتمندان با آدم‌های معمولی و فقیر تنها در نوع نگاهشون به زندگی و طرز تفکرشونه. اونها به خاطر تصمیمات درستی که تونستند در مراحل مختلف زندگی بگیرند و به واسطه ایده‌هایی که به ذهنشون رسیده به ثروت رسیدند.

اگر تا به امروز هر چقدر تلاش و فعالیت کردی ولی نتونستی ثروتمند بشی و وضعیت مالی خوبی پیدا کنی پس حتماً یکجا توی ذهنت، توی افکارت، توی باورهایت یکسری برنامه‌های اشتباه وجود داره که مانع از پولدار شدن شد.

اگر می‌خواهید شما هم ثروتمند بشید، راه‌های زیادی وجود داره ولی من توصیه می‌کنم که اگر می‌خواهید سریع‌تر و با دردسر کمتری به ثروت و پول برسید یاد بگیرید که از روی «طرز فکر» و «باورهای ذهنی» ثروتمندان الگو برداری کنید.

وجه اشتراک زندگی ثروتمندان

با مطالعه و بررسی زندگی افراد موفق و ثروتمند متوجه یکسری نکات مهم و ارزشمند شدم و جالب اینجا بود که این نکات وجه اشتراک تمامی این ثروتمندان بود. در اینجا چند مورد از این موارد رو با شما در میون می‌گذارم.

برخلاف تصور عموم، افراد ثروتمند خیلی اهل کارهای فیزیکی سخت نیستند! منظورم این نیست که اونها آدم‌های تنبلی هستند! اونها کار انجام میدن، اما کاملاً حساب‌شده و دقیق. اونها می‌دونند که برای داشتن یک زندگی خوب، همیشه باید تصمیمات خوب و عالی گرفت و نکته مهم اینجاست که لازمه گرفتن تصمیمات خوب و مهم، داشتن اطلاعات خوب و ارزشمند هست.

به همین خاطره که افراد ثروتمند دائم در حال جمع‌آوری اخبار جدید و یادگیری مطالب جدید هستند؛ چون اعتقاد دارند که برای اینکه از دنیا عقب نیفتند همیشه باید دنبال اخبار جدید و یادگیری مطالب نو باشند.

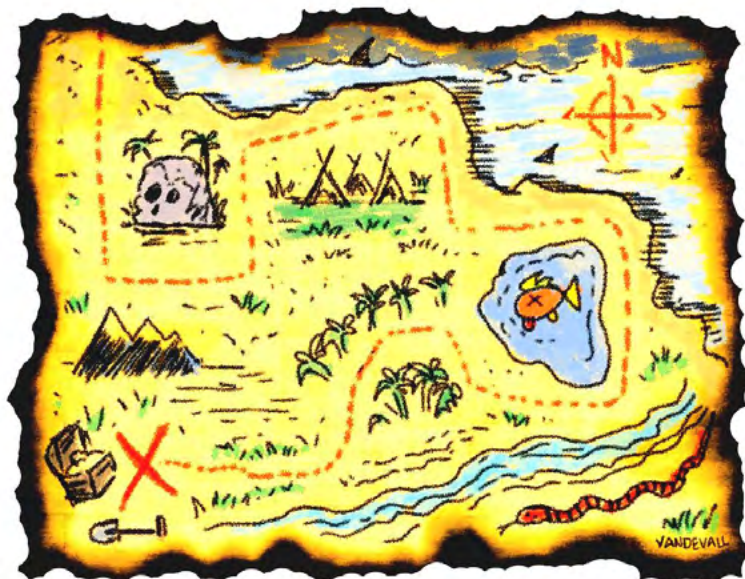


متأسفانه خیلی از مردم عوام اجتماع رسیدن به پول و ثروت رو شانس و اتفاقی می‌دونند! در صورتی که اگر از هر ثروتمندی سؤال کنی که چطور پولدار شدی؟ به شما میگه که زحمت کشیدم، تلاش کردم. اگر بهش بگی که تو اتفاقی و شانس پولدار شدی، مطمئناً بهت می‌خنده و ...

بله دوست خوبم پولدار شدن اتفاقی و شانس نیست! حتماً تو فیلم‌ها دیدید که چطور بعضی افراد گنج پیدا می‌کنند؟! البته پیدا کردن هیچ گنجی بدون داشتن «نقشه» امکان‌پذیر نیست!

برای پولدار شدن هم شما نیاز به «نقشه» و «راهنما» دارید. داشتن راهنما و یک برنامه‌ریزی دقیق مثل داشتن نقشه گنج می‌مونه به همین خاطره که افراد موفق همیشه دنبال «برنامه» و «راهنما» هستند و دلیل موفقیت و ثروتشون هم همین هست!

متأسفانه اکثر مردم همین‌طور «بی‌برنامه» و «بدون راهنما» مشغول کندن زمین هستند و چون نقشه و راهنما ندارند هیچ‌وقت به گنج نمی‌رسند و فقط خودشان رو خسته می‌کنند و بعد از مدتی تلاش بی‌ثمر، به این نتیجه می‌رسند که اصلاً گنجی وجود ندارد!!!



من و اعضای گروه‌م تمام سعی و تلاشمون رو می‌کنیم تا با ساختن فیلم‌ها و محصولات آموزشی مفید و کاربردی، تجربه افراد موفق و ثروتمند رو به شما انتقال بدهیم و در مسیر موفقیت برای شما نقشه بسازیم و برنامه در اختیارتون قرار بدیم و این آموزش‌ها در حکم نقشه گنج برای افرادی هست که در جستجوی ثروت بیشتر تو زندگیشون هستند.

شما با یادگیری این اصول و قوانین و اجرای اون‌ها تو زندگی تون میتونید به همون موفقیت و ثروتی دست پیدا کنید که اون‌ها رسیدند. چون هر کسی که قوانین و اصول رو رعایت کنه نتیجه می‌گیره!!!

برای ایجاد تغییرات خوب از همین امروز تصمیم بگیرید که برای آموزش خودتون سرمایه‌گذاری کنید تا بتونید لذت داشتن یک زندگی خوب و عالی رو تو زندگیتون احساس کنید.

یادتون باشد مهم‌ترین سرمایه یک انسان در زندگی، “آگاهی” است. انسان‌ها یا “عوام” هستند یا “آگاه”. انتخاب با شماست که تصمیم بگیرید جزء کدام گروه باشید.

آیا برای یادگیری و آموزش وقت ندارید؟!

ممکنه که بگید من مشغله زندگیم زیاده و وقت یادگیری و آموزش دیدن ندارم؛ پس با من همراه باشید تا براتون یک داستان زیبا تعریف کنم.

روزی مردی از محلی عبور می‌کرد و پیرمردی را در حال اره کردن یک درخت تنومند دید. غروب درحالی‌که داشت به خانه برمی‌گشت دوباره از همان محل رد شد و با کمال تعجب دید که هنوز بریدن درخت تمام نشده. کنجکاو شد و با خودش گفت این پیرمرد بیچاره از صبح تا حالا مشغول بریدن این درخته! از صبح تا حالا این پیرمرد می‌تونست چند تا درخت رو ببره ولی هنوز همین یکدونه درخت رو هم نبریده؟!

جلو رفت و با کنجکاوی پرسید: ببخشید آقا شما چکار می‌کنید؟

پیرمرد با بی‌حوصلگی گفت: برو پدر جان وقت صحبت کردن با تو رو ندارم!

مرد با تعجب پرسید: آخه چرا؟!

پیرمرد گفت: شغل من همین هست، صبح تا شب باید درخت ببرم، هر چقدر بیشتر کار کنم بیشتر پول درمیارم، اگر با تو صحبت کنم وقتم گرفته میشه و از کارم عقب می‌فتم. برو و مزاحم نشو!

مرد که از این حرف هیزم‌شکن ناراحت شده بود خواست که راهش رو بگیره و بره، ولی ارّه پیرمرد توجهش رو جلب کرد. متوجه شد که ارّه پیرمرد، حسابی کند شده و دندونه هاش خراب شده و به خاطر کند بودن ارّه، این پیرمرد بیچاره فقط داره خودش رو خسته می‌کنه و زحمت بی‌حاصل میکشه!

رو به پیرمرد کرد و گفت: ببخشید پدر جان می‌دونم که وقت نداری، ولی از تو یک سؤال دارم؟

پیرمرد با کلافگی گفت: زود بپرس و بعدش برو!

مرد گفت: آخرین باری که ارّه خودت رو تیز کردی کی بود؟

هیزم‌شکن گفت: از وقتی که این ارّه رو خریدم وقت نکردم تیزش کنم!!!

مرد با تعجب گفت: خوب بجای اینکه از صبح تا شب زحمت بیخود بکشی و خودت رو خسته کنی، وقت بزار و ارّه ات رو تیز کن!

پیرمرد با عصبانیت جواب داد: من به تو میگم وقت ندارم! کارم عقبه! تو میگی ارّه رو تیز کن؟!

بزرگی میگه من اگر ۱۰ ساعت برای بریدن یک درخت وقت داشته باشم، ۸ ساعتش رو صرف تیز کردن اره‌ام می‌کنم. شما چطور؟



راز موفقیت

شاید شما هم بارها و بارها این داستان‌ها رو شنیده باشید و ذهنتون پر از سؤالاتی باشه که من چطوری می‌تونم به موفقیت برسم؟ من چکاری باید انجام بدم تا مثل افراد موفق بشم؟ آخه چرا من با این همه تلاشم موفق نمیشم؟

از اینکه تا اینجا کتاب رو خوندید باید به شما تبریک بگم چون شما جزء معدود افرادی هستید که تصمیم دارند به موفقیت برسند و قصد دارند که خودشون خالق زندگی خودشون باشند، چون متأسفانه اکثر مردم تابع شرایط بیرونی زندگیشون هستند و خودشون رو محکوم به تحمل شرایط می‌دونند!

آیا میدانید؟!

- آیا می‌دانید افراد موفق و ثروتمند چند ساعت در هفته را صرف مطالعه و آموزش برای افزایش توانایی‌های خودشون می‌کنند؟

- آیا می‌دانید افراد موفق و ثروتمند در طول روز و هنگام مسافرت، زمانی که امکان خواندن کتاب را ندارند چه کاری انجام می‌دهند؟

- آیا می‌دانید افراد موفق و ثروتمند روزی چند ساعت به فایل‌های آموزشی صوتی گوش می‌دهند؟

- آیا می‌دانید افراد موفق و ثروتمند به جای دیدن سریال‌های بی‌محتوای تلویزیون وقتشون رو با دیدن فیلم‌های آموزشی پر می‌کنند؟

دوست عزیز تمامی افراد موفق و ثروتمند دائماً در حال یادگیری و مطالعه و آموزش دیدن هستند. اونها می‌دونند که برای موفقیت باید آموزش دید، مطالعه کرد، وقت گذاشت و هزینه کرد وگرنه مثل بقیه افراد معمولی اجتماع دچار روزمرگی می‌شوند.

اگر مهارت های شخصی خودتان را افزایش دهید در هر کار و حرفه‌ای می‌توانید جزء بهترین‌ها و موفق‌ترین‌ها باشید و این هم مستلزم صرف وقت و هزینه برای مطالعه و آموزش است.

اگر می‌خواهید شما هم پولدار و ثروتمند شوید باید یاد بگیرید که:

- چطور مثل ثروتمندان فکر کنید.
- چطور مثل ثروتمندان حرف بزنید.
- چطور مثل ثروتمندان رفتار کنید.
- چطور مثل ثروتمندان تصمیم بگیرید.
- چطور از زندگی و روش ثروتمندان الگوبرداری کنید و کارهایی را که آنها انجام می‌دهند شما هم انجام دهید!



**شما هم می‌توانید
موفق و ثروتمند شوید
اگر به روش
ثروتمندان عمل کنید**

به آنچه داری قانع نباش!

از بچگی هر وقت که می‌خواستم درباره آرزوها و رؤیاهایم در جمع خانواده صحبت کنم، متهم می‌شدم به ناشکری، متهم می‌شدم به بلندپروازی، متهم می‌شدم به اینکه آدم قانع و شکرگزاری نیستم. سال‌ها با خودم کلنجار می‌رفتم و برام قابل درک نبود که چرا من نباید دنبال چیزهای خوب باشم، چرا من نباید درباره آرزوهایم صحبت کنم؟!

همیشه شنیده بودم که خداوند بنده‌های قانع رو خیلی دوست داره، افرادی که به همون چیزی که در زندگی شون دارند و خدا به آنها داده قانع هستند و اعتراضی نمی‌کنند، افرادی که هر چقدر که شرایط و اوضاع بد میشه باز اونها به همون قانع هستند و به خداوند اعتراضی نمی‌کنند.

من همیشه برام جای سؤال بود که چرا اگر خواسته‌ای بزرگ‌تر از شرایط موجودم از خدا داشته باشم کار بدی انجام دادم و چرا خداوند باید این درخواست من رو به حساب ناشکری و ناسپاسی من بگذاره؟! من همیشه به خاطر این موضوع عذاب وجدان داشتم و بیشتر وقت‌ها احساس گناه می‌کردم. نمی‌دونم که شما هم این‌طور فکر می‌کنید یا نه؟!

بعد از اینکه تحقیقات و مطالعاتم رو در زمینه ثروت و رسیدن به موفقیت‌های مالی شروع کردم، متوجه یکسری قوانین زمینی و یکسری قوانین آسمانی شدم.

من فهمیدم که یکی از مهم‌ترین خصوصیات مشترک افراد موفق و ثروتمند جهان «شکرگزار» بودن اونهاست و متوجه شدم که اگر نسبت به داشته‌هایم در زندگی از خالق مهربانم تشکر کنم و شکرگزار اونها باشم خداوند هر روز نعمت‌های بیشتری رو به زندگی من سرازیر میکنه.

حتماً شما هم شنیدید که می‌گند: «شکر نعمت، نعمت افزون کند؛ کفر، نعمت از کف بیرون کند.»

قناعت یا رضایت مسئله اینست!

مشکل من اینجا بود که به خاطر آموزش‌های غلط دچار کج‌فهمی شده بودم، مشکلی که گریبان گیر خیلی از مردم هست و پیر و جوان ازش مستثنی نیستند. متأسفانه به ما نگفتن که رضایت با قناعت فرق داره! آره دوست خوبم رضایت با قناعت از زمین تا آسمان تفاوت داره.

با یک مثال این موضوع رو براتون روشن می‌کنم. مثلاً اگر من یک پراید داشته باشم و مدام غر بزوم و به خدا گله بکنم و بگم که آخه خدایا پراید هم شد ماشین؟! ملت بنز سوار میشن، مازراتی سوار میشن، اون موقع ما هم دلمون خوشه که ماشین داریم!!! باید بگم که این طرز فکر، طرز فکر آدم‌های ناراضی و ناشکره، این طرز فکر آدم‌هایی با «ذهنیت فقر» هست!



دوست دارید که بدونید که آدم‌هایی با «الگوهای ذهنی ثروتمند» چطور فکر می‌کنند؟ اونها اگر یک ماشین درب و داغون هم داشته باشند هیچ‌وقت به خدا گله و شکایت نمی‌کنند. اونها همیشه یاد گرفتند که در هر شرایطی یه بهونه برای تشکر از خداوند پیدا کنند.

اونها یاد گرفتند که همیشه به افرادی نگاه کنند که وضعیتی بدتر از اونها دارند، اونها یاد گرفتند که حتی وقتی سوار یک ماشین داغون و قدیمی میشن، توجهشون به آدم‌های پیاده باشه که حتی اون ماشین کهنه و داغون رو هم ندارند!

بله! آدم‌هایی با «ذهنیت ثروتمند» همیشه و در هر شرایطی نسبت به امکانات و داشته هاشون، هر چقدر هم که بدیهی و کوچک و کم باشه، شکرگزار خداوند هستند و از ته قلب احساس شادی و رضایت دارند.

قبول دارم که خیلی کار سخته، ولی اگر قصد دارید که تو زندگیتون به موفقیت‌های بزرگ مالی دست پیدا کنید، از همین امروز تمرین کنید که در هر شرایطی که هستید از زندگی راضی باشید و به خاطر نعمت‌هایی که بهتون داده از خدا تشکر کنید.



شاید با خودتون بگید که پس قناعت چی میشه؟

من به شما میگم که اگر می‌خوای در زندگیت پیشرفت کنی و به موفقیت‌های بزرگ مالی دست پیدا کنی، باید یاد بگیری که هیچ‌وقت قانع نباشی! می‌دونی چرا؟ چون هر کجا که به شرایط و وضعیت موجود زندگیت قانع بشی، همون جا رشد و پیشرفتت هم متوقف میشه!

دوست خوبم «قناعت» با «رضایت» کاملاً فرق داره و این دو تا موضوع هیچ ربطی به هم ندارند! اگر کسی پراید داشته باشه و به داشتن اون پراید «قانع» باشه معلومه که هیچ انگیزه‌ای برای پیشرفت نمیتونه داشته باشه.

من به شما میگم که اگه می‌خواهید در زندگیتون به موفقیت‌های بزرگ مالی برسید، تحت هیچ شرایطی به چیزی که دارید قانع نباشید.

مگر غیر از اینه که تمام پیشرفت‌های بشر به واسطه قانع نبودنش اتفاق افتاده. اگه قرار بود آدم‌ها به سوار شدن به اسب و قاطر قانع باشند که هیچ‌وقت ماشین و قطار اختراع نمی‌شد؟! اگر قرار بود آدم‌ها به ماشین و قطار قانع باشند، اون موقع هیچ‌کس برای ساختن هواپیما تلاشی نمی‌کرد!

- دوست عزیز، اگر امروز تو زندگیت رفاه و یا امکاناتی داری به خاطر این هست که به امکانات و شرایط قبلی قانع نشدی ...
- اگر امروز مدرک لیسانس داری به خاطر این هست که چند سال پیش به داشتن دیپلم قانع نشدی و تصمیم گرفتی ادامه تحصیل بدی...
- اگر امروز صاحب خونه هستی به خاطر این هست که چند سال پیش به مستأجری قانع نشدی و تصمیم گرفتی که از خودت خونه داشته باشی...
- اگر امروز درآمدت نسبت به چند سال پیش بیشتر شده به خاطر این هست که به درآمد کم گذشتت قانع نشدی و برای بیشتر کردنش تلاش کردی...

ازت می‌خواهم که به وضعیت مالی و درآمدی که الان داری هیچ‌وقت «قانع نباشی» و برای رسیدن به شرایط خیلی بهتر «تصمیم جدی» بگیری و «تلاش» هدفمند و با برنامه داشته باشی، مطمئن باش که اگر با برنامه جلو بری قطعاً به رؤیاهات میتونی برسی!

باید یاد بگیریم که به آنچه داریم «راضی» باشیم و خداوند رو شکر کنیم ولی هرگز به آنچه داریم «قانع نباشیم» تا بتونیم هر روز پیشرفت کنیم.

قسمت اول کارگاه آرامش در پرتو شکرگزاری رو میتونید از لینک زیر دانلود و نگاه کنید. انجام تمرینات این فایل ویدئویی به شما کمک میکنه که بتونید مثل افراد موفق، شکرگزار نعمت هاتون باشید و هر لحظه در فرکانس مثبت در معرض جذب اتفاقات خوب باشید.



ویدئو رایگان شماره (۳)

آرامش در پرتو شکرگزاری

برای دانلود این فایل ویدئویی اینجا کلیک کنید

حتماً بعد از دیدن این فایل ویدئویی، تمرین آنرا انجام دهید!

بررسی تأثیر افکار برای موفقیت در زندگی از دیدگاه قرآن و روایات

اتفاقاتی که تو زندگی ما رخ می‌دهد بر اساس قانون جذب نتیجه افکار و الگوهای ذهنی خودمان است. اگر اتفاق خوبی رو تجربه کنیم، نتیجه بذر خوبی هست که قبلاً کاشتیم و بالعکس. هر چه بکاریم همون رو درو می‌کنیم چون این قانون جهان است.

شاید تا به اینجای این کتاب شما قانع نشده باشید و شاید نتوانستید هنوز این موضوع رو باور کنید که با تغییر افکار و باورهایمون می‌تونیم به موفقیت مالی برسیم. به همین دلیل تحقیقی رو در کتاب خداوند، قرآن کریم و کتب معتبر دینی انجام دادم که به شما کمک می‌کنه تا درک بهتری از این قانون داشته باشید. با من در ادامه این قسمت از کتاب همراه باشید تا احادیث و روایات مرتبط با لزوم تغییر افکار و باورها رو برای رسیدن به پول و ثروت با هم بررسی کنیم.

در کتاب وسایل الشیعه نقل قول هست از امام صادق (علیه‌السلام) که می‌فرمایند:

«تفکر (در نیکی‌ها) انسان را به سوی نیکی و عمل به آن می‌کشاند.»

این حدیث از امام صادق (علیه‌السلام) بیان‌کننده این مطلب هست که اگر شما افکار مثبت و خیرخواهانه داشته باشید، به صورت ناخودآگاه عمل شما هم خوب میشه و کردار و رفتار شما به آن سمت میل می‌کند. چون غیر ممکنه که ما کاری رو انجام بدهیم ولی تو ذهنمون قبلش راجع به اون فکر نکرده باشیم. پس اگر می‌خواهی اتفاقات خوب رو به زندگیت جذب کنی، سعی کن که افکار خوب تو سرت داشته باشی!

همچنین در کتاب غررالحکم و درر الکلم آمده است که :

« زیاد فکر کردن در معاصی و بدی‌ها، انسان را به سوی گناه می‌کشاند.»

افرادی که دائم در حال فکر کردن به چیزهای بد هستند و همیشه تو ذهنشون افکار منفی دارند، خیلی در معرض خطر هستند و احتمال اینکه به سمت گناه کشیده بشند خیلی زیاده.

به عنوان مثال آدمی که مدام در حال فکر کردن به دزدی و کلاه سر مردم گذاشتن هست، در حال حاضر نه دزدی انجام داده و نه اشتباهی مرتکب شده، ولی اگر همین آدم به این افکار ادامه بده، در آینده دور از انتظار نیست که دست به دزدی و سرقت بزند و مرتکب اشتباه بشه.

نکته قابل تأمل این حدیث این هست که: نگفته «فکر کردن» در معاصی و بدی‌ها آدم رو به سمت اشتباه و گناه می‌کشونه، بلکه گفته: «زیاد فکر کردن» در معاصی و بدی‌ها آدم رو به سمت اشتباه و گناه میکشونه و این یعنی اگر فکر شیطانی و افکار منفی به ذهن شما وارد شد هیچ اشکالی نداره و هیچ کس شما رو بازخواست نمی‌کند ولی باید خواست باشه که سریعاً افکار خودت رو با چیزهای خوب پرت کنی و یک فکر مثبت رو به ذهنت بیاری و چه بهتره که سعی کنی به خواسته هات فکر کنی!

لازمه که به شما بگم با یک بار فکر کردن به یک فکر منفی، اون رو به سمت خودت جذب نمی‌کنی، ولی زیاد فکر کردن به افکار منفی باعث میشه که اتفاقات بد و ناخوشایند رو به زندگی ات جذب کنی.

حضرت علی (علیه‌السلام) نیز بسیار زیبا فرمودند:

مراقب افکارت باش که گفتارت می‌شود
مراقب گفتارت باش که رفتارت می‌شود
مراقب رفتارت باش که عادت تو می‌شود
مراقب عادات باش که شخصیت تو می‌شود
و مراقب شخصیت باش که سرنوشت تو می‌شود.

و این نشان‌دهنده اینست که باید بیشتر از هر چیز مراقب افکارمان باشیم.

در کتاب نهج الفصاحه، پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) می‌فرمایند:

« هر نیتی که بنده کند، خدا نشان آن را بر او نمودار کند،
اگر نیک باشد نیک و اگر بد باشد بد»

۱۴۰۰ سال پیش پیامبر اسلام به این نکته ارزشمند اشاره کردند که نوع تفکر چقدر می‌تونه مهم و سرنوشت‌ساز باشد.

خیلی از مردم با خودشون فکر می‌کنند که اگر در حال حاضر وضعیت مالی خوبی ندارند، خواست خداونده و تقدیر اونهاست و اعتقاد اونها اینه که تقدیر و سرنوشت رو همیشه تغییر داد و حتماً صلاح خداوند بوده که اونها زندگی این‌چینی داشته باشند.

خداوند در سوره کهف آیه ۲۹ می‌فرماید:

«هر که می‌خواهد ایمان آورد و هر که می‌خواهد کفر بورزد»

این آیه نشون دهنده قدرت اختیار انسان هستش و این نکته رو بیان می‌کنه که هیچ سرنوشت از پیش تعیین شده ای برای انسان‌ها وجود نداره!

خداوند در سوره انسان آیه ۳ می‌فرماید:

«ما او را به راه هدایت کردیم، خواه شکرگزار باشد و خواه کافر»

خیلی از آدم‌ها اعتقاد دارند که اگر اتفاقی تو زندگیشون میفته، حتماً خواست خدا بوده و در حقیقت با این کار اشتباهات خودشون رو توجیه می‌کنن و میندازن گردن خدا! اونها با خودشون میگن: خدا خواسته که ما بی‌پول باشیم! خدا خواسته که ما ازدواج موفق نداشته باشیم! خدا خواسته که ...

به نظر شما اگر من چشمام رو ببندم و سرم رو بندازم پایین و از خیابون رد بشم و در همون حال با یک کامیون تصادف کنم و له بشم، آیا تقدیر و قسمتم این بوده که برم زیر کامیون و بمیرم؟ آیا خواست خدا این بوده که من تصادف کنم و عمرم به پایان برسه؟!

خداوند برای اینکه جای هیچ بهونه‌ای رو برای انسان‌ها باقی نگذاره در سوره آل‌عمران آیه ۱۸۲ فرموده است:

« اینها به دست و اختیار خودتان به وجود آمده است نه به دست خدا که اگر به دست خداوند باشد ظلم به شمار می‌آید؛ یعنی کسی کاری را مرتکب شود و عذاب را دیگری متحمل گردد. خدا کار را انجام دهد ولی عذاب را بر بنده نازل کند و همانا خدا هرگز به بندگان خود ظلم نمی‌کند.»

دوستان این نکته رو به خاطر داشته باشید که خداوند خیر و صلاح تمام بندگان رو می‌دونه ولی برای هیچ‌کدوم از بندگان خیر و صلاح تعیین نمی‌کنه! برای اینکه این موضوع برای شما بهتر جا بیفته مثالی می‌زنم.

به نظر شما تریاک، هروئین، شیشه، کراک و حشیش و ... خوب هستند یا بد؟!

جوابش یک کلمه هست: آره یا نه

احتمالاً شما هم مثل من عقیده دارید که مواد مخدر، خطرناکه و باعث اعتیاد و تباهی شخص میشه و اصلاً چیز خوبی نیست، درسته؟

خوب به نظر شما چرا یک آدم معتاد به راحتی هر کجا که باشه حتی تو زندان، می‌تونه به مواد مخدر دسترسی داشته باشه؟!

آیا خداوند نمی‌دونه که اگر این آدم مواد مخدر مصرف کنه، زندگیش به تباهی و بدبختی کشیده میشه؟
آیا خداوند دلش برای این آدم نمی‌سوزه و خیرخواهش نیست؟

آیا خداوند صلاح این بنده اش رو نمی‌دونه؟

آیا خداوند نمی‌دونه کاری کنه و جلوی رسیدن مواد مخدر رو به این آدم بگیره؟

پس چرا تو جهان این همه مواد مخدر و معتاد هست؟

پس چرا خدا جلوی رسیدن مواد مخدر به این افراد رو نمی‌گیره؟!

من معتقدم که خداوند صلاح این بنده معتادش رو می‌دونه ولی برای اون صلاح تعیین نمی‌کنه و نقض اختیار نمیکنه و اجازه میده که خودش تصمیم بگیره و انتخاب کنه چون اصلاً به همین خاطر خدا انسان رو به زمین فرستاد چون قبلش به اون «اختیار» داد، حق انتخاب داد، قدرت تصمیم گیری داد و از همه مهم‌تر به اون «عقل» داد تا بتونه فکر کنه!!!

خداوند در سوره اعراف آیه ۱۷۹ می‌فرماید:

«برای آنها قلبهایی است که با آن فهم نمی‌کنند و چشمانی دارند که با آنها نمی‌بینند
و گوش‌هایی دارند که با آنها نمی‌شنوند.
آنان همانند چهارپایان بلکه گمراه ترند، آنها همان غافلانند»

و این قدرت اختیار انسان و حق انتخاب اون در انتخاب نیکی‌ها و بدی‌هاست که باعث میشه به درجات بالای معنوی صعود کنه و یا به درجات پایین حیوانی سقوط کنه! حالا به نظر شما چکار کنیم که اتفاقات

بد و ناخوشایند برای ما رخ نده؟ خداوند در قرآن ما رو راهنمایی کرده و در سوره نساء آیه ۱۴۸ می‌فرماید:

« خداوند دوست ندارد کسی با سخنان خود، بدیها را اظهار کند؛ مگر آن کس که مورد ستم واقع شده باشد و خداوند شنوا و داناست.»

من فکر میکنم که خداوند در این آیه میخواد به ما بگه که ای انسان، اگر اتفاق بدی تو زندگیت افتاده، نباید پیش کسی اون رو به زبون بیاری! اما بیشتر ما آدم‌ها عادت کردیم که وقتی در یک جمعی قرار میگیریم شروع می‌کنیم به درد دل کردن و شروع می‌کنیم از بدبختی‌ها و مشکلاتمون واسه همدیگه تعریف کردن و غافل از اینکه بر اساس آیه قرآن با این کار داریم بدیهامون رو پیش دیگران اظهار میکنیم.

ممکنه با خودتون بگید آقای الهی چرا بیخودی شلوغش می‌کنی! حالا مگه چه اتفاقی ممکنه برامون بیفته؟! بذارید براتون بگم که با این کار چه اتفاقی ممکنه برامون بیفته.

قانون جذب، قانون توجه و تمرکز. یعنی راجع به هر چیزی که بیشتر فکر کنی و بیشتر راجع به اون صحبت کنی مشابه همون‌ها رو بیشتر به سمت خودت جذب می‌کنی و بر اساس قانون جذب با صحبت کردن راجع به بدیها و بدبختی هامون با دیگران؛ بدیها و بدبختی‌های بیشتری رو به سمت خودمون جذب می‌کنیم.

چون خداوند گفته که بندگان که بدیهاشون رو اظهار می‌کنند من اون‌ها رو دوست ندارم مگر اینکه بر شما ظلمی شده و شما برای احقاق حق مجبوری که اون مورد رو پیش دیگران عنوان کنی.

نکته مهم دیگه اینه که خداوند شنوا و داناست و نیازی نیست که اون مشکل رو حتی برای خداوند هم بیان کنیم چون خداوند به همه اتفاقات زندگی ما آگاه هست.

اگر خداوند عادل است پس علت اختلاف طبقاتی چیست؟

آیا تا به حال از خودتون پرسیدید که چرا یک نفر وضعیت مالیش خیلی خوبه و روزیش زیاده و یکی دیگه وضعیت مالی بدی داره و روزیش کمه؟!

من هم زمانی برای هیچکدوم از این سؤالات جوابی به ذهنم نمی‌رسید و همیشه با این تضادها روبرو بودم، ولی از زمانی که با قوانین جهان هستی آشنا شدم جواب بیشتر پرسشها و سؤالاتم رو پیدا کردم.

از بچگی به ما گفتن که روزی انسان‌ها توسط خداوند مقدر شده و هر کسی یک روزی ثابت و مشخصی داره، از قدیم به ما گفتن که نباید زیاد دست و پا بزنی و زور بی خود بزنی چون هیچ‌کس نمیتونه بیشتر از اون روزی که خدا براش مقدر کرده به دست بیاره!



آیا برای خداوند فرقی می‌کند که همه بندگان در رفاه و آسایش باشند یا در فقر و بدبختی؟!

من از شما چند سؤال دارم:

- آیا برای خداوند فرقی می‌کند که همه بنده هاش در رفاه و آسایش باشند یا اینکه در فقر و بدبختی باشند؟
- آیا خداوند دوست نداده که همه بنده هاش در رفاه و خوشی باشند؟
- آیا خداوند بین بنده هاش فرق می‌گذارد و تبعیض قائل می‌شود؟
- خداوند بر چه مبنا و معیاری به بنده هاش رزق و روزی می‌دهد؟

من سالهای سال با این سؤالات زندگی کردم و هیچ‌وقت جواب قانع کننده ای برای اونها پیدا نکردم. ولی از وقتی که در حوزه ثروت شروع به مطالعه و تحقیق کردم، متوجه شدم که خیلی از آموزش‌ها و اصول پولدار شدن کاملاً با اصول مذهبی همراستا و هماهنگه و هیچ تناقضی باهم ندارند. من جواب خیلی از ابهاماتم رو با بررسی قرآن و مطالعه کتاب‌های دینی به دست آوردم.

من فهمیدم که عدالت خداوند در جهان حاکمه و از اون مهم‌تر اینکه خداوند جهان رو بر اساس قوانین مشخصی اداره می‌کند نه سلیقه شخصی!



من فهمیدم که خداوند همه بندگان را به یک اندازه دوست دارد و برای همه آنها به یک اندازه روزی و نعمت مقدر کرده و دلیل این موضوع که یک نفر ثروتمند و یک نفر فقیر است بی‌عدالتی خداوند نیست!

در حقیقت هر کس به اندازه ظرف خودش از دریا آب برمی‌دارد، ممکنه که یک نفر با یک لیوان بره لب دریا، یک نفر با چند تا دونه سطل و در همون لحظه جلوی چشم اونها یک نفر دیگه با یک تانکر ۲۰/۰۰۰ لیتری بیاد و از دریا آب برداره!

حتماً با خودتون می‌گید که اگر خداوند برای همه روزی یکسان مقدر کرده پس چرا وضعیت زندگی و درآمد افراد یک جامعه متفاوت و این همه اختلاف طبقاتی وجود داره؟

من کلاً همه آموزش‌ها با مثال همراه. خیلی از اساتید سعی می‌کنند که برای نشون دادن سواد و دانشون از کلمات قلمبه و سلمبه تو صحبت هاشون استفاده کنند، تا همه بگند به به! ببین چقدر با سواد و با معلوماته!

اما من همیشه در کلاسها و دوره‌ها سعی می‌کنم که مطالب رو به ساده ترین شکل ممکن ارائه بدم و به همین منظور می‌گردم و مثالهایی رو پیدا می‌کنم که خیلی ساده و قابل فهم برای همه باشه و باعث بشه که مطلب تو ذهن مخاطبانم جا بیافته و راحت بفهمند و درک کنند.

حالا می‌خوام جواب سؤال شما رو با یک مثال بدم.

فرض کنید که خداوند روزی هر انسانی رو در یک کانال شبیه جوی آب قرار داده و این روزی دائمی و همیشگی هست. یعنی در این جوی همیشه آب جریان داره و هیچ‌وقت سرچشمه آب تموم نمیشه.

حالا اتفاقی که می‌افته اینه که خود افراد در اثر بی توجهی با دست خودشون و بصورت کاملاً غیر عمدی و از روی بی اطلاعی و ناآگاهی سنگ هایی رو به داخل این جوی آب میندازند. خوب چه اتفاقی میفته؟ به خاطر وجود این همه سنگ ریز و درشت در مسیر جوی آب، مسیر عبور آب مسدود میشه و فقط آب کمی میتونه از این سد عبور کنه!

پشت این سنگها آب هست ولی آب کمی میتونه از لابلای این سنگها عبور کنه و در جوی زندگی جاری بشه. امیدوارم منظورم رو متوجه شده باشید.



اونها با دست خودشون مسیر آب رو بند آوردن و بخاطر همین موضوع درآمد کمی دارند و اوضاع مالیشون روبراه نیست! اونها هر چقدر هم که تلاش می‌کنند نمی‌تونن بفهمند که اگر آب در جوی زندگیشون کمه به خاطر تقدیر از پیش مشخص شده خداوند نیست، بلکه به خاطر اشتباهات خودشونه!

اگه قرار بود که خدا خودش برای انسان‌ها تقدیر از قبل مشخص شده ای رو در نظر بگیره که پس دیگه چرا به انسان «حق انتخاب» و «اختیار» داد؟

دوست خوبم شاید این حرف‌هایی که شنیدی با افکار و عقاید و باورهای دینیت کمی تضاد داشته باشند، اجازه بده کمی جلوتر بیشتر راجع به این موضوع صحبت می‌کنیم و حرف می‌زنیم تا قضیه روشنتر بشه.

پس چرا پولدار نمی‌شیم؟!

حتماً براتون این سؤال پیش اومده که اون سنگهایی که در جوی روزی ما افتاده چه چیزهایی هست؟ شاید فکر کنید منظور من از اون سنگها، اشتباهات افراد و گناه هاشون باشه، اشتباهات و گناهی که خداوند رو ناراحت و عصبانی کرده و باعث شده که خدا جلوی روزی اونها رو بگیره و کم کنه!

اما باید به شما بگم که رحمت خالق مهربان ما خیلی بیشتر از این تصورات محدود ذهن کوچک ما انسانهاست! خیلی از مردم می‌گند که بهشت و جهنم تو همین دنیاست! بله بر اساس قانون «کارما» میشه گفت که تقریباً آدم‌ها در همین دنیا بهشت و جهنم رو تجربه می‌کنند.

جهانی که در اون داریم زندگی می‌کنیم کاملاً منظم و دقیق هست و هر بذری که بکاریم در همین‌جا محصولش رو بر داشت می‌کنیم. اگر خوبی بکاریم خوبی و خیر برداشت می‌کنیم و اگر ظلم و بدی و گناه بکاریم، مشکلات و گرفتاری و عقوبتش رو دریافت می‌کنیم.

من عقیده دارم که هر کس به واسطه قوانین قدرتمند حاکم بر جهان، نتیجه رفتار و کردارش رو در همین جهان دریافت می‌کنه. اما من فهمیدم که صرفاً هیچ‌وقت خداوند به خاطر گناهان و یا اشتباهات یک انسان، روزی اون رو کم و یا قطع نمی‌کنه بلکه کم شدن روزی انسان میتونه دلایل دیگه ای هم داشته باشه.

تمام کمبودی که بعضی از آدم‌ها در زندگیشون احساس می‌کنند فقط به خاطر باورهای محدود کننده خودشون هست و هیچ عامل خارجی دیگه ای در بیرون از ذهنشون وجود نداره! شاید پذیرش براتون

کمی سخت باشه، تو دوره کوچینگ ثروت مفصل دربارش صحبت کردم و توی این کتاب فقط تونستم به قسمت های کوچکی از اون اشاره کنم.

در حقیقت سنگ های جوی زندگی ما ناشی از همین باورها و الگوهای ذهنی محدودکننده ای هست که خودمون ندونسته و ناخواسته اونها رو به داخل جوی آب رزق و روزی مون انداختیم و راه آب رو مسدود کردیم.



آیا راه چاره‌ای هست؟

گفتیم که سنگهای مسدود کننده مسیر روزی ما در حقیقت همون «باورها و الگوهای ذهنی محدود کننده» هست و خوشبختانه شما با شناسایی هر باور اشتباه، سنگی رو جابجا می‌کنید و با این کار باعث میشید که آب رزق و روزی بیشتری در داخل جوی راه بیفته.

البته شناسایی این الگوهای ذهنی مخرب کار راحتی نیست، چون ذهن ما پر شده از هزاران باور و الگوی ذهنی و تشخیص خوب و یا بد بودن هر کدام از اونها کار ساده و راحتی نیست.

شکستن سنگها

خیلی ها فکر می‌کنند که وقتی که سنگهای افتاده در مسیر جوی رزق و روزی خودشون رو شناسایی کردند دیگه کار تمومه و به راحتی اونها رو از مسیر برمیدارند و راه آب رو باز می‌کنند.

نکته مهم اینجاست که این سنگها از روز اول به این بزرگی نبوده اند و در اثر گذشت زمان اونها هر روز بزرگ‌تر و بزرگ‌تر شدند و کار به جایی رسیده که هر روز دارند مسیر آب رو بیشتر می‌بندند.

من همیشه در کلاسها و دوره‌هام به افراد شرکت کننده این نکته رو می‌گم که شناسایی «الگوهای ذهنی فقر» فقط قسمتی از راهه و اگر کسی میخواد که از شر این «الگوهای ذهنی مخرب فقر» خلاص بشه باید وقت بگذاره و تمرین انجام بده و اگر کسی فرصت انجام تمرین ها رو نداشته باشه نباید توقع کنه که این سنگها خود بخود از بین بروند!



خبر خوب این هست که وقتی شما متوجه این سنگها میشید و شروع می‌کنید به انجام تمرینات، در حقیقت مثل این هست که یک چکش دستتون گرفتید و دارید با اون به این سنگها می‌کوبید! درسته که با یک ضربه و دو ضربه اون سنگ نمیشکنه، اما اگر پشتکار داشته باشید و این کار رو ادامه بدید هر روز گوشه‌هایی از سنگ ترک می‌خورد و سنگ کوچک و کوچک تر می‌شود.



چقدر طول می‌کشه تا درآمدمون بیشتر بشه؟

گفتم که اگر شما وقت بگذارید و سنگهای مسیر جوی آب روزی تون رو شناسایی کنید و با پشتکار متعهد به انجام تمرینات باشید اون سنگها هر روز کوچک و کوچک تر می‌شند. در حقیقت هر چقدر بیشتر چکش بزنید سنگها کوچکتر می‌شن و از کناره‌ها خرد می‌شوند. و هر چقدر که این سنگها کوچکتر بشوند آب بیشتری میتونه از بینشون عبور کنه. واقعیت اینه که هر چقدر بیشتر برای این کار وقت بگذارید زودتر میتونید باورهای محدود کننده و مخربتون رو از بین ببرید و زودتر به نتیجه می‌رسید و درآمدتون بیشتر میشه و پولدار تر میشید.



روند ثروت یک روند کاملاً تکاملی و تدریجی
هست و اینکه بعضی افراد مدعی ارائه
راهکارهایی برای سریع پولدار شدن هستند
متأسفانه دروغی بیش نیست!

یک چیز جالبی به ذهنم رسید که فکر می‌کنم گفتنش خالی از لطف نیست. خوب من سال‌ها پیش به دلیل ناآگاهی سیگار و قلیون میکشیدم تا اینکه تصمیم گرفتم ترک کنم و خدا رو شکر موفق هم شدم که برای همیشه از شر این عادت بد خلاص بشم.

چند سال پیش که کارم رو در حوزه آموزش شروع کردم، به ذهنم رسید که یک محصول آموزشی برای این موضوع بسازم و شروع کردم به تحقیق و جمع‌آوری اطلاعات تو این زمینه و خدا رو شکر تونستم با استفاده از جدیدترین متدهای روز دنیا و یکسری اطلاعات جالب و دست‌اول، فیلم آموزشی «ترک آسان سیگار و قلیان» رو آماده کنم.

اتفاق جالبی که افتاده این هست که اغلب افرادی که تو اینترنت با محصول ما آشنا میشن زنگ میزنن دفتر و از همکاران من میپرسند که شما برای ترک سیگار، قرص، آب نبات، آدامس، آمپول و ... ندارید؟!

میدونید چرا این اتفاق میافته؟! متأسفانه به خاطر آموزش‌های خسته کننده و کسالت بار مدارس، بیشتر افراد وقتی که اسم «آموزش» رو میشنوند، بلافاصله یاد معلم و مدرسه و مشق و تنبیه و ... میفتند و به همین خاطر ناخواسته از آموزش فراری هستند.

یک دلیل دیگرس هم این هست که مردم حال و حوصله آموزش و تمرین انجام دادن رو ندارند و میخوان که کارشون سریع و راحت مثل خوردن یک قرص راه بیفته!

اما متأسفانه هنوز برای این آموزش‌ها جایگزینی مثل «قرص» و آمپول اختراع نشده و چون بیشتر مردم صبر و حوصله آموزش و انجام تمرینات رو ندارند به راحتی جذب افراد «کلاهبردار» میشوند. بعضی وقت‌ها حقیقت مثل یک داروی تلخ هست که علیرغم تلخی، اگر اون رو بپذیریم میتونه به بهبود شرایط و اوضاع ما کمک زیادی بکنه.



وضعیت مالی شما نتیجه طرز فکرها و عادت های فکری چندین ساله شماست و بطور متوسط هر الگوی ذهنی ظرف مدت حداقل ۱۰ سال ساخته میشه و در ذهن شکل میگیره.

پس توقع نداشته باشید که یکشبه بتونید باورها و الگوهای ذهنیتون رو تغییر بدید و با تغییر اونها به استقلال مالی و ثروتهای بیشتر برسید! باید روی عادت های فکری و ذهنیت کار کنی و «عادت های فکری فقر» رو دور بریزی و به جای اونها «عادت های فکری ثروت» رو جایگزین کنی.

معنی حرفم این نیست که اگر از همین امروز شما وارد این مسیر بشی و انجام دادن تمرینات رو شروع کنی تا چند سال دیگه هیچ اتفاقی نمی‌افته! بلکه دقیقاً از روزی که شما چکش زدن به سنگهای جوی آب زندگیتون رو شروع کنید، هر روز این سنگها کوچکتر می‌شوند و وضعیت مالی شما هم بهتر خواهد شد!

فرایند رسیدن به ثروت یک فرایند کاملاً تکاملی است

بطور مثال وقتی یک نوزاد متولد میشه، رشد اون در چند روز اول کاملاً نامحسوس هست و شاید روزانه کمتر از یک میلیمتر رشد کند. اما هر چقدر زمان میگذره رشد این نوزاد هم سریعتر و چشمگیرتر میشه و مطمئناً بعد از یکسال همین رشد های میلیمتری خیلی خیلی کوچک و ناچیز اون نوزاد رو متحول میکنه.



اینکه شما کی به استقلال مالی می‌رسید و چه زمانی درآمدتون به حد دلخواهتون میرسه، باید بگم که این یک قاعده کلی هست که زمان مشخصی برای اون وجود نداره. چون ممکنه بعضی‌ها دیرتر و بعضی از افراد هم زودتر از این زمان به موفقیت‌های بزرگ مالی دست پیدا کنند.

ملاک، خود شما هستید و فقط بستگی به میزان یادگیری و انجام تمرین‌ها از طرف شما داره. باید تک‌تک تکنیک‌هایی که یاد می‌گیرید رو در زندگی شخصی تون بکار ببرید و تا زمانی که این کار رو انجام ندید حتی دونستن بهترین مطالب آموزشی دنیا هم برای شما فاقد ارزش و بی‌تأثیر هست.

البته باید بگم که شما در همون هفته‌های اول متوجه تغییراتی در اوضاع و شرایط زندگی تون می‌شوید که اگر به این نشانه‌های مثبت توجه کنید هر روز بیشتر می‌شوند.

ممکنه که از اولین ماه شروع آموزش‌ها، درآمد شما افزایش پیدا کنه، چون دقیقاً کار من در این دوره این هست که موانع و سنگ‌هایی که جلوی چرخ ماشین زندگی شماست رو بهتون نشون بدم و شما خودتون با برداشتن هر کدام از این موانع خواهید دید که یک تغییر جدید در اوضاع مالی تون به وجود میاد.

من نمیدونم که درآمد ماهیانه شما یک میلیون تومان است یا پنجاه میلیون تومان، ولی مطمئن هستم که اگر درآمد شما به اندازه ثروتمندانی چون بیل گیتس، وارن بافت، اسداله عسگر اولادی و خیلی از افراد ثروتمند دیگه نیست، پس هنوز سنگهای زیادی در مسیر جوی آب روزیتون قرار داره که اگر وقت بگذارید و اونها رو برطرف کنید درآمد شما هم میتونه به اندازه اون افراد زیاد بشه.

فراموش نکنید که خداوند بین بندگان هیچ تبعیضی قائل نمیشه، اگر مشکلی هست به خاطر خود ماست و گرنه سرچشمه همیشه پر از آب هست.

اگر می‌خواهید بدونید که باتوجه به سنتون چه مقدار زمان طول میکشه که بتونید به استقلال مالی برسید و باورهای محدود کننده تون رو از بین ببرید حتماً ویدئو زیر رو نگاه کنید و تمرینش رو انجام بدید.



ویدئو رایگان شماره (۴)

تغییر باورها چقدر طول میکشد؟

برای دانلود این فایل ویدئویی اینجا کلیک کنید

حتماً بعد از دیدن این فایل ویدئویی، تمرین آنرا انجام دهید!

ویدئوهای آموزشی ما رو در آپارات

دنبال کن

اینجا کلیک کن



www.aparat.com/mortezaelahi

غول درونتون رو به خدمت بگیرید!

خیلی وقت‌ها ما آدم‌ها فکر می‌کنیم که اگر کسی به موفقیت و ثروت رسیده حتماً توانایی‌ها و استعدادهاى ویژه‌ای داشته در صورتی که خداوند همه انسان‌ها رو با شرایط و توانایی‌های یکسان آفریده.

البته قرار نیست که همه یک مدل توانایی داشته باشند، نکته مهم اینجاست که هرکس باید خودش استعدادها و توانایی‌های منحصر به فرد خودش رو کشف کنه و برای رشد و شکوفا کردن اونها وقت بگذاره و با این کار به رشد و پیشرفت جهان کمک کنه.

متأسفانه خیلی از ما آدم‌ها توانایی‌ها و قابلیت‌های خودمون رو دست‌کم می‌گیریم و همیشه به ساده‌ترین راه و پیش پا افتاده‌ترینها اکتفا می‌کنیم.

اکثر مردم اصلاً از قدرتهای ذهنی شون آگاهی ندارند و از ذهنشون به بدترین شکل ممکن استفاده می‌کنند. دقیقاً مثل اینکه از یک ماشین تندرو و مسابقه‌ای بخواهی برای شخم زدن زمین استفاده کنی!



خداوند در مغز انسان‌ها مکانیزیمی قرار داده تحت عنوان «ضمیر ناخودآگاه». خوب شاید تا حالا اسم ضمیر ناخودآگاه به گوشتون نخورده باشه و براتون نامفهوم باشه، من سعی می‌کنم براتون به شکل کاملاً ساده و قابل فهم توضیح بدم.

بدن ما برای حفاظت از جسم یک مرکز فرماندهی داره به نام مغز که جایگاه قرارگیری «ضمیر خودآگاه» و «ضمیر ناخودآگاه» هست و هرکدوم از این ضمیرها کارکرد و وظایفی دارند.

اگر بخوام ساده تر بگم بهتره که مغز رو به یک کامپیوتر تشبیه کنیم، ضمیر خودآگاه و ضمیر ناخودآگاه مانند سیستم عامل اون هستند. شما میدونید که از هیچ کامپیوتری نمیشه بدون داشتن سیستم عامل استفاده کرد.

کار و وظیفه ضمیر خود آگاه فکر کردن، صحبت کردن، تصمیم گیری، برنامه‌ریزی کردن و تمامی کارهایی است که ما بصورت «ارادی» و «آگاهانه» انجام میدیم. باید بگم که هنگام خواب، ضمیر خودآگاه خاموش میشه و دیگه فعالیتی نداره. اما «ضمیر ناخودآگاه» وظیفه کنترل تنفس، ضربان قلب، ترمیم زخم‌های بدن، پیگیری درمان بیماری‌های جسمی، عکس العمل‌های سریع هنگام خطر، حفاظت از ما و مراقبت از ما در مقابل خطرات و حوادث و هزاران فعالیت دیگر رو بر عهده داره.



«ضمیر ناخودآگاه» رو میشه به غول درون تشبیه کرد، غولی که اگر بتونید اون رو به خدمت بگیرید برای شما کارهای فوق العاده بزرگی انجام میده، غولی که توانایی‌های اون خیلی بیشتر از حد تصورات شماست! غولی که اگر بتوانید با اون دوست بشید و ارتباط برقرار کنید به شما کمک می‌کنه تا براحتی موفق و ثروتمند بشید.



خداوند این نیروی عظیم رو در وجود تک‌تک انسان‌ها قرار داده، ولی متأسفانه عده کمی میتونند از این قدرت فوق العاده درست استفاده کنند، نکته مهم اینجاست که همه ما در حال کمک گرفتن از «غول درون» هستیم ولی بر علیه خودمون!

شاید تعجب کنید ولی واقعیت اینجاست که اگر شما خوراک فکری خوبی برای ضمیر ناخودآگاهتون فراهم نکنید، نباید توقع کمک‌های مفیدی از طرف اون داشته باشید.

این غول زمانی میتونه به یاری شما بیاد و آرزوهای شما رو برآورده کنه که شما یاد بگیرید که چطور «آگاهانه» با اون ارتباط برقرار کنید و همه اینها مستلزم این هست که شما اول از همه با اون آشنا بشید، اونو بشناسید و روشهای ارتباط با اون رو یاد بگیرید.

شما با استفاده از قدرت ضمیر ناخودآگاه می‌تونید موفقیت، ثروت، شغل مناسب، همسر دلخواهتون، خونه زیبا، ماشین زیبا و هر چیز دیگه ای رو که فکرش رو بکنید به زندگی خودتون جذب کنید.

فراموش نکنید که همه ما با قدرت ها و نیروهای خاصی که در ضمیر ناخودآگاه مون وجود داره، پا به این دنیا میگذاریم. فقط باید یاد بگیریم که چطور تا بیشترین حد از اون به نفع خودمون استفاده کنیم. در دوره «کوچینگ ثروت» مفصل درباره ضمیر ناخودآگاه و قدرتهای اون و روشهای ارتباط با اون صحبت شده.



با فالو کردن ما در اینستاگرام
با نکته های موفقیت و ثروت آشنا شوید

ما رو در اینستاگرام فالو کنید



[instagram.com/mortezaelahi_com](https://www.instagram.com/mortezaelahi_com)

فرآیند ۶ مرحله‌ای رسیدن به ثروت

به نظر من پروسه رسیدن به ثروت شش مرحله دارد.

مرحله اول: خواستن و آرزو کردن

خواستن و آرزو کردن داشتن پول و ثروت زیاد و رسیدن به استقلال مالی.

تقریباً همه آدم‌های روی کره زمین این مرحله رو با موفقیت پشت سر می‌گذارند! چون تقریباً غیر ممکنه که از کسی بپرسی که آیا دوست داری پولدار بشی و اون جواب بده که نه دوست ندارم! همه آدم‌ها بطور طبیعی خواهان رفاه و آسایش بیشتر هستند.



مرحله دوم: جستجو برای به دست آوردن اطلاعات مفید

قبول دارید که اگر آدم هر کاری که بخواد انجام بده باید بگرده و راهش رو پیدا کنه؟ کاری که میخوای انجام بدی رو یا باید خودت بلد باشی یا اینکه از یه نفر دیگه یاد بگیری. به نظر شما راه دیگه ای هم وجود داره؟

جستجو برای به دست آوردن اطلاعات مفید و وقت گذاشتن برای مطالعه، آموزش و یادگیری اون مطالب بدردبخور میتونه بهترین پیشنهاد من به شما باشه. اما شاید کمتر از ۳۰ درصد مردم حاضر به انجام اون هستند، چون بیشتر مردم ترجیح میدن که بجای وقت گذاشتن برای یادگیری، وقتشون رو با دیدن تلویزیون، فیلم، رفتن به مهمانی و گردش و تفریح و ... بگذرونند!

مرحله سوم: فهمیدن و درک کامل اطلاعات

فهمیدن و درک کامل اون اطلاعات مفید و کاربردی. کم نیستند افرادی که مرحله دوم رو هم پشت سر می‌گذارند ولی هنوز نتوستن از چیزهایی که از کتابها و مقالات خوندن استفاده کنند و در زندگیشون اون اصول رو پیاده کنند. معمولاً بیشتر افرادی که در جستجوی موفقیت هستند در این مرحله گیر می‌کنند و درجا می‌زنند.

من خودم از بچگی عاشق کتاب خوندن بودم ولی بعضی از وقتها هر چقدر کتاب می‌خوندم نتیجه‌ای نمی‌گرفتم. وقتی می‌دیدم که مطالبی رو که در کتابها خوندم کاربردی نیستند یا شاید هم برای شرایط من کاربردی نبودن، دچار افسردگی و سرخوردگی می‌شدم و چند ماهی دپرس بودم و دوباره چند ماه بعد با ذوق و شوق یک کتاب جدید می‌گرفتم و دوباره ...

گذر کردن از مرحله سوم نیاز به راهنما و مربی داره تا ابهامات مون رو برطرف کنه، تا مطلب رو برامون قابل فهم و قابل درک کنه، اگه قرار بود که با خوندن کتاب همه بتونن مطالب رو هضم کنند که پس دیگه نیازی به این همه مدرسه و دانشگاه و کلاس درس نبود و هرکس می‌خواست پزشک یا مهندس بشه میرفت و کتابهای مرتبط رو می‌خرید و می‌خوند و دیگه کار تموم بود؟! لزوم و اهمیت نقش معلم و استاد و مربی همین جا معلوم میشه!



متأسفانه خیلی از مردم ترجیح میدن بجای هزینه کردن برای یک دوره آموزشی با اون پول کفش و لباس بخرند و یا برای تفریحشون هزینه کنند و به همین خاطره که خیلی از مردم پولدار و ثروتمند نمیشن!

مرحله چهارم : تغییر عادت های قبلی

تغییر دادن عادت های قبلی و جایگزین کردن عاداتی جدید خیلی مهمه. دوستن، فهمیدن و درک مطالب مهم و نکات کلیدی تا زمانی که در زندگی روزمره پیاده سازی نشن و ازشون استفاده نکنیم هیچ فایده و ارزشی نداره! مثل این هست که شما بهترین نرم افزارها رو روی کامپیوتر و لپتاپتون نصب کنید و سال تا سال ازشون استفاده نکنید و فقط یه گوشه از هاردتون رو اشغال کرده باشن.

شاید بشه گفت سخت ترین مرحله همین باشه چون خیلی از آدم‌ها حاضرند بمیرند ولی تغییر نکنند! چون تغییر کردن سخته، چون عوض کردن عاداتها راحت نیست و به همین خاطره که گفتن ترک عادت موجب مرضه!

اما نگران نباشید چون من برای شما تمریناتی رو آماده کردم که باید انجام بدین تا تغییر براتون راحت بشه. این تغییر آروم آروم انجام میشه چون تغییر اصولی نیاز به زمان داره. یه شاخه درخت رو اگه یکدفعه بخواهید صافش کنید و بهش فشار بیارید میشکنه و از بین میره ولی اگر همون شاخه رو با طناب به یک ستون ببندید بعد از گذشت چند ماه بدون هیچ آسیبی به درخت، شاخه کج کم کم صاف میشه.

مرحله پنجم : استقامت و پشتکار

داشتن استقامت و پشتکار و حفظ روحیه تا کسب موفقیت یه عامل اساسی و فوق العاده مهم هست. اگر کسی بتونه مرحله چهارم رو با موفقیت پشت سر بگذاره، خود بخود بدون هیچ فشار بیرونی خودش به راحتی وارد این مرحله میشه. خیلی مهمه که استقامت داشته باشید. یادتون باشه که خداوند جهانی رو که ما در اون زندگی می‌کنیم بر اساس قوانین طبیعی اداره می‌کنه.

پس اگر چیزی در زمین کاشتید باید صبر و تحمل داشته باشید تا سبز بشه و جوونه بزنه، بعد باید ازش مراقبت کنید، بهش آب بدید کود بدید و بعد از چند وقت محصولتون رو با لذت و شادی برداشت کنید!

گام ششم: استقلال مالی خودتون رو جشن بگیرید!

شاید بشه گفت باشکوه ترین خاطرات انسان‌ها مربوط به زمانی هست که بعد از تحمل یک دوره سختی و پشت سر گذاشتن مشکلات، بالاخره به هدفشون رسیدن و چقدر لذت‌بخشه این رسیدن.

شاید این صحنه رو تو تلویزیون دیده باشید که وقتی با یک قهرمان ورزشی که مدال گرفته مصاحبه می‌کنند و می‌گند الان که قهرمان شدی چه احساسی داری؟

اون قهرمان بغض می‌کنه و اشک از چشمانش جاری میشه، و می‌گه فقط خوشحالم و خدا رو شکر می‌کنم که کمکم کرد تا به هدفم برسم. من تمام تلاشم رو کردم و برای رسیدن به این قهرمانی خیلی زحمت کشیدم و وقت گذاشتم، مطمئن بودم که قهرمان میشم! واقعاً تحمل اون مشکلات و تمرینات و سختی‌ها ارزشش رو داشت ...



امیدوارم که با حمایت خداوند و پشتکار و اراده خودتون بتونید در آینده ای نزدیک به استقلال مالی برسید و با افتخار اون رو در کنار عزیزانتون جشن بگیرید. شاید رسیدن به این استقلال مالی چند سال طول بکشه، شاید مجبور بشید که مشکلات و سختی‌های زیادی رو به خاطر رسیدن به اون تحمل کنید، شاید در طول مسیر شکست بخورید و ناامید بشید اما مطمئنم که هر چقدر هم که سخت باشه و هر چقدر هم که طول بکشه ولی ارزشش رو داره ...

چه کسی مسئول خوشبخت کردن شماست؟

یکی از تکراری ترین سؤالاتی که مراجعین در جلسات مشاوره از من می پرسن این هست که آقای الهی به نظر شما من چه کاری انجام بدم تا درآمد بیشتر بشه؟ بعد من میگم یعنی چی منظورتون رو نمیفهمم! بعد ادامه میدند و میگویند که به نظر شما من سراغ چه شغلی برم یا چه کاری انجام بدم که بتونم موفق بشم و ثروتمند بشم؟

و من بهشون میگم که شما میخواهید که من بجای شما تصمیم بگیرم و انتخاب کنم؟

بعد جواب میدن : آره خوب شما تجربتون بیشتره و ...

بعد من میگم : اگر تصمیمی که من براتون گرفتم بعداً اشتباه از آب دراومد، بعدش شما یقه منو نمیگیرید و بازخواست نمی کنید؟!

بعد اونها ساکت میشند و تا چند لحظه سکوت می کنند ...

دوست خوبم، افرادی که از دیگران میخوان که بجاشون فکر کنند و بجاشون تصمیم بگیرند، در حقیقت میخوان با این کارشون از زیر بار مسئولیت زندگیشون شونه خالی کنند تا اگر بعداً کارها درست پیش نرفت یکی رو داشته باشند تا تقصیرهاشون رو بنوازند گردن اون!

متأسفانه ما از بچگی یاد گرفتیم که همیشه برای اشتباهات و مشکلاتمون دنبال مقصر بگردیم! و دقیقاً بدبختی آدم‌ها از زمانی شروع میشه که خودشون رو می کشن کنار و دیگران رو عامل بدبختی و مشکلاتشون می دونند.

بر اساس «قانون جذب» هیچ رخدادی در این جهان اتفاقی و شانسی نیست. چون در جهانی که ما داریم در اون زندگی می‌کنیم همه چیز حساب و کتاب داره، همه چیز نظم داره و همه چیز دقیقه.

ما عادت کردیم که همیشه پدر و مادر، همسر، فرزندان، معلم، استاد، کارمند، رئیس، دولت، جامعه و... رو مقصر بدونیم. خلاصه همه مقصرند غیر از خود ما، میدونید چرا؟! چون آدم‌ها دوست دارند همیشه

ناخواسته نقش قربانی رو بازی کنند و مظلوم نمایی کنند. میدونید چرا چون قبول مسئولیت کردن سخته و درد داره.

ولی صد افسوس که خیلی از مردم به خاطر همین طرز فکر و عقیده سال‌هاست که دارند درجا می‌زنند. دوست خوبم شرط اول تغییر در زندگی قبول مسئولیت و پذیرفتن اشتباهاته.

چه شغلی میتونه شما رو پولدار کنه؟

دوست خوبم نمی‌دونم تا حالا کشاورزی کردی یا نه؟ خیلی از کشاورزها هر سال در حال عوض کردن نوع محصولشون هستند به امید اینکه شاید سال بعد کارشون بگیره و پولدار بشن! میدونید چرا؟ چون فکر می‌کنند که اگر سال بعد بجای گندم، ذرت بکارند حتماً پولدار میشن.

متأسفانه سال بعد هم محصول کمی برداشت می‌کنند و ناامیدانه تصمیم می‌گیرند که هندوانه بکارند، سال بعد هندوانه می‌کارند و محصولشون آفت می‌زنه و با خودشون فکر می‌کنند که حتماً بدشانسی آوردند.

اونها نگاه می‌کنند به همسایه کشاورزشون و می‌بینند که اون وضع مالیش خوبه و اونها هم تصمیم می‌گیرند که مثل اون برن تو کار علوفه و یونجه و بعد از چند ماه، باز روز از نو و روزی از نو!!! و این داستان چه بسا متأسفانه تا آخر عمرشون ادامه داره. دوست خوبم این حکایت زندگی خیلی از ما آدمهاست، که داریم راه رو اشتباه میریم و سال‌هاست که به امید پیدا کردن شغلی که بتونه ما رو پولدار کنه سرگردونیم.

من خودم تا به این سن در شغل‌های مختلفی وارد شدم به این امید که دیگه راهم رو پیدا می‌کنم و وضعیت مالیم خوب میشه، شغل‌هایی مثل ویزیتوری فروش بیمه نامه آتش سوزی، فروش بیمه نامه عمر، فروش لوازم ساختمانی و نظافتی، تولید کود ورمی کمپوست، کار در شرکت خودرو سازی، کار در شرکت فروش تجهیزات و سیستم‌های تهویه مطبوع، کار در ارگان دولتی، کار در شرکت پیمانکاری تأسیسات دریایی، کار در شرکت مهندسين مشاور، کار در شرکت فروش تجهیزات پالایشگاهی و نفتی و ...

خیلی از افراد سال‌ها در شغلی تلاش می‌کنند و زحمت می‌کشند و وضعیت مالی شون خوب نمیشه! بعد تصمیم می‌گیرند که شغلشون رو عوض کنند و برند سراغ یک شغل پر درآمد تر و باز هم وضعیت مالیشون خوب نمیشه.

این افراد نگاه می‌کنند به اطرافیان و میبینند که اون‌ها وضعیت مالی خوبی دارند، این بار تصمیم می‌گیرند که وارد شغل اون‌ها بشند ولی همون شغل و حرف‌های که همسایه و دوست اون‌ها رو پولدار کرده؛ کمکی به بهتر شدن وضعیت مالی شون نمی‌کنه!

با قاطعیت به شما میگم که هیچ‌کس بهتر از خود شما نمی‌تونه توانایی‌ها و استعدادها و شرایط و امکانات موجودتون رو تشخیص بده و به شما کمک کنه، من فقط تلاش می‌کنم که در دوره‌ها به شما اصول رو یاد بدم و این شما هستید که باید با این اصول و تکنیک‌ها نسخه موفقیت خودتون رو پیدا کنید و برای خودتون نقشه گنجتون رو بکشید!



ویدئو رایگان شماره (۵)

شغل پولساز شما؟!!

برای دانلود این فایل ویدئویی اینجا کلیک کنید

حتماً بعد از دیدن این فایل ویدئویی، تمرین آنرا انجام دهید!

متأسفانه این داستان زندگی خیلی از آدم‌هاست که به هر دری که می‌زنند نمیشه، وارد هر شغلی که میشن کارشون نمیگیره و پولدار نمیشن و بعد از یک مدت به این نتیجه می‌رسن که آدم بدشانسی هستن و وقتی این داستان‌های تلخ و شکست‌ها ادامه پیدا می‌کنه شروع می‌کنن به غر زدن و آه و ناله کردن و تصمیم می‌گیریم که با خدا قهر کنن، می‌پرسید چرا؟!

آخه اون‌ها می‌گن اگه خدا هست پس چرا کمکشون نمی‌کنه؟! اگر خدا هست پس چرا اون‌ها رو دوست نداره؟! اگه خدا دوستشون داره پس چرا هر چقدر که تلاش می‌کنند و زور می‌زنند زندگیشون روبراه نمیشه؟!

دوست خوبم من هم زمانی همین طوری فکر می‌کردم، واقعاً که باید از فقر به خود خدا پناه برد، چون همه‌چیز آدم رو میگیره، وجدان، اخلاق، دین و ایمون، سلامتی، انسانیت، معرفت، ادب، شرافت و...

در نهج البلاغه چه زیبا فرموده حضرت علی (ع) :

الفقر موت الاکبر

یعنی فقر مرگ بزرگ است.

برای رفع مشکل و افزایش درآمد چکار باید کرد؟

برگردیم به مزرعه و کشاورز بدشانس خودمون. دوست خوبم من چند سالی به خاطر علاقه وارد کارهای کشاورزی شدم و مطالعاتی نیز داشتم و تجربیات تلخ و شیرینی هم به دست آوردم.

نمیدونم شما فهمیدید که ایراد کار اون کشاورز کجاست یا نه؟ به نظر شما کشاورز ما باید چه چیزی بکاره تا عالی محصول بده و فروشش عالی بشه و حسابی پولدار بشه؟

ازتون می‌خوام که کمی درباره این مثال فکر کنید ...

شاید از جواب من تعجب کنید، ولی نظر من اینه که اون کشاورز باید قبل از اینکه تصمیم بگیره که چه محصولی دوست داره بکاره و یا چه محصولی پر سودتره، باید قبلش بشینه و کمی درباره این موضوع فکر کنه که آخه چرا هر بذری که تو مزرعش میکاره محصول نمیده و هر بار محصولش آفت میزنه یا به هر دلیل دیگه کم محصول برداشت میکنه و کم سود میکنه و مجبور میشه که سال بعد بره سراغ کاشتن و امتحان کردن یک محصول جدید؟ و این در حالی که همسایه هاش با همون شرایطی که اون داشته دارند هر سال پولدارتر و پولدارتر میشند؟!

به نظر من اون کشاورز باید بگرده و ریشه مشکلاتش رو پیدا کنه، چون تا زمانی که مشکل رو ریشه ای حل نکنه فقط داره انرژی، سرمایه و وقتش رو تلف می‌کنه.

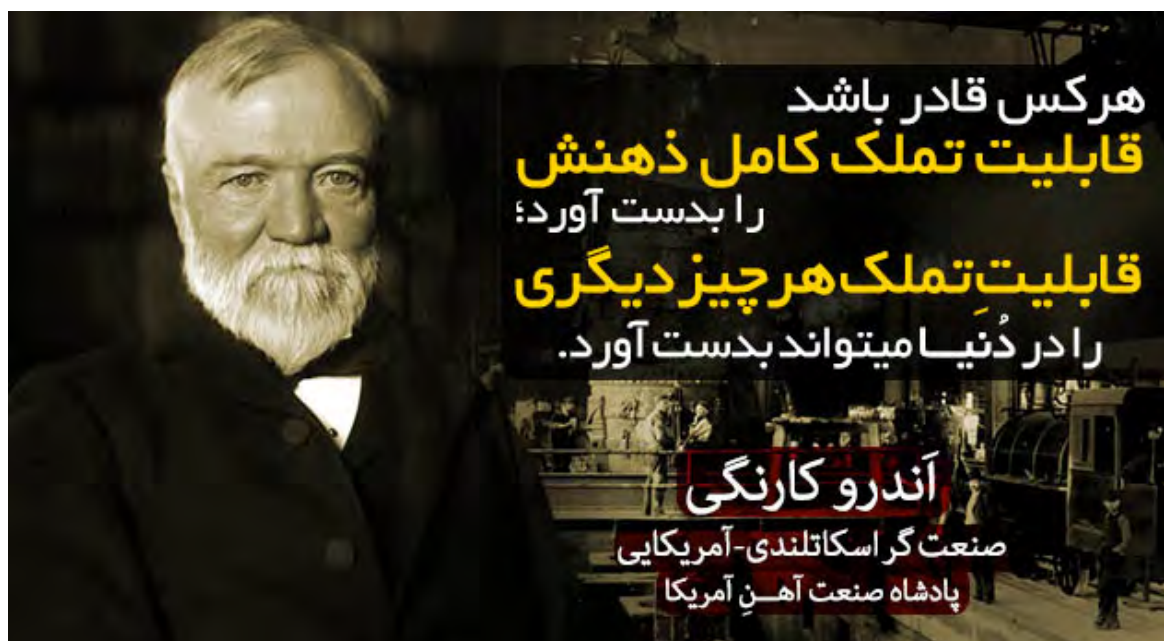
شما تا زمانی که از خاک مزرعتون نمونه برداری نکنید و اونو به آزمایشگاه ندید، ریشه مشکلاتتون پیدا نمی‌شه.



وقتی که از چند قسمت خاک مزرعه نمونه برداری میشه و به آزمایشگاه فرستاده میشه، بعد از چند وقت آزمایشگاه یک برگه آنالیز به شما میده که شما ازش هیچی سر در نمیاری، حالا وقتشه که اون برگه رو ببرید پیش یک مهندس کشاورزی و متخصص.

وقتی که اون متخصص برگه آنالیز رو نگاه میکنه شروع میکنه برای خاک مزرعه شما نسخه نوشتن. بله ممکنه که به خاطر بالا بودن EC آب خاک مزرعتون تنظیم PH اون بهم خورده باشه! ممکنه که خاک مزرعه شما فاقد مواد معدنی مورد نیاز رشد گیاه باشه! ممکنه که خاک مزرعه شما آلوده به یک باکتری یا قارچ یا انگل باشه که باعث میشه که محصولات شما افت بزنه و آسیب ببینین و زحماتون به باد بره. اون متخصص برای تقویت خاک مزرعه شما شاید نیاز ببینه که به شما کود کلات آهن توصیه کنه، ممکنه که لازم باشه تا شما به مزرعتون فسفات بدید یا اوره لازم باشه و مواردی از این قبیل.

مهم نیست که شما مشغول چه کاری هستی و داری کجا کار می‌کنی! باور کن که برای نمونه برداری از خاک ذهنت باید وقت بگذاری و مطمئن باش تا زمانی که مشکلات خاک ذهنت رو بر طرف نکنی و اون رو تقویت نکنی فقط در حال خسته کردن خودتی و هیچ وقت مزرعه ذهنت محصول بدرد بخوری نمیده.



چگونه با تغییر دادن اولویت‌های زندگی زودتر پولدار بشیم؟

تا حالا براتون پیش اومده که دستتون زخمی بشه و خون بیاد؟ تو اون شرایط شما چکار کردید؟ خوب معلومه هر آدم عاقلی میدونه که باید جلوی خونریزی رو گرفت وگرنه باعث مرگ آدم میشه، تو اون وضعیت سریع میرن پیش دکتر و جای زخم رو پانسمان می‌کنند.

حالا یک سؤال دیگه اگر یک نفر خونریزی داخلی داشته باشه و خودش خبر نداشته باشه چی؟ ممکنه که چه اتفاقی براش بیفته؟ آیا اون آدم حاضره که بره پیش دکتر؟ به احتمال خیلی زیاد نه چون دردی رو احساس نمی‌کنه و چیزی رو نمی‌بینه!

آدم‌هایی که احساس نیاز می‌کنند اورژانسی به پزشک مراجعه می‌کنند. تا حالا شنیدید که کسی بگه آخر ماه که حقوق گرفتم میرم دکتر و زخمم رو پانسمان می‌کنم؟ یا اینکه بگه الان که سرم خیلی شلوغه و فرصت ندارم، هر وقت اوضاع روبراه تر شد میرم دکتر و زخمم رو پانسمان می‌کنم؟ خوب معلومه که نه! چون پانسمان کردن زخم تو اولویت قرار داره.



متأسفانه خیلی از مردم هر ماه پولهای زیادی رو برای خریدهای غیر ضروری هزینه می‌کنند ولی وقتی نوبت «خوراک فکری» و «درمان بیماریهای مالی» میشه یادشون می‌افته که پول ندارند! و اصلاً وقت ندارند و تازه خیلی هم سرشون شلوغه و فرصتی برای آموزش نیست!

اگر تصمیم داری که ثروتمند و پولدار بشی از امروز اولویت‌های زندگیت رو تغییر بده تا شرایط مالیت هم تغییر پیدا کنه.

به شما توصیه می‌کنم که حتماً هر ماه بخشی از درآمدت رو برای خریدن کتاب و رفتن به کلاس و آموزش دیدن هزینه کنی. ازت می‌خوام که اولویت‌های زندگیت رو بر اساس حرکت در مسیر ثروت تغییر بدی و اولویت رو برای آموزش و یادگیری بگذاری.

یادت باشه که همیشه برای گردش و تفریح وقت هست...

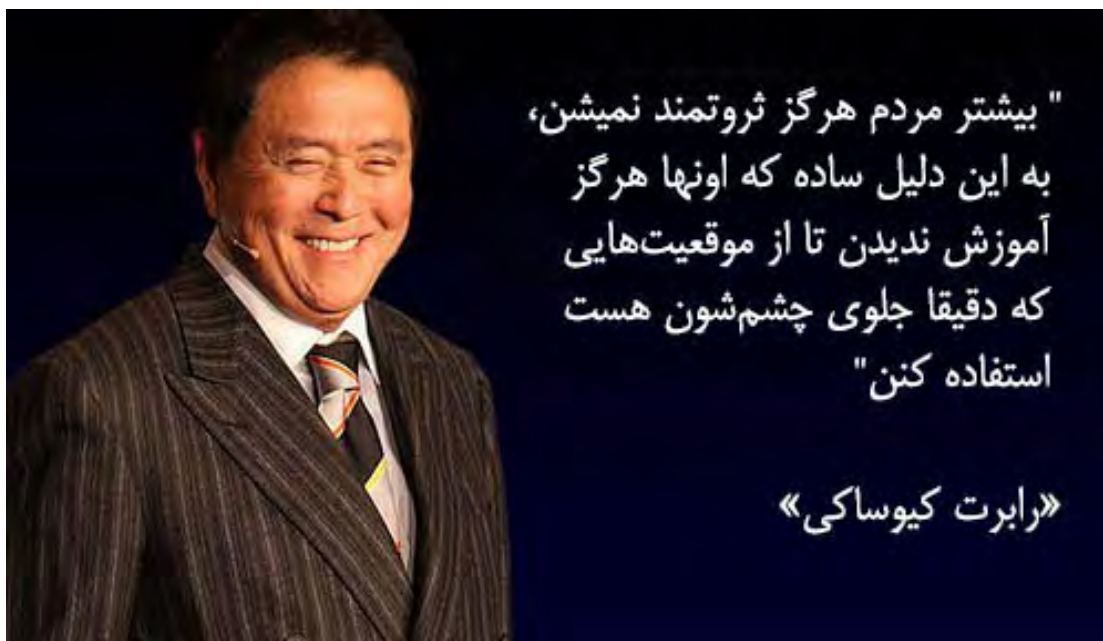
همیشه برای مهمونی رفتن وقت هست...

همیشه برای لباس خریدن وقت هست...

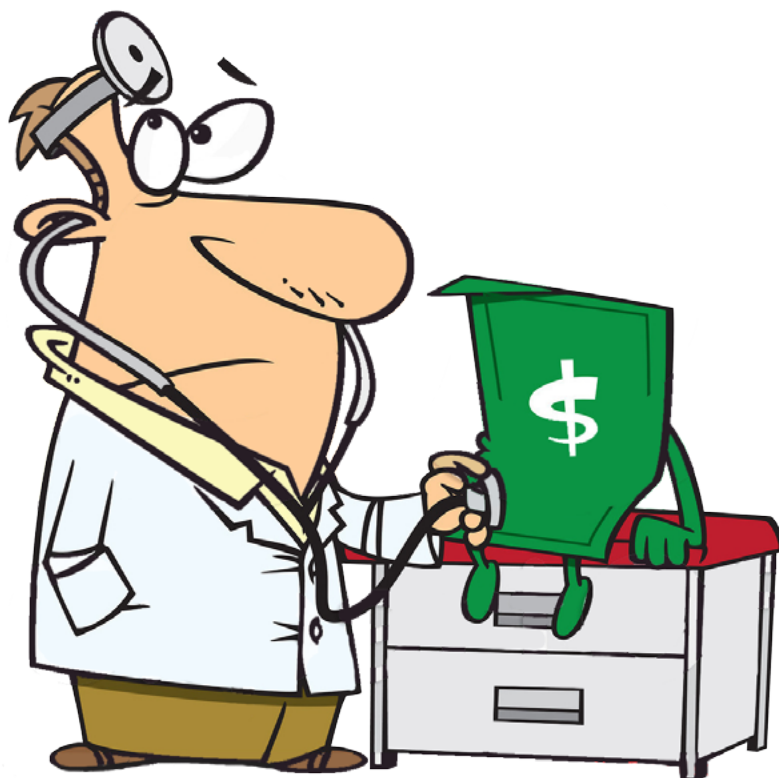
همیشه برای رستوران رفتن وقت هست...

همیشه برای تلویزیون تماشا کردن وقت هست...

شاید در آینده مثل الان موقعیتی برای آموزش نداشته باشی و ممکنه که دیر شده باشه پس همین امروز برای تغییر شرایط مالیت اقدام کن!



آیا میدانید که از لحاظ مالی چه تیپ شخصیتی دارید؟



شخصیت مالی بیشتر افراد ترکیبی از چند مدل هست، و میشه تشخیص داد که در هر شخصی کدام یکی از این شخصیت‌ها بیشتره. البته باید گفت که هر کدام از این شخصیت‌ها، محاسن و معایبی دارند که بعد از زدن تست‌ها بیشتر درباره شون صحبت می‌کنیم.

نمیشه گفت که یک تیپ مالی خیلی خوبه و تیپ مالی دیگه خوب نیست! اما خیلی خوبه که تشخیص بدیم که چه نوع تیپ شخصیتی داریم و نکته مهم اینه که باید بفهمیم که نقاط قوت و ضعف تیپ شخصیتی مالی مون چی هست و بعد از شناسایی نقاط ضعف، باید اونها رو برطرف کنیم و حتی اونها را به نقطه قوت تبدیل کنیم.

سؤالات زیر به این منظور طراحی شده که بتونه به شما کمک کنه که تیپ مالی خودتون رو تشخیص بدید. لازمه که قبلش بگم که در پرسشنامه زیر هیچ پاسخ درستی وجود نداره و مهم، نظر و طرز فکر شماست که باید شناسایی بشه پس دنبال پیدا کردن جواب درست نباشید!

مهم اینه که اولین پاسخی رو که به محض دیدن سؤال به ذهنتون رسید رو انتخاب کنید. پرسش‌ها رو با صداقت و بدون مکث و فکر کردن جواب بدید و پاسخ خودتون رو حتماً در یک کاغذ یا دفتر یادداشت کنید.

خوب همین الان یک کاغذ و قلم بردارید و سؤالات رو بخونید و گزینه‌های خودتون رو یادداشت کنید.

۱. اگر به طور غیر منتظره ای ۵۰ میلیون تومن به دست شما برسه، با اون چکار می‌کنید؟

الف) اون پول رو فقط برای خودم خرج نمی‌کنم و با اون پول برای بقیه هم هدیه می‌خرم.

ب) فوراً اون پول رو می‌زارم تو بانک تا از دست نره.

ج) فعلاً هیچ تصمیمی نمی‌گیرم و تا اونجا که امکان داره درباره نحوه درست استفاده از اون فکر می‌کنم.

د) اون رو در تجارت پر سودی سرمایه‌گذاری می‌کنم.

ه) اون رو صرف امور خیریه می‌کنم.

۲. نظر شما درباره پول چیه؟

الف) پول لذت‌بخش‌ترین چیز تو زندگی من هست و با اون می‌تونم از هر فرصتی برای خرید و هدیه دادن به دیگران استفاده کنم.

ب) ترجیح می‌دهم پولم رو در جایی امن مثل بانک نگه دارم تا احساس امنیت داشته باشم.

ج) ترجیح می‌دهم زیاد به پول فکر نکنم چون می‌دونم که مسائل مالی در اکثر موارد خود به خود حل می‌شه.

د) من خیلی زیاد درباره پول فکر می‌کنم و مدام در حال سبک و سنگین کردن و پیدا کردن راه‌هایی برای افزایش پولم هستم.

ه) مطمئنم که پول هیچ‌وقت نمیتونه تصمیم‌گیری‌های اصلی و مهم زندگی منو تحت تأثیر قرار بده.

۳. اصلی‌ترین هدف مالی شما کدوم یکی از موارد زیر هست؟

الف) می‌خوام به اندازه کافی پول داشته باشم تا بتونم هر چیزی رو که دلم می‌خواد با اون بخرم.

ب) می‌خوام به اندازه کافی پول پس انداز کنم تا هیچ‌وقت درباره پول و بحران مالی احساس نگرانی نداشته باشم.

ج) هنوز دقیقاً نمی‌دونم که هدف من از به دست آوردن پول چیه؟

د) می‌خوام خیلی سریع حجم دارایی‌ها و سرمایه‌های خودم رو چند برابر کنم.

ه) می‌خوام به اندازه ای پول دربیارم که بتونم باهاش نیازهای اصلی زندگی‌ام رو برطرف کنم نه بیشتر.

۴. نظر شما درباره برنامه‌ریزی مالی چیه؟

الف) برنامه‌ریزی؟ همچنین چیزی تو زندگی من وجود نداره چون من برای پولی که بدست میارم برنامه خاصی ندارم.

ب) من خیلی به برنامه‌ریزی مالی برای خود پایبندم و به هیچ عنوان حاضر نیستم که اونها رو نادیده بگیرم.

ج) من برنامه‌ریزی مالی ندارم چون نمیدونم چطور باید یک برنامه مالی داشته باشم، به خاطر اینکه من مطمئنم که پول به خودی خود مدیریت میشه و تا حالا بدون برنامه‌ریزی هم به مشکلی برخورددم.

د) من برنامه مفصلی برای پول های خودم دارم و همیشه در حال حساب و کتاب کردن دخل و خرجم هستم.

ه) من زندگی ساده ای دارم و خوشحالم که هیچ وقت نیازی به برنامه‌ریزی های مالی پیدا نمی‌کنم.

۵. نظر شما درباره پس انداز چیه؟

الف) راستش من کلاً با پس انداز کردن مشکل دارم، چون پس انداز کردن برای من همیشه یک کار سخت بوده، چون احساس می‌کنم پس انداز کردن هیچ فایده‌ای نداره.

ب) پس انداز کردن برای من خیلی عادیه چون من بطور خودکار پس انداز می‌کنم.

ج) من می‌دونم که باید پس انداز کنم، اما هیچ وقت نمی‌تونم کاری برای عملی کردن افکارم درباره پس انداز کردن انجام بدم.

د) من خیلی از پس انداز کردن لذت می‌برم چون بیشتر وقت‌ها با خودم راجع به این موضوع فکر می‌کنم که چطور میشه تو زندگی جلوی خرج های اضافی رو گرفت.

ه) اگر من اون اندازه پول داشته باشم که بتونم اون رو پس انداز کنم، هیچ وقت پس انداز نمی‌کنم و بجاش اون رو خرج خودم و زندگی‌ام می‌کنم.

۶. نظر شما درباره قرض گرفتن چیه؟

(الف) من بیشتر وقت‌ها پول قرض می‌گیرم، اما نمی‌تونم بگم که همیشه از پس بازپرداخت قرض هام برمیایم.

(ب) من به ندرت از کسی پول قرض می‌گیرم، چون من همیشه برای شرایط ضروری به مقدار کافی پول پس انداز می‌کنم.

(ج) من سعی می‌کنم و ترجیح می‌دهم که از بقیه پول قرض نگیرم، چون معمولاً مشکلاتی پیش میاد که نمیتونم قرضهام روم به اونها پس بدم.

(د) من دوست دارم از بقیه پول قرض کنم چون با این کار می‌تونم پول بیشتری برای سرمایه‌گذاری داشته باشم، اما در عین حال از اینکه انسان مقروضی باشم متنفرم.

(ه) من از قرض گرفتن متنفر هستم و فقط موقع هایی که هیچ چاره دیگه ای نداشته باشم و موقعیتم خیلی ضروری باشه، از دیگران قرض می‌گیرم.

۷. نظر شما درباره قرض دادن پول چیه؟

(الف) من خیلی در قرض دادن به دیگران دست و دلباز هستم و برای بازپرداخت پولم هم اصلاً نگرانی ندارم.

(ب) من تا اونجا که ممکن باشه سعی می‌کنم هیچ‌وقت به دیگران پول قرض ندم.

(ج) من هیچ ایده‌ای درباره اینکه می‌تونم از پس قرض دادن به دیگران بریایم ندارم.

(د) من تنها زمانی به دیگران پول قرض می‌دم که این پول قرض دادن به نحوی بتونه درنهایت به سود من باشه.

(ه) معمولاً کسی از من پول قرض نمی‌خواه؛ چون اونها می‌دونند که من معمولاً پول اضافی برای قرض دادن به اونها ندارم.

۸. شما در شرایط بحران و نیاز مالی شدید چه می‌کنید؟

- (الف) من معمولاً در شرایط بحران مالی پولی پس انداز ندارم تا با اون بتونم اوضاع رو کنترل و مدیریت کنم.
- (ب) من همیشه برای روز مبادا پول زیادی کنار گذاشته دارم اما امیدوارم که هیچ‌وقت زمان مصرف اون‌ها نرسه.
- (ج) من نمی‌دونم که پول به اندازه کافی دارم یا نه، به همین خاطر فقط آرزو می‌کنم که هیچ‌وقت شرایط اضطراری برای من پیش نیاد.
- (د) من پول به اندازه کافی پس انداز کردم، اما مطمئن نیستم که این پول بتونه در شرایط ضروری کفاف هزینه‌های من رو بده.
- (ه) من امیدوارم که در این شرایط دوستانم بتونند به من برای حل موقعیت اضطراری کمک کنند.
- حالا که به سوالات جواب دادید، میشه تعیین کرد که شما تو کدوم یکی از این ۵ گروه قرار می‌گیرید. البته این تقسیم بندی تقریبی هست و شاید نشه کسی رو پیدا کرد که فقط در یکی از طبقه بندی ها قرار بگیره.

باید بگم که اکثر افراد دارای پنج نوع شخصیت مالی متفاوت هستند:

۱. پول جمع کن
۲. پول خرج کن
۳. بی تفاوت نسبت به پول
۴. فراری از پول
۵. پس انداز کننده پول

بررسی پاسخ‌های شما

- اگر پاسخ «الف»، بیشتر تکرار شده، "پول خرج کن" هستید.
- اگر پاسخ «ب» بیشتر تکرار شده، "پول جمع کن" هستید.
- اگر پاسخ «ج» بیشتر تکرار شده، "فراری از پول" هستید.
- اگر پاسخ «د» بیشتر تکرار شده، "پس انداز کننده" است.
- اگر پاسخ «ه» بیشتر تکرار شده، "بی تفاوت نسبت به پول" هستید.

در ادامه به طور مختصر درباره هر کدام از این تیپ‌های شخصیتی به شما نکاتی رو می‌گم که امیدوارم براتون جالب باشه.

۱. پس انداز کننده



اگر شما جزء این دسته از آدم‌ها هستید، میشه گفت که ترجیح میدید که پول خودتون رو پس‌انداز کنید یا اینکه با پولتون سرمایه‌گذاری کنید تا بتونید حجم دارایی هاتون رو چند برابر کنید. اگر شما نتونید پس انداز یا سرمایه‌گذاری کنید، احساس بدی پیدا میکنید و حالتون گرفته میشه چون پس‌انداز کردن شما رو خوشحال می‌کنه. برای شما داشتن پول به معنی داشتن

قدرت، نفوذ، اعتبار و احترام بیشتر هستش. اعتمادبه‌نفس شما تا اندازه زیادی بسته به پس انداز مالیتونه. معمولاً شما با دیگران خیلی درباره نحوه سرمایه‌گذاری و مصرف پولتون مشورت می‌کنید.

۲. فراری از پول



اگر شما در این تیپ شخصیتی قرار دارید، در متعادل کردن دخل و خرج هاتون معمولاً با مشکل مواجه میشدید.

معمولاً قبض هاتون به‌موقع پرداخت نمیشه. شما برنامه‌ریزی مالی ندارید یا اگر هم دارید، اصلاً به اون عمل نمی‌کنید. چون دقیقاً

نمیدونید که در حال حاضر چقدر پول دارید و مثلاً روزانه چقدر خرج هزینه‌های جاری شما میشه.

معمولاً علاقه‌ای به چک کردن حساب های مالیتون ندارید، چون از این کار وحشت دارید. حوصله نشستن و حساب کردن برای هزینه هاتون رو ندارید؛ به همین خاطر نمی‌تونید تعیین کنید که درآمد شما برای چه چیزهایی مصرف میشه.

بعضی از افرادی که تو این دسته قرار می‌گیرند، از روبرو شدن با مسائل مالی اجتناب می‌کنند، چون این کار برای اونها خیلی استرس‌زا و پرفشار هست.

البته افراد این گروه با افراد گروه «بی تفاوت به پول» شباهت هایی هم دارند اما تفاوت های زیادی با اونها دارند. افراد بی تفاوت نسبت به پول، سروکله زدن با مسائل مالی رو کاری عبث، بیهوده و حتی کثیف می‌دونند اما افراد این گروه اینطوری نیستند.

۳. پول جمع کن



اگر شما جزء این دسته از آدم‌ها هستید، بسیار مشتاق جمع کردن پول هستید و ترجیح میدید پول خودتون رو با کارهایی مثل سرمایه‌گذاری به خطر نندازید. معمولاً این افراد دارایی‌ها و پس‌اندازهای خودشون رو تو بانک می‌گذارند. سود تدریجی و مشخص پول برای این گروه از افراد، خیلی آرامش بخش تر از ریسک و فشار روانی سرمایه‌گذاری‌های پرخطریه که نتیجه اش معلوم نیست. محافظه کاری صفت بارز افراد این گروهه.

۴. بی تفاوت نسبت به پول



افرادی که تو این گروه قرار دارند، پول رو چیز کثیفی می‌دونند، چون اعتقاد دارند که انسان تا اونجا که میتونه باید خودش رو از آلوده شدن به مال دنیا حفظ کنه چون پول انسان‌ها را فاسد می‌کنه. این افراد وقتی پول زیادی تو دستشون دارند، می‌خوان که به هر نحو که شده از شر پول خلاص بشند.

۵. پول خرج کن



اگر شما تو این گروه قرار دارید، معمولاً از خرج کردن پول لذت می‌برید چون پول خرج کردن شما رو خوشحال میکنه. میشه گفت که افراد این گروه یه جورایی نسبت به خرید کردن اعتیاد دارن و به همین خاطر از پس‌انداز کردن متنفرند و به اون به شکل تکلیفی نشدنی نگاه می‌کنند؛ بنابراین معمولاً نمیتونند برای آینده مالی خودشون برنامه‌ریزی های بلندمدتی داشته باشن.

آموخته های کهنه را دور بریزیم!

الگوهای ذهنی آدم‌ها از دوران کودکی توسط خانواده و اجتماع تو ذهن فرد بارگزاری میشه و این موارد باعث ساخته شدن باورهای این افراد در مورد پول میشه و باید گفت که این باورها ریشه در ضمیر ناخودآگاه داره که در بیشتر موارد بسادگی قابل شناسایی و تغییر نیستند.

نکته قابل تأمل اینجاست تا زمانیکه نتونیم این باورهای ذهنی رو اصلاح کنیم تلاش ما برای ثروتمند شدن و پولدار شدن کاملاً بی فایده و بی نتیجه هست.



فرصت‌های پول‌ساز در ایران

خیلی از مردم فکر میکنند که دیگه فرصتی برای پولدار شدن باقی نمونده و بقیه از اون فرصت‌ها استفاده کردند و تموم شده. در صورتیکه اینطور نیست. این مورد رو براتون با یک مثال بیشتر توضیح میدم.

۲۰ سال قبل در کشور ما چیزی به اسم اینترنت وجود نداشت. از زمانی که اینترنت وارد کشور ما شد و توسعه پیدا کرد چه اتفاقی افتاد؟ الان خیلی از افراد هستند که از طریق اینترنت پول درمی‌آورند و محصول و خدماتشون رو در اینترنت معرفی و عرضه می‌کنند. چه بسا شما هم از طریق اینترنت با گروه آموزشی ما آشنا شده باشید.

خوب اینترنت یک فرصت جدید هست که بعضی از این فرصت برای پولسازی استفاده کردند و بعضی هم استفاده نکردند. افرادی که از این فرصت استفاده کردند در واقع بذرشون رو کاشتند، مراقبتش کردند و در حال حاضر بذرشون جوونه زده و رشد کرده و درختی شده که داره محصول میده و براشون پولسازی میکنه!

حالا به نظر شما همه مردم ایران از اینترنت دارند پول درمیارند؟ نه! خیلی‌ها هستند که از این فرصت استفاده نمی‌کنند و در حال غر زدن هستند و میگن کار نیست، ما که جایی نمیتونیم استخدام بشیم!!!!

فرصت‌های پولساز خیلی زیاده ولی باید به سراغش برید و وقت بگذارید و بذرتون رو بکارید، مراقبتش کنید تا محصول بده. زمین برای دونه کاشتن زیاده ... ولی مشکل مردم اینجاست که اصلاً این زمینهای خالی رو نمی‌بینند و میگن ما بذرمون رو کجا بکاریم؟ برای ما شغل نیست! درآمد نیست! کار نیست! برای من فرصت پولسازی وجود نداره؟

مشکل اینجاست که ما چشمهامون رو به روی فرصت‌ها بستیم و نمیتونیم اونها رو ببینیم!

من نمیدونم شما در کدوم شهر هستی و چه موقعیت و شرایطی داری؟! شاید بگی تو شهر من دیگه هیچ کارخونه، اداره یا ارگان دولتی نیست یا اگر هم باشه استخدام نداره ولی من حاضرم به شما قول بدم که شما حتی اگر در یکی از دور افتاده‌ترین روستاهای کشور هم زندگی می‌کنید میتونید در همونجا پولدار بشید!

علت اینکه نمی‌تونی شرایط پولساز و پتانسیل‌ها رو ببینی به خاطر باورهای محدودکننده‌ای هست که توی ذهنت داری! به خاطر اینکه که روی چشم‌ت عینک کمبود هست، عینک فراوانی روی چشم‌ت نیست. تا بتونی پول‌هایی رو که در اطرافت وجود داره جمع کنی!!

توی هر منطقه ای هم آدم پولدار هست و هم آدم فقیر. خیلی‌ها فکر می‌کنند که اگر بخوان ثروتمند بشن باید استخدام بشن یا اینکه یک نفر اون‌ها رو مشغول به کارشون بکنه یا اینکه یک سرمایه زیادی برای شروع کار داشته باشند.

شاید بگید من مدرک مهندسی مکانیک خودرو دارم. تو شهری که من زندگی می‌کنم کارخونه خودرو سازی نیست، پس من بیکار می‌مونم. من رفتم مدرک لیسانس زبان فرانسه گرفتم، اما تو شهری که من زندگی می‌کنم که سفارتخونه ای نیست، دارالترجمه رسمی نیست که بتونم برم اونجا کار کنم. پس مجبورم بشینم تو خونه مدرکم رو قاب بکنم تا زمانی که دولت اعلام بکنه که من می‌خوام مثلاً برای فلان ارگان دولتی کارمند استخدام بکنیم. اون موقع اگر ببینم که اگر با مدرک دانشگاهی من جور بود برم و اونجا استخدام بشم.

باید به شما بگم این طرز فکر، طرز فکر آدم‌هایی هست که ذهنشون فقیره!

ممکنه که شما از من ناراحت و عصبانی بشید اما هیچ اشکالی نداره. اگر این عصبانیت شما رو یک تکه بده خیلی هم خوبه! اگر این عصبانیت باعث بشه که به غرورتون بر بخوره خیلی هم عالیه.

شاید بگید که آقای الهی دلت خوشه و نفست از جای گرمی در میاد! پس این فرصت‌های پول‌ساز کجاست؟ پس چرا من نمی‌بینمشون؟

آفرین خیلی عالیه! چون دقیقاً موفقیت از همین جا شروع میشه...

یک روز یک شاگردی میره پیش ارسطو فیلسوف بزرگ یونانی. میگه استاد لطفاً به من علم موفقیت رو یاد بده! ارسطو میگه: خوب برو دنبالش تا بدستش بیاری ...



شاگرد میگه: نه من گشتم ولی نیست. چطوری رشد کنم؟ چطوری موفق بشم؟ چطوری به این علم دست پیدا کنم؟

ارسطو شاگردش رو میبره کنار رود خونه و میگه زیر آب رو نگاه کن، وقتی شاگرد سرش رو زیر آب میکنه ارسطو بلافاصله با دست سر شاگرد رو نگه میداره و اجازه نمیده که اون سرش رو بالا بیاره و نفس بکشه! وقتیکه حسابی شاگرد دست و پا زد و به مرز خفگی رسید ارسطو دستش رو بر میداره و اجازه میده شاگرد سرش رو از آب دربیاره و نفس بکشه!

ارسطو از شاگرد میپرسه: اون زمانی که سرت زیر آب بود دنبال چی بودی و داشتی به چی فکر می‌کردی؟ شاگرد جواب میده: به هوا، به اکسیژن.

ارسطو میگه آفرین! هر موقع که تو زندگیت همینطوری دنبال موفقیت گشتی مطمئن باش که میتونی بدستش بیاری و بهش میرسی...

گر تا به امروز موفقیت رو به دست نیاوردی به خاطر این بوده که واقعاً به دنبالش نرفتی، در صورتیکه اگر برای یادگیری عطش داشته باشی مطمئن باش که راهش رو پیدا می‌کنی و به جواب سؤالات میرسی و موفقیت خودش به سراغت میاد. به شرط اینکه واقعاً خواستار موفقیت باشی.

مشکل ما اینجاست که می‌گیم کار نیست، شغل نیست، پول نیست و منتظریم تا یک نفر بیاد و ما رو با یک حقوق بالا استخدام کنه. منتظریم تا یک نفر بیاد به ما بگه: آقای فلانی بیا توکسب و کارت اینقدر سرمایه‌گذاری کن، فلان جنس رو تولید کن، فلان جنس رو بخر، فلان کار رو انجام بده و بعدش پولدار شو!

دوست خوبم این چیزها برای فیلم هندی هاست! تو عالم واقعیت از این خبرها نیست! چون تو عالم واقعیت خودت باید بری دنبالش و وقتی رفتی دنبالش راهش رو هم پیدا می‌کنی.

الان خیلی از جوونهای ما هستند که توی روستاهای دور افتاده که اصلاً تکنولوژی نداره دارند کار میکنند و خیلی خوب پول درمیارن!

ماشین آلات پیشرفته دارند؟ نه!

امکانات فوق العاده دارند؟ نه!

سرمایه زیاد دارند؟ نه!

این افراد یاد گرفتند که با همون امکانات محدودشون پول دربیارند.

یک نمونه خیلی سادش تولید کود ورمی کمپوست هست. من چندین سال قبل رفتم سراغ کار کشاورزی و به همین منظور یک مزرعه تولید کود ورمی کمپوست راه‌اندازی کردم.

من بخاطر شهرنشینی پتانسیل‌های لازم برای اینکار رو نداشتم و به همین خاطر نتونستم اینکار رو ادامه بدم. البته خودم هم میدونم که این حرفها بهونست چون دلیل اصلی ادامه ندادنم بی‌علاقگیم به این کار بود. ولی تولید کود ورمی کمپوست فوق العاده کم هزینه هست و با هر سرمایه‌ای میشه این کار رو

شروع کرد و دقیقاً یک فرصت اقتصادی عالی به افرادی که در شهرستان‌ها زندگی می‌کنند و زمین و کود حیوانی در اختیارشون هست.

برای شروع میشه با یک سرمایه اولیه خیلی کم برای خرید کرم این کار رو شروع کرد. حتی قرار نیست که کسی بخواد کود تولید کنه برای فروش. چون میتونه اون کود رو برای کشاورزی خودش تولید کنه. چون کود ورمی کمپوست برای گیاهان و تولیدات کشاورزی و باغداری فوق العاده عالی هست.

اکثر باغدارها، صیفی کارها و کشاورزان یک مشکل بزرگ دارند به اسم علف هرز. چون اونها برای تقویت خاک هربار که کود حیوانی در مزرعه یا باغشون پخش می‌کنند بعدش باید کلی پول کارگر بدن تا علفهای هرزی که به خاطر این کودها رشد کرده رو وجین کنند.

یکی دیگه از مشکلات کود حیوانی بحث آفت‌ها، قارچ‌ها و میکروب‌هایی هست که همراه اون کود وارد زمین و باغ میشه و به محصولات کشاورزی آسیب میرسونه.

وقتی که کشاورز کود گاوی و یا گوسفندی رو میریزه پای درخت، درخت شته میزنه، وقتی میرین پای بوته گوجه فرنگی، اون گوجه فرنگی آفت میزنه.

ولی کود ورمی کمپوست این مشکلات رو نداره! چون کرم زباله خوار تمامی تخم‌های علف هرز و باکتری‌ها و میکروبها و ... داخل کود رو میخوره و کود رو تصفیه می‌کنه و مهم‌تر از همه اینکه کرم از خودش موادی داخل کود ورمی کمپوست ترشح می‌کنه که باعث فراری دادن حشرات، شته‌ها و آفتها میشه.

با این قابلیت‌ها وقتی کشاورزی کود ورمی کمپوست استفاده میکنه، دیگه نیازی به آفت کش و سم نداره تا محصولش آفت نزنه. این کود خیلی هزینه دستمزد کارگر برای وجین و هزینه خرید سم و آفت کش رو میاره پایین و این خودش یک نوع سودآوری محسوب میشه.

پس اون شخصی هم که در یک روستا هست بدون داشتن مغازه و کارخونه و تکنولوژی و ماشین آلات پیشرفته و بدون سرمایه اولیه زیاد، با چند کیلو کود حیوانی و چند کیلو کرم زباله خوار میتونه پول در بياره و ثروتمند بشه! این میشه نگرش درست به فرصتها.

وقتی فردی ذهنش پولدار باشد، فرصتهای پولساز رو میتونه شناسایی و پیدا بکنه و حتی اونها رو به وجود بیاره.

این فقط یک نمونه از فرصتهای پولساز بود. البته هزاران هزار فرصت پولساز دیگه هست که اگه بخوام راجع به اونها صحبت کنم شاید از حوصله شما خارج باشه.

شما خودت باید تو کسب و کار خودت، رشته خودت، محل زندگی خودت بگردی و ببینی که چه فرصتهای پولسازی هست که میتونی از اونها استفاده کنی.

شما باید ذهنت رو تمرین بدی که بتونه مثل ثروتمندها فکر کنه. اونموقع خودش هر روز فرصتهای جدید پولسازی رو نشونتون میده.

امیدوارم که تا به این جا چند تا از گره های ذهنی تون باز شده باشه و ذهنتون روشن تر شده باشه و برخی از فرصتهایی رو که تا دیروز نمی تونستید ببینید رو الان با دقت بیشتری دنبال کنید. اینها همه تأثیر قانون جاذبه. چون به هر موردی که بیشتر توجه بکنی جهان از همون مورد، بیشتر نشونت میده.

هنوز دیر نیست!

تا به اینجای کتاب برای شما دلایل بیشمار عدم موفقیت افراد رو توضیح دادم. شاید شما هم جزء اون دسته از افرادی باشید که تا به امروز برای خودتون اهداف زیادی رو مشخص کردید و تصمیمات زیادی رو گرفتید ولی موفق نشدید که اونها رو عملی کنید!

مثلاً دوست داشتید سروسامونی به کسب و کارتون بدید ...

درآمدتون رو زیادتر کنید ...

رو خودتون کنترل بیشتری داشته باشید ...

وقت بیشتری برای خانواده و فرزندانتون صرف کنید و ...

ولی موفق نشدید تو زمانی که برای خودتون مشخص کردید به اونها برسید. تو این جور مواقع این سوالات رو از خودتون پرسیدید:

چرا بیشتر آدم‌ها تو رسیدن به خواسته‌هاشون خودشون رو موفق نمی‌دونند؟

چرا تعداد کمی هستند که به خواسته‌هاشون می‌رسند؟

من به شما میگم که شما تو این مورد تنها نیستید، چون ۹۵ درصد آدم‌ها موفق نمیشنند به اهدافی که برای خودشون مشخص کردند برسند.



در دوره کوچینگ ثروت قراره چه اتفاقی برای ذهن شما بیفته؟

همونطور که پیش ازین بهتون گفتم، خداوند جهان رو بر اساس قوانینی ثابت خلق کرده و اداره می‌کنه. من بعد از سالها مطالعه و تحقیق، بسیاری از قوانین و اصول ثابت شده «ثروت» رو پیدا کردم و اونها رو از زندگی ثروتمندان بیرون کشیدم و در دوره تخصصی «کوچینگ ثروت» هیچ ناگفته‌ای رو باقی نگذاشتم.

در ابتدا با پاسخ دادن به تست‌هایی که برای شناسایی باورها، افکار و عقاید شما طراحی شده میتونید ایرادهای ذهنی خودتون رو شناسایی و بررسی کنید. در این دوره شما یاد میگیرید که چطور پزشک خودتون بشید و بعد از گذروندن این دوره نیازی به من که مربی شما هستم یا هیچ مشاور دیگه‌ای ندارید و خود شما بدون نیاز به مربی میتونی نقاط ضعف و نقاط قوت فکرت رو پیدا کنی.

در حقیقت کار من در دوره «کوچینگ ثروت» این هست که به شرکت‌کننده‌ها آدرس می‌دم که بروند و از قسمت‌های مختلف خاک مزرعه ذهنشون نمونه برداری کنند. بعد از جلسه دوم تا جلسه چهاردهم، یکی یکی راجع به هر موضوع صحبت میشه و با هم دیگه بررسی می‌کنیم که ببینیم مشکل و ضعف کار کجاست و بعد از اون شما خودت میتونی بفهمی که چرا تو این همه سال نتونستی به درآمد و ثروت دلخواهت برسی.

البته جای نگرانی نیست چون با انجام تمریناتی که به شما داده میشه هیچ مشکل ذهنی بدون جواب باقی نمی‌مونه و الگوهای ذهنی اشتباه رو میتونید اصلاح کنید و ضمیر ناخودآگاهتون رو برای پولدار شدن، برنامه‌ریزی کنید.

اگر شما هم یاد بگیری که چطور مثل یک ثروتمند فکر کنی و تصمیم بگیری، اونوقت شما هم در زندگیت همون نتایج مالی رو به دست میاری که اون به دست آورده و این اصلاً چیز عجیبی نیست. چون تمام اتفاقات این جهان بر اساس حساب و کتاب و قوانین ثابت هست و همین الگوهای ذهنی فقر و باورهای اشتباه جلوی ثروتمند شدن شما رو گرفته.

اگر یک نفر در امریکا از فرمول ریاضی استفاده کنه و ۲ رو با ۲ جمع کنه به جواب ۴ میرسه. حالا اگر یک ژاپنی هم ۲ رو با ۲ جمع کنه یک اتفاق جالب می‌افته و اون اینه که حتی در ژاپن هم نتیجه این قانون ریاضی میشه ۴ و از اون جالبتر اینکه حتی در روستاهای دور افتاده افریقا و آنگولا هم اگر کسی از این قانون ریاضی استفاده کنه باز به همون جواب ۴ میرسه!



ممکنه که شمایی که داری این کتاب رو مطالعه می‌کنی، ماهیانه ۵۰ تا ۱۰۰ میلیون تومن درآمد داشته باشی، مطمئناً درآمد ماهیانه ۱۰۰ میلیون تومن پول کمی نیست! ولی باید به شما بگم که اگر شما هنوز درآمدت به اندازه آقای عسگر اولادی نیست؛ اگر درآمدت هنوز به اندازه آقای احد عظیم زاده نیست، اگر ثروتت به اندازه خانم فاطمه مقیمی نیست، اگر هنوز درآمدت به اندازه آقای بیل گیتس نیست، یعنی شما هنوز میتونی با کار کردن روی ذهنت به درآمدهای بیشتر هم برسی!!!

مطمئناً شما هم توی ذهنت یکسری باورهای محدود کننده داری که جلوی رشد و پیشرفتت رو گرفته و نمیگذاره درآمدت زیاد بشه. ولی بعد از اینکه ایرادهای ذهنیت رو شناسایی کنی و برای برطرف کردنشون اقدام کنی، درهای ثروت به روی شما باز میشه و درآمدتون افزایش چشمگیری پیدا میکنه.

با تکرار این آموزش ها، ضمیر ناخودآگاه شما که تا به امروز با اطلاعات محدود کننده اش مانع پیشرفت مالی شما شده بود، خودش به کمکتون میاد و باورهای ثروتساز در ذهن شما ریشه دارتر میشند.

خود من بعضی موقع‌ها حسرت می‌خورم و می‌گم خدایا ای کاش این مطالب رو ۱۰-۲۰ سال پیش آموزش دیده بودم و اینقدر سختی نمی‌کشیدم.

پس دوست خوبم الان که این فرصت برات فراهم شده قدرش رو بدون؛ ارزشش رو بدون؛ شاید دیگه تا آخر عمرت همچین فرصتی برات تکرار نشه!

وقتی در مسیر زندگی، تمام اتفاقات پیش روت، اتفاقاتی مثبت باشند بدون که در مسیر اصلی زندگی قرار داری و با قدرت به راهت ادامه بده.



آیا راهی برای افزایش درآمد تو شغل من وجود داره؟!

شاید خیلی‌ها فکر کنند که فقط انجام بعضی کارهای خاص هست که میتونه اون‌ها رو پولدار کنه. در صورتیکه باید این نکته رو یادآوری کنم که شما در درجه اول باید به کاری که انجام میدید علاقه داشته باشید. علاقه عامل محرک شما برای تلاش بیشتر تو کاریه که دارید انجام میدید.

خیلی از افراد کارشون رو دوست دارند و میخوان که تو شغل خودشون پولدار بشن. برای همین بهترین توصیه به این افراد میتونه کار کردن روی ذهنشون باشه، دقیقاً همین کاری که تو دوره کوچینگ ثروت داره انجام میشه!

البته اگر تا به امروز نتونستید علاقه خودتون رو شناسایی کنید نگران نباشید. در دوره کوچینگ ثروت یکسری تکنیک‌ها و راهکارها به شما آموزش داده میشه که با استفاده از اون‌ها میتونید استعدادهای خودتون رو شناسایی کنید و بر اساس اون شغل دلخواهتون رو پیدا کنید.

در مرحله بعد باید از تکنیک‌های عملی کمک گرفته بشه تا هم افرادی که کارمند و حقوق بگیر هستند و هم افرادی که صاحب کسب و کار هستند بتونند با پیاده سازی این تکنیک‌ها، درآمدشون رو افزایش بدن.



**آیا پایین بودن حقوقتان
شما را ناامید ساخته؟**

همین امروز تصمیم بگیرید تا درآمد خودتان را افزایش دهید!

www.MortezaElahi.com

به همین منظور دوره‌های کوچینگ شغلی و بیزینس کوچینگ به عنوان مکمل دوره کوچینگ ثروت تهیه شد. در دوره کوچینگ شغلی یکسری راهکارها و ایده‌ها آموزش داده می‌شود تا شما به عنوان کارمند یا حقوق‌بگیر بتوانید این اصول رو توی کارتون پیاده بکنید و درآمدتون رو افزایش بدید. در این دوره بیش از ۷۰-۸۰ راهکار عملی به شما ارائه می‌شود که با بکارگیری حداقل ۱۰-۱۵ راهکار، میتونی شرایط کاری و مالی خودت رو تغییر بدی.

دوره حرفه‌ای بیزینس کوچینگ هم برای افرادی تهیه شده که صاحب کسب و کار هستند یا می‌خوان که کسب و کاری رو راه اندازی کنند و یا اینکه مدیر عالی رتبه‌ای هستند که پرسنل زیر دستتون هست. در این دوره جدیدترین روشهای روز دنیا در زمینه بازاریابی، فروش و تبلیغات شرح داده می‌شود که باعث رشد و توسعه کسب و کار شما می‌شود.

اگر الان احساس می‌کنید در زمینه کاریتون نمیتونید فرصت پولسازی رو پیدا کنید یا توان رقابتی در بازار رو ندارید و راهکاری برای افزایش درآمد ندارید این دوره‌ها پاسخ مناسبی به نیاز شماست. من پیشنهاد می‌کنم که بعد از گذراندن دوره کوچینگ ثروت بنا به موقعیت کاری که دارید حتماً در یکی از این دوره‌ها شرکت کنید و از این آموزشها استفاده کنید.



برای شرکت در این دوره ها هنوز مطمئن نیستیم و شک دارم!

من سالهاست دارم درباره ذهن مطالعه و تحقیق می‌کنم ولی میتونم به جرأت بگم که بعد از اینهمه مطالعه شاید هنوز هیچ چیز نمیدونم! بله! قابلیت ها و توانمندی های ذهن به قدری زیاده که شاید هیچ وقت نشه اونها رو به طور کامل کشف کرد.

همونطور که در قسمت های قبل هم گفتم، خداوند برای حفاظت از انسان یک مکانیزم خودکار و کاملاً اتوماتیک در مغز اون گذاشته به اسم ضمیر ناخودآگاه!

ضمیر ناخودآگاه برای انجام مهمترین وظیفش (حفاظت از جان و زنده نگه داشتن) به نحو احسن، تمام تلاشش رو میکنه تا ما رو در وضعیت و شرایط امن موجود نگه داره.

شرایط امن موجود شما اینه که در همین وضعیت مالی که الان داری بمونی و مطمئن باش که ضمیر ناخودآگاهت تمام تلاشش رو میکنه که شما رو در همین وضعیت نگه داره و به همین دلیل خیلی از مردم سالهاست که زندگی یکنواخت و ثابتی رو تجربه میکنند و بخاطر همین که اگر بعضی وقتها هم تصمیمی می‌گیرند که کارشون رو یا هر شرایط دیگه ای رو عوض کنند بعد از مدتی منصرف میشند یا اینکه در اون کار شکست می‌خورند و ناخواسته مجبور میشند که دوباره به شرایط امن قبلی برگردند!

میترسم که موفق نشم!

خیلی از مردم چون از نرسیدن به خواسته هاشون می‌ترسند هیچ اقدامی هم نمی‌کنند. همونطور که به شما گفتم ضمیر ناخودآگاه تمام تلاش خودش رو برای حفظ شرایط موجود میکنه و از هر ابزاری استفاده میکنه تا امنیت رو برای شما برقرار کنه.

ترس در واقع یکی از بزرگترین ابزارهای درونی ضمیر ناخودآگاه برای کنترل کردن ما و حفظ شرایط امن موجوده تا به ما اجازه نده که کار جدیدی انجام بدیم، آموزش جدیدی رو شروع کنیم و در نهایت نتونیم از وضعیت امن موجود خارج بشیم.

پس نترس و توکل به خدا کن که خودش حامی و پشتیبان بنده هاش هست!

پس نترس و اقدام کن!

پس نترس و تغییر رو شروع کن!

دوست داری هر روز از انرژی مثبت شارژ بشی؟



برای عضویت در کانال تلگرام اینجا کلیک کن



http://telegram.me/mortezaelahi_com

تجربیات چند نفر از دوستان



تجربیات سرکار خانم حمیده عزیزی از دوره کوچینگ ثروت



من حمیده عزیزی هستم ۳۵ سال سن دارم و ساکن تبریز هستم. چون رشته تحصیلی ام علوم اجتماعی و پژوهشگری هست بیشتر با اساتیدم در زمینه کارهای تحقیقاتی همکاری می‌کنم. من فایل‌های دانلودرایگان شما را دیدم و مقالات سایت شما رو خوندم و علاقه مند شدم که در دوره کوچینگ ثروت شرکت کنم.

الان دیگه نگاه و نوع تفکر و قضاوت دیگران دیگه برام مهم نیست.

الان متوجه شدم که خیلی از مسایلی و فکریایی که در سر میاد رو نباید اصلاً بهش بها داد. برای چی باید خودمون رو ناراحت کنیم برای مسائلی که حتی ارزش فکر کردن نداره. من در این چند ساله خودم رو عذاب دادم و بخاطر فکر کردن به اون مسایل بی ارزش مشکلات دیگه ای رو هم برای خودم بوجود آوردم. تا قبل این دوره خیلی روی این مسائل حساس بودم. الان دیگه نگاه و نوع تفکر و قضاوت دیگران دیگه برام مهم نیست و دیگه روی اونها متمرکز نمیشم. من سعی کردم که نظر دیگران برام اصلاً مهم نباشه که دیگران راجع به من چه فکری می‌کنند.

آقای مهندس الهی خیلی با زبان خومانی و ساده تر اونها رو بیان کردند.

من کتاب زیاد می‌خوانم، شاید بعضی از مطالب این دوره با مطالب کتابها مشابه باشند ولی آقای مهندس الهی خیلی با زبان خودمانی و ساده تر اونها رو بیان کردن و اونها رو قابل فهم تر کردند. مثالهاشون خیلی ملموس تر و قابل فهم تر هست نسبت به کتاب ها، و البته یک مطلبی رو که باخنده هم توضیح میدند بیشتر تو ذهنم می‌مونه. خیلی از مطالب برام جدید بود. من به این شکل راجع به ضمیر ناخودآگاه نشنیده بودم.

از نظر مالی هم یک تغییرات رو دارم تو زندگیم حس می‌کنم. من معتاد انجام تمرینات شدم، جمعه ها روز انجام تمرینات من هست!

من خودم رو ملزم به انجام تمرینات می‌کنم به خاطر همین موضوع برای بدست آوردن اطلاعات راجع به موضوع شانس به چند بانک رفتم و از کارمندان بانک درباره افرادی که در قرعه کشی ها برنده شدند تحقیق کردم و اطلاعات جالبی بدست آوردم. من معتاد انجام تمرینات شدم، جمعه ها روز انجام تمرینات من هست!

این آموزشها شاید به نوعی یک تلنگر برای افراد هست.

من چون دوست داشتم که در این دوره ثبت نام بکنم زیاد تردیدی نداشتم و به همین خاطر خیلی زود تصمیم گرفتم و اقدام کردم. من یه جاهایی خیلی راحت ریسک می‌کنم. الان احساس می‌کنم که خیلی بیشتر اون چیزی که فکر می‌کردم مطالب دوره کوچینگ ثروت می‌ارزه. این آموزشها شاید به نوعی یک تلنگر برای افراد هست تا بخودشون بیان و نوع نگاهشون رو به زندگی عوض کنند و باور کنند که میتونند به هرچیزی که میخواهند برسند. من به همه افرادی که مشتاق رسیدن به موفقیت باشند دوره کوچینگ ثروت رو معرفی می‌کنم و بهشون توصیه می‌کنم که حتماً این آموزشها رو ببینند.

از اینکه رفتار صحیح با پول رو یاد گرفتم خیلی خیلی خوشحالم.

از اینکه تو این دوره شرکت کردم و مطالبی رو یاد گرفتم، فکرهای اشتباهی رو از سرم بیرون کردم، به دو رو برم و اطرافیانم با یک دید متفاوت نگاه میکنم و مخصوصاً از اینکه رفتار صحیح با پول رو یاد گرفتم خیلی خیلی خوشحالم و از گروه آموزش الهی به ویژه آقای مهندس مرتضی الهی بینهایت سپاسگزارم.

من با توکل به خدا به زودی سایتی برای خودم طراحی میکنم و مطالب آموزشی در رابطه با نرم افزار Spss و کار تحقیقی و پروژه و همچنین دوره ICDL در اون قرار میدم. در ضمن من برای خودم یک سنگ شکرگزاری هم دارم که همیشه با منه چون به این نیت انتخابش کردم که برام یاد آور نعمتهایی باشه که دارم و شاید به چشمم نیاد حتی کوچکترین چیزی که جای شکرگزاری داره و باعث شده صبح و شبم رو با سپاسگزاری شروع و به پایان برسونم.

تجربیات جناب آقای محسن نوروزی از دوره کوچینگ ثروت و بیزینس کوچینگ



من محسن نوروزی، ۴۲ سال سن دارم و در شهر اصفهان سکونت دارم. وکیل پایه یک دادگستری هستم، ۱۵ سال سابقه وکالت دارم و ۱۰ سال سابقه کار با پروانه وکالت پایه یک دارم.

دوره کوچینگ ثروت واقعاً زندگی منو متحول کرد!

من قبلاً هم پیگیر آموزشهایی در زمینه موفقیت بودم و به همین منظور در زمینه ضمیر ناخودآگاه در دوره آقای مهدی خردمند شرکت کردم و علاوه بر اون از محصولات آموزشی دکتر آزمندیان هم استفاده کرده بودم. مشکل اینجا بود که بعد از چند روز دوباره به حالت قبل بر می‌گشتم و تأثیر اون آموزشها موقتی بود ولی دوره کوچینگ ثروت واقعاً زندگی منو متحول کرد.

خیلی از کتاب ها راهکار مناسب و کاربردی نمی دهند.

من هم در دوره بیزینس کوچینگ شرکت کردم و هم در دوره کوچینگ ثروت. من فکر می‌کنم که خیلی از کتاب ها راهکار مناسب و کاربردی نمی‌دهند ولی در این دوره‌هایی که در گروه آموزشی الهی گذروندم، مطالب خیلی واضح توضیح داده شد و کاربردی بود. من فکر می‌کنم که نکته جالب این آموزشها بحث کارکرد ضمیر ناخودآگاه بود که من متوجه شدم کارکرد اون چه شکلی هست و اینکه من متوجه شدم که میشه با کنترل کلام مسیر زندگی رو تغییر داد.

من ۱۰۰ درصد از این دوره رضایت دارم.

همسر و دخترم هم پیگیر این آموزشها هستند و به همین خاطر فیلم های این دوره ها رو با هم دنبال می‌کردیم و این دوره ها روی دخترم خیلی تأثیر خوبی داشت و دخترم هم متحول شده. دختر من ۲۰ سالش هست و الان یک آدم دیگه ای شده و مثبت اندیش شده. همینطور با خانواده هم ارتباطم خیلی خوب شده.

تمرینات این دوره ها خیلی عملی و کاربردی بود برخلاف بعضی دوره ها که تمریناتی ارائه میشه که اصلاً نمیشه اونها رو عملی کرد.

ما در این مدتی که گذشت از لحاظ مالی خیلی پیشرفت کردیم و خیلی اتفاقات خوب و قشنگی تو زندگیم افتاد.

من قبل از ثبت نام و آشنایی با شما در شرایط خیلی بدی بودم و از نظر فکری و اقتصادی بهم ریخته بودم و به دنبال راه نجاتی بودم که بعد از آشنایی با سایت شما انگار گمشده ام رو پیدا کردم. ما در این مدتی که گذشت از لحاظ مالی خیلی پیشرفت کردیم و خیلی اتفاقات خوب و قشنگی تو زندگیم افتاد. یک مؤسسه حقوقی راه اندازی کردیم و چهار نفر وکیل و پنج نفر کارمند استخدام کردیم و از لحاظ مالی خیلی پیشرفت کردیم.



من شرکت در این دوره رو به دوستانم پیشنهاد دادم.

من می‌گم که دوره کوچینگ ثروت نسبت به دوره های مشابه خیلی ارزشمند تره، هر چند که همیشه روی این دوره قیمتی گذاشت چون زندگی آدمها رو متحول میکنه. من شرکت در این دوره رو به دوستانم پیشنهاد دادم. در مورد دوره بیزینس کوچینگ هم سعی کردم که حداقل ۲۰ درصد آموزشها رو در کارم پیاده کنم و با استفاده از ایده هایی که از دوره بیزینس کوچینگ گرفتم تونستم که مؤسسه ام رو راه اندازی کنم.

تجربیات جناب آقای هدایت عباس زاده از دوره کوچینگ ثروت



هدایت عباس زاده هستم و تا مقطع لیسانس ادامه تحصیل دادم. همچنین مدرک تخصصی ICS طراحی طلا و جواهرات رو از کشور روسیه اخذ کردم و در حال حاضر مدیر واحدهای طراحی گروه صنعتی پلیمر بوشهر هستم که دارای ۲۵ برند مشهور مانند پنبه ریز، کم رو و ... می باشد.

همچنین مدرس طراحی طلا و جواهرات در دانشگاه صنعتی شریف به صورت مجازی هستم. به صورت غیر رسمی نیز مشغول به انجام برخی فعالیت ها هستم.

در دنیایی که هستیم هیچ چیزی اتفاقی نیست!

به صورت خیلی اتفاقی آشنا شدم ولی به قول آقای الهی، در دنیایی که هستیم هیچ چیزی اتفاقی نیست. دو سال قبل ویدئوهای قدیمی آقای الهی روی فلش یکی از دوستانم بود که قرار بود برای ایشون کاری انجام دهم. از ایشون پرسیدم این ویدئوها چیه و خودشون هم اطلاعات زیادی نداشتند. من اونها رو کپی کردم و البته یکی دو ماهی هم گذشت و وقتی تونستم اونها رو ببینم برام جذاب شد تا اینکه پارسال تونستم اونها رو کامل ببینم و پیگیری کردم برای سایر ویدئوها ولی شهامت خرید نداشتم چون اون موقع زیاد از لحاظ مالی تواناییش رو نداشتم و البته مردم استان ما دیدشون نسبت به این چیزها هنوز به حدی نرسیده که بخوان برای آموزش هزینه کنند. ولی پیگیر ویدئوها در یوتیوب و ... بودم و گفتم تهیه کنم و آشنایی من با گروه شما به این طریق بود.

از ویدئوهاشون انرژی مثبتی دریافت می کردم

من دوره های زیادی رو شرکت کردم، مثل دوره های مدیر بازاریابی گوگل، مدیر عامل هابلی دیویدسون که با واسطه تو این دوره ها شرکت کردم. دوره های دیگه ای هم شرکت کردم. من چهره اون سخنران ها رو می دیدم ولی آقای الهی چهره متفاوتی نسبت به بقیه داشتند و از لحاظ سن و سال هم تقریباً نزدیک به خودمون هستند. موقع سخنرانی هم من حس می کنم که انرژی واقعا بالایی دارند میذارند تا

تفهم کنند این اصول رو و من اینجوری راحت تر بودم. این شد باب ورود و من از ویدئوهاشون انرژی مثبتی دریافت می‌کردم و دوست داشتم که همیشه ویدئوهاشون رو ببینم.

تو هیچ مدرسه و دانشگاهی اینها رو به ما آموزش ندادند!

تو این ویدئوها یکی دو تا تستش رو من امتحان کردم و واقعا خیلی از چیزهایی که ما ازش خیلی عادی می‌گذشتیم تو این چند سالی که زندگی می‌کردیم شاید تو هیچ مدرسه و دانشگاهی اینها رو به ما آموزش ندادند از بهترین دوستان گرفته تا بهترین اساتید و ...

اینها رو ما ازش رد می‌شدیم و هیچکس اینها رو به ما آموزش نداد ولی تو دوره کوچینگ ثروت من اینها رو دیدم و لمسش کردم و توی زندگی ام پیادش کردم و واقعا نتیجه گرفتم. از خیلی چیزای کوچک مثل نوشتن برنامه روزانه و کارهامون رو انجام بدیم و به فردا نیندازیمشون. یه چیزایی که هیچکس واقعا اینها رو به ما نمی‌گفت و یا اینکه می‌گفتند و یه چیز عادی براشون بود و مهم نبود توی زندگی، یعنی اینها رو علت موفقیت نمی‌دونستند. من که اینها رو انجام دادم و نتیجه گرفتم، این شد باب اعتماد و چه اعتمادسازی بالاتر از این ...

تفاوت آقای الهی با بقیه سخنران‌ها بخاطر عامیانه صحبت کردنشون هست

من به خاطر تغییر زندگی ام دوره های زیادی رو گذروندم چه زمانی که شغلی نداشتم، چه زمان سربازی‌ام، چه زمان دانشجویی و چه حالا که مشغول به کار هستیم. تو دوره های دیگه چیزهایی گفته می‌شد که من نمی‌تونستم اعتماد کنم یا اینکه نمی‌تونستم تو زندگی پیاده کنم و قدرت تفهم اون موضوع رو نداشتند.

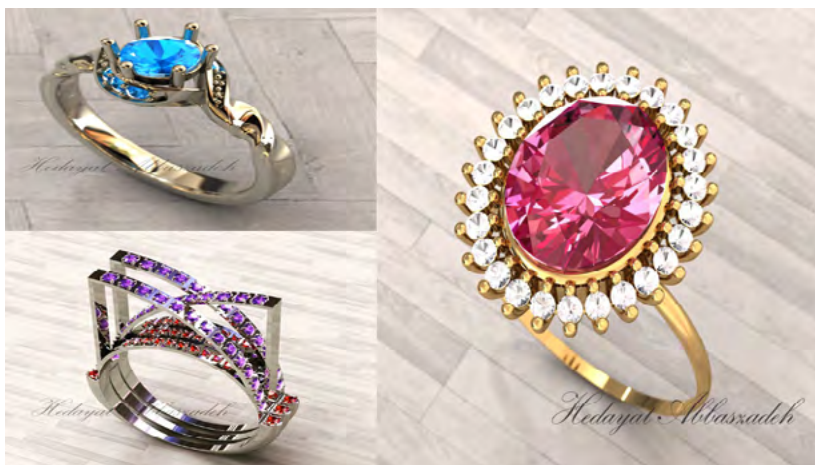
تفاوت آقای الهی با بقیه سخنران‌ها بخاطر عامیانه صحبت کردنشون هست و اینکه صحبت‌هایی که میشه، صحبت‌های کسی هست که لمس کرده زندگی ما رو و چیزی که ما واقعا نیاز داریم رو بهمون می‌گه. دادن انگیزه تو زندگی کار هر کس نیست ولی اون کسی این کار رو میکنه که واقعا خودش اینها رو تجربه کرده و من تفاوتش رو اینطور حس کردم و به خاطر همین تصمیم گرفتم که ادامه بدم با آقای الهی.

من خودم واقعاً می‌خواستم و دوست داشتم که همیشه پیشرفت داشته باشم

من خودم واقعاً می‌خواستم و دوست داشتم که همیشه پیشرفت داشته باشم و من که خواستم که موفق بشم میگم ۱۰۰ درصد ولی شاید افرادی باشند که آرزو و آرمان دارند ولی شاید نخوان که برای برنامه ریزی وقت بذارند و شاید بارها این ویدئوها رو پلی کنند و ببینند ... ولی من ۱۰۰ درصد رضایت دارم.

من بعد از سربازی‌ام تو شرکت پلیمر مشغول به کار بودم و کارمند ساده و معمولی بودم. شروع کردم برنامه‌هایی که از طرف ایشون بود رو اجرا کردم. کم کم برنامه ریزی هام رو شروع کردم، نترس تر شدم، فن بیانم رو تقویت کردم و ... کم کم سرپرست و مسئول یک قسمت شدم و بعد از اون وارد دفتر مرکزی تهران شدم و از اونجا با چاپخونه ها و شرکت های بزرگ آشنا شدم و از اونجا استارت رشته ای که بهش علاقه داشتم رو زدم با توجه به اینکه ۲۴-۲۵ سال بیشتر نداشتم.

من به صنعت طلا و جواهرات از نوجوانی علاقه داشتم ولی به خاطر روش های غلطی که به ما آموزش داده میشد از این صنعت دور افتادم ولی مجدداً با برنامه ریزی هایی که کردم کنار دانشگاه و کنار کارم به این رشته ادامه دادم. تستی رو برای آکادمی هنر آمریکا دادم و در کمال ناباوری و ناامیدی قبول شدم ولی به دلیل نداشتن شرایط مالی مناسب نرفتم و روسیه امتحان دادم و اونجا قبول شدم و مدرک ICS رو گرفتم و نقطه اوج من بود.



من مشکلات خودم رو در تستهای جلسه اول کوچینگ ثروت پیدا کردم.

من مشکلات خودم رو در تستهای جلسه اول کوچینگ ثروت پیدا کردم و اگر کسی بخواد تغییرات رو در خودش انجام بدهد همون تست ها واقعا کاربردی هستند. من همون لحظه ایراداتم رو واقعا دیدم. ایراداتی که ما روزمره داریم انجامش میدیم ولی چون دچار روزمرگی شدیم اونها رو نمیدیدیم و حسش نمی کردیم ولی با همون تست های کوچیک میشد ایرادات رو دید. بعد کم کم راه حل ها گفته شد که چطور اونها رو باور کنیم.

ما تغییر عادت هامون رو از محالات می دونیم و میگی هیچ تغییری نمی کنیم و نخواهیم کرد. ولی من با صحبت های ایشون که من هیچ جایی و توی هیچ ویدئویی ندیدم و کاربردی بودنش رو حس کردم انگیزه تغییر رو پیدا کردم و گفتم چرا نشه؟ چرا من نتونم تغییر کنم؟

به دو نفر از دوستانم هم این دوره رو پیشنهاد دادم

به خاطر مطالعاتی که کردم و میخوامم کارم رو پیش ببرم، بهترین دوره ای که من دیدم کوچینگ ثروت بود که واقعا طرز تفکر رو تغییر میده و دوره جامعی هست که همه رو در بر میگیره و البته به دو نفر از دوستانم هم این دوره رو پیشنهاد دادم که یکی از اونها فعلا این دوره رو تهیه کرده.

هزینه کردن برای این آموزش ها مثل این میمونه که آدمی بخواد در غاری رو باز کنه که توی اون پر گنج هست و بخواد یک کلید رو فشار بده، به نظر من هزینه اش یه فشار دانه و لی ارزشش خیلی زیاده. برای شرکت در این دوره هم هزینه ای که میشه خیلی ناچیزه و لی در قبالش چیزهای خیلی بزرگی رو بدست میارید.

تجربیات جناب آقای شهاب شاهینی از دوره کوچینگ ثروت

من آدم ولخرجی بودم و بی دلیل پولم رو هدر میدادم!

من شهاب شاهینی هستم اهل بندر عباس. کارم نصب دوربینهای مدار بسته و کرکره های هوشمند هست. من آدم ولخرجی بودم و بی دلیل پولم رو هدر میدادم. من با خودم گفتم که من برای همه چیز ولخرجی می‌کنم بگذار یکبار هم برای این آموزش پول خرج کنم ببینم چی میشه. من چند تا کتاب خونده بودم ولی فقط تو کتابها مطالب امیدوار کننده میگند و چیزی که کاربرد آنچنانی داشته باشه من توش پیدا نکردم.

مطالب این دوره کاملاً کاربردی بود و بدرد من خورد.

مطالب این دوره کاملاً کاربردی بود و بدرد من خورد. من هر جلسه رو دانلود میکردم و همون هفته نگاه می‌کردم. به نظر من مطالب این دوره ۸۵ تا ۹۰ درصد کارایی داره و من استفاده کردم. من تصمیم گرفتم که برای خودم کسب و کار راه بندازم و مستقل بشم. چون دیگه مثل قبل فکر نمی‌کنم و دیدم خیلی عوض شده. حدود ۲-۳ ماهه که این دوره رو شروع کردم و تمرینات رو دارم انجام میدم. ولی نیاز به زمانبری داره.

ای کاش ۵-۶ سال پیش این آموزش ها رو دیده بودم!

ای کاش ۵-۶ سال پیش این آموزش ها رو دیده بودم. متأسفانه این آموزشها رو نه در مدارسمون داریم و نه در آموزش عالی و دانشگاهها. مردم چون باور ندارند که میتونند با یادگیری این آموزشها وضعیت مالی‌شون رو بهتر کنند راضی نمیشنند که بیان و برای این آموزشها هزینه کنند. من اگر ۵-۶ سال پیش با این آموزشها آشنا می‌دم شاید الان میلیونها تومن پول داشتم و پولم رو هدر نمی‌دادم. الان خیلی چیزها هست که دوست داشتم چند ماه پیش بخرم ولی الان یادگرفتم که چطور جلوی خودم رو بگیرم.

اگر از قدیم یک مبلغی رو برای آموزش خودم هزینه میکردم الان خیلی موفق تر بودم

ما ایرانی ها مشکل فرهنگی داریم و باید فرهنگسازی بشه برای این آموزشها و کلاسها، چون مردم باید بدونند که به این آموزشها نیاز دارند و این دوره ها میتونه تو زندگی کمکشون کنه. آقای مهندس الهی تأکید می‌کنند و میگند که هر ماه باید یک مبلغی رو برای آموزش خودتون بگذارید کنار، من اشتباه کردم و اگر از قدیم یک مبلغی رو برای آموزش خودم هزینه میکردم الان خیلی موفق تر بودم و وضعیت مالی بهتری داشتم و این همه پولم رو هدر نمیدادم.

تجربیات سرکار خانم میترا شاهسونی از دوره کوچینگ ثروت



من میترا شاهسونی ۳۱ ساله اهل شیراز هستم. در رشته زیست شناسی تا مقطع لیسانس ادامه تحصیل دادم اما بخاطر علاقه زیادی که به عکاسی داشتم تصمیم گرفتم که وارد اینکار بشم و الان خدا رو شکر یک آتلیه عکاسی دارم.

مطالب این دوره رو آقای الهی خیلی خیلی ساده بیان کردند.

مطالب این دوره رو آقای الهی خیلی خیلی ساده بیان کردند. مثلاً این جمله برای من خیلی جالب بود: پول برای همه هست فقط خود ما هستیم که یکسری سد و موانع ایجاد می‌کنیم. آقای الهی می‌گفتند که پول مثل یک آب در جوی هست که خود ما بواسطه اشتباهاتمون یکسری سد جلوی اون می‌گذاریم و جلوی جریان اون رو می‌گیریم.

در همه شغلها میتونید ثروتمند بشید!

ایشون میگن در همه شغلها میتونید ثروتمند بشید و براشون شغل خاصی مهم نیست. ولی من در کتابهایی که می‌خوندم همش راجع به سازماندهی و مدیریت بود که لازمه اش این بود که شرکت داشته باشی و چطور با کارکنانتون رفتار کنید و ...، به نظرم اون کتابها برای من کاربردی نبودند. من تو زمینه قانون جذب کتاب خوندم و صحبت های آقای الهی مکمل اون ها بود و اینجوری نبود که بخوان همدیگه رو نقض کنند. از شخصیت آقای الهی خوشم میاد چون صداشون پر انرژی هست و من دوست دارم چندین بار فایلهاشون رو گوش کنم. بخاطر ارادتی که به آقای الهی دارم صحبت هاشون بیشتر روی من تأثیر گذار بوده و صحبت هاشون رو چندین بار گوش میکنم.

کمتر از ۲ ماه هست که این آموزشها رو شروع کردم. البته در حال حاضر برای من سلامتی خیلی مهمتر از همه چیز هست. قبلاً فکر میکردم که خیلی سخته رسیدن به سلامتی ولی الان برام قابل قبول شده که وقتی که ما میتونیم به ثروت برسیم که شاید از نظر ما خیلی رسیدن بهش سخت هستش، پس رسیدن به سلامتی که نباید زیاد سخت باشه.

تا قبل از این زیاد نگران پول و مشکلات مالی بودم.



یکی از اتفاقات خوبی که توی زندگی من رخ داده این هست که شاید تا قبل از این زیاد نگران پول و مشکلات مالی بودم ولی الان این آرامش رو پیدا کردم و دیگه مثل قبل نگران نیستم. این آرامش باعث شده که هم پول بیشتری داشته باشم و هم اینکه از کارم لذت بیشتری ببرم.

آقای الهی تو این دوره به من القاء کردند که پول هیچگونه گرایشی به فرد خاصی نداره و من هم میتونم مثل بیل گیتس ثروتمند بشم. تمرینات این دوره به من کمک کرد که باورهای اشتباهی رو که در این ۳۱ سال داشتم رو عوض کنم. به نظر من این آموزش‌ها رو باید بادقت نگاه کرد و جدی گرفت چون اگر این فایلها رو همینجوری گوش کنیم و بریم یک حالت تفریحیه، اما اینکه خودت رو مقید کنی که تمرین رو انجام بدی یعنی اینکه اون صحبت‌ها رو از عمق وجودت پذیرفتی و اون موقع هست که مطالب رو درک میکنی.

مطالب این دوره نه تنها در زمینه ثروت بلکه در بقیه مسایل زندگی هم میتونه مفید باشه.

من از آقای الهی پرسیدم که شما الان خودتون چقدر ثروت دارید و ایشون به من دروغ نگفتند و گفتند که من هنوز به اون ثروتی که شاید مد نظر شما باشه نرسیدم، در صورتیکه خیلی راحت میتونستند دروغ بگند و مثلاً بگند که تو فشم ویلا خریدم و ... و این صداقتشون باعث شد که من به ایشون اعتماد کنم و تو این دوره شرکت کنم.

من فکر میکنم همیشه به همه توصیه کرد که تو دوره کوچینگ ثروت شرکت کنند، چون خود فرد باید تشنه این مطالب باشه، باید خود فرد تو زندگیش به یکجایی رسیده باشه که دیگه از راه‌هایی که قبلاً می‌رفته جواب نگرفته باشه و اون موقع هست که ارزش و قدر این مطالب رو میفهمه. وگرنه من خودم وقتی که این دوره رو به برادرم پیشنهاد کردم و اصلاً استقبال نکرد چون از نظر اون این مطالب ارزش نداره! من فکر می‌کنم علت طرز فکرش بخاطر اینه که هنوز تو خودش برای یادگیری این آموزشها احساس نیاز نمی‌کنه. به نظر من مطالب این دوره نه تنها در زمینه ثروت بلکه در بقیه مسایل زندگی هم میتونه مفید باشه و من فکر می‌کنم پولی که بابت این دوره پرداخت میشه واقعاً ارزشش رو داره.

تجربیات جناب آقای مجید زارع از دوره کوچینگ ثروت

من مجید زارع هستم اهل اصفهان، حدود چهل سال سن دارم و کارمند هستم. فیلمهای رایگان سایت شما رو دانلود کردم و صحبت های آقای الهی رو دیدم و احساس کردم که این حرفها حرف دلم بود و چیزهایی رو شنیدم که برام جالب بود. من چون ذهنم درگیر این مطالب بود و در فاز یادگیری این مطالب بودم وقتی که فایلهای دانلود رایگان سایت شما رو نگاه کردم احساس کردم که این همون گمشده من هست.

مشکل اساسی همه ما همون ضمیر ناخودآگاه هست!

فکر می کنم که بر اساس گفته های آقای الهی مشکل اساسی همه ما همون ضمیر ناخودآگاه هست که باهاش درگیر هستیم. من خودم شاید نزدیک به ۱۰-۲۰ سال هست که دارم کتاب میخونم ولی هیچ وقت نتیجه نگرفتم. همیشه دوست داشتم که از کارمندی بیام بیرون ولی نشده.

شاید ۹۹ درصد ما طرز تفکرهامون ایراد داره!

من احساس میکنم که از موقعی که این دوره رو شروع کردم یک تغییری تو فکرهام داره به وجود میاد. یک تغییراتی که هیچ وقت تو خوندن کتاب حسش نمی کردم ولی الان محیط دور و برم رو و آدمهای دور و برم رو وقتی نگاه می کنم میبینم که شاید ۹۹ درصد ما طرز تفکرهامون ایراد داره. من فکر می کنم که تأکید آقای الهی که میگن باید این موضوعات رو زیاد تکرار کنی باعث این موضوع شده.

دارم سعی میکنم که ریسک کنم.

هیچوقت دوست نداشتم که کارمند بمونم و بخاطر همین دوست دارم که برای خودم مستقل باشم. من ۲-۳ هفته ای هست که دارم طرح تجاری کار برای خودم مینویسم و یه جورایی در آستانه شروع قرار گرفتم و یه جورایی دارم سعی میکنم که ریسک کنم و اون ایده هایی رو که قبلاً تو ذهنم بوده و شاید

می‌ترسیدم که عملی‌شون کنم رو دارم اجرا کنم.

من از تمرینات این دوره راضی هستم چون برای من خیلی مفید بوده و کمک کرده.

دوره آقای الهی واقعاً عالی بود و من فکر نمی‌کنم که ضرر کردم که این هزینه رو دادم. براشون هم دعا می‌کنم و مطمئنم که خدا خیلی خیلی بیشتر بهشون میده. این طرز فکر رو عوض کردن واقعاً نجات زندگی آدم‌هاست. من از تمرینات این دوره راضی هستم چون برای من خیلی مفید بوده و کمک کرده. به نظر من دوره کوچینگ ثروت با کارگاه هدفگذاری و برنامه ریزی و محصول آرامش در پرتو شکرگزاری دیگه تکمیل میشه.

ارزش این محصول خیلی بیشتر از قیمتی هست که روی این دوره گذاشته شده.

من مطمئنم که ارزش این محصول خیلی بیشتر از قیمتی هست که روی این دوره گذاشته شده. شاید خیلی‌ها بگند که این فایل‌های صوتی و فیلم‌ها ارزش این مبلغ هزینه کردن رو نداره ولی همه تفاوتها در طرز تفکر آدم‌هاست. همه چیزها، ایده‌ها و کارهای بزرگ با فکر شروع میشه و به نظر من همیشه برای این دوره قیمتی گذاشت.

تجربیات جناب آقای داود الهی از دوره کوچینگ ثروت



من داود الهی هستم ۳۵ سال سن دارم و در تهران زندگی می‌کنم. من در کار تولید و پخش یکسری از لوازم نظافتی و ابزارآلات ساختمانی هستم. همچنین در کنار کارم کم و بیش در بازار بورس هم فعالیت می‌کنم. من برادر بزرگ مهندس الهی هستم.

من قبلاً دوره مالی نگذرونده بودم و زیاد اهمیتی نمی‌دادم به کتاب خواندن تا اینکه ایشون شرکت در دوره “کوچینگ ثروت” رو به من پیشنهاد کردند. این آموزشها برای من خیلی جالب بود چون قبلاً از این موضوعات اطلاعی نداشتم. از وقتی هم که با این موارد آشنا شدم و تغییر رو در خودم احساس کردم کارهایی که در زندگی نباید انجام میدادم رو دارم پیدا می‌کنم. من تو این کارگاه اشکالات کارم رو پیدا کردم.

یکی از جالب ترین مطالب کارگاه به نظر من شناخت ضمیر ناخودآگاه و کارکرد اون بود.

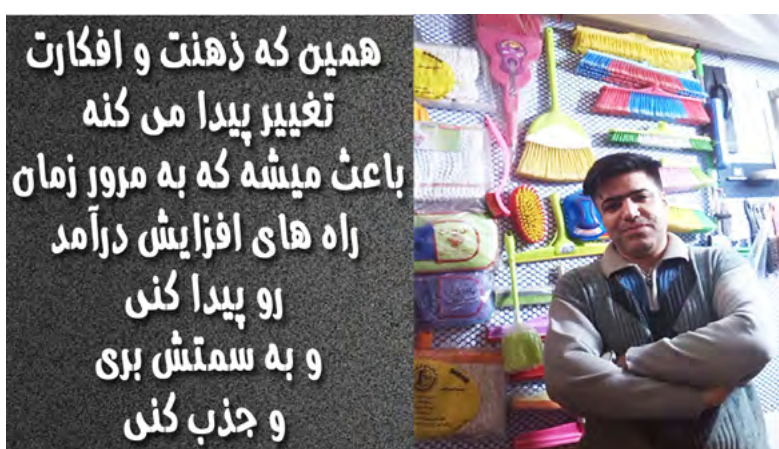
بعد از ثبت نام در دوره “کوچینگ ثروت” فایلها رو روی فلش دریافت کردم و برام خیلی جالب بود که بار اول خیلی راحت در تلویزیون فایلها باز شد و نگاه کردم ولی برای دفعات بعد ضمیر ناخودآگاهم مقاومت خودش رو شروع کرد و هر کار میکردم فایلها در تلویزیون اجرا نمی شد. یکی از جالب ترین مطالب کارگاه به نظر من شناخت ضمیر ناخودآگاه و کارکرد اون بود.

من الان در همون برخورد اول با هر شخصی میتونم تشخیص بدم که اون فرد ذهنش ثروتمنده یا اینکه ذهنیت فقر داره!

نحوه برخورد با فقر ذهنی که تو آموزشها بهش اشاره شده بود برای من جالب بود چون کاملاً برای من مشخص شد و فهمیدم و من الان در همون برخورد اول با هر شخصی میتونم تشخیص بدم که اون فرد ذهنش ثروتمنده یا اینکه ذهنیت فقر داره! من خیلی از رفقایم که ذهنیت فقر دارند رو از زندگیم کنار گذاشتم و یکی یکی کات میشند و از طرف دیگه دوستان جدید و بهتری دارم پیدا می‌کنم.

کلاً زندگیم در حال تغییر هست ...

اول اینکه سعی کردم در جمع دوستان و همکارانم فقط با افراد مثبت اندیش رابطه داشته باشم. من قبلاً بیشتر راجع به مشکلاتم حرف می‌زدم ولی الان یاد گرفتم جنبه مثبت هر موضوع رو پیگیری کنم و خدا رو شکر دیگه استرس قبلاً رو ندارم. قبلاً هر روز صبح که می‌اومدم محل کار نگران بودم و با خودم می‌گفتم وای امروز چکم رو چیکار کنم؟! مشتری رو چیکار کنم؟ مثلاً شش ماه دیگه چیکار کنم؟ خدا رو شکر الان دیگه این مشکلات رو ندارم و دیگه فکرم درگیر نیست.



باید با تمرینها درگیر باشید تا نتیجه بگیرید!

من فکر می‌کنم که این آموزشها هر نکته اش یک درس هست، من خودم به شخصه ۸۰-۹۰ درصد از این دوره رضایت داشتم و تقریباً ۹۰ درصد تمرینات رو انجام دادم و پیگیرش هستم. تمرینات از همه مهمتره و معلومات و پیشرفت ما بسته به این آموزشها داره. من مثلاً نوشتن آرزو هام رو انجام دادم و پیگیر هستم. باید با تمرینها درگیر باشید تا نتیجه بگیرید.

من قبلاً اوقات بیکاری زیادی داشتم که به بطالت می‌گذروندم!

من قبلاً اوقات بیکاری زیادی داشتم که به بطالت می‌گذروندم ولی الان دارم تو اوقات بیکاری تمرین انجام میدم. من قبل از اینکه با این آموزشها آشنا بشم اوقات بیکاریم خیلی زیاد بود در صورتیکه اگر کاری پیش می‌اومد بهونه می‌کردم که وقت ندارم ولی الان بعد از پیگیری این آموزشها دارم خیلی

بهتر از ثانیه ثانیه و قتم استفاده می‌کنم. الان تقریباً دیدن تلویزیون رو ۸۵ درصد کنسل کردم و وقتم رو صرف یادگیری آموزشها کردم و البته نه فقط کوچینگ ثروت.

ارزش این آموزشها خیلی بالاتر از این حرفهاست و از لحاظ مبلغ روی آموزش و یادگیری همیشه مبلغی رو تعیین کرد. چون نگرش من رو تغییر داده و رفتارم و نوع فکر کردنم تغییر کرده و یک جو جدیدی وارد زندگیم شده.

تو محل کارم به من میگن که رفتارت و صحبت کردنت عوض شده و مثل قبل نیستی!

من خودم انرژی بهتری نسبت به خودم دارم چون دیگران هم تغییرات رو در من احساس کردند. تو محل کارم به من میگن که رفتارت و صحبت کردنت عوض شده و مثل قبلاً نیستی. اگر کسی تو زندگیش دنبال تغییر باشه من این دوره رو بهش پیشنهاد می‌کنم. من ۱۰۰ درصد این دوره رو به دوستانم پیشنهاد می‌کنم و راهنمایشون می‌کنم.

افکارت که تغییر پیدا کنه خودت راه های افزایش درآمد رو پیدا می‌کنی!

من همیشه گفتم که کسی نباید توقع داشته باشه که بعد از این سه یا چهار ماه که از گذراندن این آموزشها گذشت بره و کیسه پولی رو که براش گذاشتن رو برداره و ثروتمند بشه! همین که ذهنت و افکارت تغییر پیدا می‌کنه باعث میشه که به مرور زمان راه های افزایش درآمد رو پیدا کنی و به سمتش بری و جذب کنی.

تجربیات جناب آقای سید مهدی طالبی از دوره کوچینگ شغلی



سید مهدی طالبی هستم. ۳۷ سال سن دارم اهل مشهد مقدس و در بانک صادرات خراسان رضوی بعنوان معاون دایره اعتبارات شعبه بزرگراه آسیایی مشغول به کار هستم. من در اینترنت دنبال موفقیت شغلی می‌گشتم که با سایت گروه آموزشی الهی آشنا شدم و در همون موقع، شروع دوره کوچینگ شغلی بود و بعد از دیدن فایل‌های دانلود رایگان تشویق شدم که در این دوره شرکت کنم.

قبلاً فشار عصبی کارم خیلی زیاد بود ولی بعد از یادگیری این آموزش‌ها خیلی آرام‌تر شدم و مثل قبل نیستم.

من هر روز صبح فایل‌های انگیزشی آقای الهی رو تو ماشین گوش میدم و استفاده می‌کنم و انرژی می‌گیرم. این آموزش‌ها خیلی عالی و موثر بوده. مثلاً قسمتی از جلسه اول که گفته بودند که باید خودتان را هر ماه ارزشیابی کنید و به نظر من این آیت‌ها خیلی تو موفقیت شغلی تأثیرگذاره چون خود من تو این ۲ ماه اخیر که بعضی از این آیت‌ها رو انجام دادم باعث شده که تغییرات خوبی رو تو محل کارم بدست بیارم. قبلاً فشار عصبی کارم خیلی زیاد بود ولی الان بعد از یادگیری این آموزش‌ها خیلی آرام‌تر شدم و دیگه مثل قبل نیستم.

خیلی از دوستانم رو هم توصیه کردم که از این دوره ها استفاده کنند.

خیلی از دوستانم رو هم توصیه کردم که از این دوره ها استفاده کنند. خودم استفاده خوبی کردم و برام ثمربخش بوده و تأثیرگذار بوده. تو روحیه و شرایط روانی خودم خیلی تأثیرگذار بوده. من قبلاً به اطلاعات کاری مثل بخشنامه ها بی خیال و بی توجه بودم ولی الان یاد گرفتم که باید به همه آنها دسترسی داشته باشم و تسلط داشته باشم. وقتی که قرار باشه در بانک به یک نفر پست بدهند خوب اون فرد باید نسبت به بقیه افراد یک وجه تمایز داشته باشه و با تجربه باشه و به کار مسلط باشه. من الان علاوه بر اطلاعات مورد نیاز دایره کاری خودم سعی میکنم که از بخشنامه های بقیه قسمت ها هم خبر داشته باشم و این باعث شده که بنوعی به کار تسلط بیشتری داشته باشم و از بقیه همکارانم جلوتر باشم.

در جلسات کاری که برگزار میشه همیشه حرفی برای گفتن دارم.



این آموزشها باعث شده که همیشه اطلاعات کاریم رو به روز کنم و در جلساتی که در بانک برگزار میشه همیشه حرفی برای گفتن دارم. مطالب دوره کوچینگ شغلی در بحث موفقیت شغلی خیلی برام مؤثر بوده. من همکاری دارم که هنوز بعد از ۲۰-

۲۵ سال تحویلدار و پشت باجه هستند و نتوانستند که پیشرفت کنند و پست بگیرند، اما من بخاطر اینکه همیشه دنبال آموزش و یادگیری بودم بعد از ۹ سال پست گرفتم و جایگاه شغلی خوبی دارم.

منبعی رو میخواستم که صرفاً تئوری نباشه.

من یک منبعی رو میخواستم که صرفاً تئوری نباشه و با روشهای کاربردی جلو بره و این دوره واقعاً خیلی عالی بود. من ۱۰۰ درصد از مطالب این دوره راضی هستم. من هر روز با صدای آقای الهی که تو ماشین میگذارم حسابی شارژ هستم. من تو خبرنامه شما عضو هستم و ایمیل هاتون رو دریافت میکنم. همینطور مطالب سایتتون رو با علاقه و با انگیزه دنبال میکنم و سایت شما رو به همه همکاران و دوستانم معرفی کردم.

خوشحالم از هزینه ای که برای شرکت در این دوره کردم چون استفاده بهینه ای بردم.

من خیلی خوشحالم از این هزینه ای که برای شرکت در این دوره کردم چون استفاده بهینه ای بردم. من سایت های زیادی رو بررسی کردم ولی سایت شما به دلم نشست و تونستم که اعتماد کنم. بنظر من پیشرفتی که میشه از این دوره بدست آورد رو همیشه با پولی که پرداخت میکنی مقایسه کرد. واقعاً مطالبی که یادگرفتم رو همیشه با پول مقایسه کرد چون این دوره برای من خیلی ارزشمند بود و همیشه این اطلاعات و آموزشها رو با مادیات مقایسه کرد. چون یکسری مطالبی هست که آدم نسبت به اونها ناآگاه و وقتی که این آموزشها رو اطلاع پیدا میکنی و میبینی که میشه بصورت کاربردی اجراش کرد و در شرایط کاریت تغییر ایجاد میکنه میبینی که همه نگاه ها تو محل کارت نسبت به تو عوض میشه و در خودم این موارد نمود داشت.

تجربیات سرکار خانم اشرف گرامی از دوره کوچینگ ثروت



اشرف گرامی اهل تهران هستم ۳۸ ساله و یک سالن آرایشگاه در دو طبقه با هفت نفر آرایشگر دارم. من تو اینترنت دنبال آموزشهای یادگیری افزایش درآمد میگشتم که با سایت آقای الهی آشنا شدم. من خودم خیلی وقته که دنبال آموزشهای کوچینگ بودم.

من قبلاً در دوره شاد باشید و ثروتمند شوید آقای معظمی شرکت کردم.

من قبلاً در دوره شاد باشید و ثروتمند شوید آقای معظمی شرکت کردم و بعد از اون هم پیش یک استاد دیگه رفتم که اصلاً راضی نبودم هم بابت هزینه سنگین دوره و هم اینکه اصلاً نتیجه نگرفتم. بعد از اون میخواستم در کلاس های کوچینگ آقای معظمی شرکت کنم که نشد و همون موقع با سایت آقای الهی آشنا شدم.

من از سال ۸۸ در کلاسهای موفقیت مالی شرکت میکنم و پیگیر هستم. ولی همیشه برام سؤال بود که چرا من اینهمه کلاس میرم چرا جواب نمیگیرم. کجای کارم ایراد داره؟ من همزمان با دوره شما در دوره حضوری دیگری هم شرکت کردم و دو تاش رو مکمل هم کردم. اون دوره حضوری تموم شد و من فکر می کنم دوره شما مزیتی که داره اینه که این سی دی ها رو من دوباره میتونم گوش کنم و نگاه کنم و هر شب این فایلها رو گوش میکنم که مروری برای این مطالب باشه برام.

من برای یک دوره آموزش مالی هفت و نیم میلیون تومان هزینه کردم و کاملاً بی نتیجه بود.

من برای آموزش هزینه های هنگفتی داده ام به طوریکه من یکبار هفت و نیم میلیون تومان هزینه کردم و در دوره حضوری یک آقای شرکت کردم و متأسفانه کاملاً بی نتیجه بود و هیچ مطلب بدرد بخوری از اون دوره یاد نگرفتم و وقتی بعد از چند جلسه اعتراض کردم حتی چک من رو هم پس ندادند!

ولی دوره شما با توجه به کیفیت ویدئوهایی که ضبط کردید و مطالب تون خیلی خوب و مناسب بود. من

شرکت در دوره کوچینگ ثروت رو به دوستانم هم پیشنهاد کردم چون این مطالب واقعاً حیف هست و جوونهای ما باید یاد بگیرند که از این مطالب در زندگیشون استفاده کنند.

ایراد کارم رو هنگام جواب دادن به تست های این دوره پیدا کردم.

من حدود یک ماه و نیم هست که دوره کوچینگ ثروت رو شروع کردم. من ایراد کارم رو هنگام جواب دادن به تست های این دوره پیدا کردم و فهمیدم که باید روی باورهام کار کنم. من از دوره کوچینگ ثروت واقعاً راضی هستم.

وجه تمایز شما با دوره های قبلی که گذروندم در چند مورد بود اول اینکه تست هایی که در دوره کوچینگ ثروت مشخص کرده بودید خیلی خوب بود و به من تو شناخت بهتر باورهام کمک کرد و ایرادهای کارم رو پیدا کردم و همینطور آقای الهی بحث ضمیر ناخودآگاه رو خیلی با زبان ساده بیان کرده بودند و من فکر میکنم که خیلی خوب تونستم این قضیه رو درک کنم. من فکر میکنم که ایشون خیلی خوب دارند تدریس میکنند و میفهموند که کجای کار ما در ناخودآگاه ایراد داره. به نظر من شناختن ناخودآگاه تو موفقیت خیلی تأثیر میگذاره.

سعی کردم هر روز در حال رشد و پیشرفت باشم.



من کار آرایشگری رو من از یک فضای ۱۲ متری شروع کردم و خدا رو شکر الان یک سالن بزرگ دارم که در دو طبقه قرار داره و در حال حاضر هفت نفر پرسنل دارم. من سعی کردم هر روز در حال رشد و پیشرفت باشم. ولی متأسفانه اطرافیانم این پیشرفت من رو نمیبینند و فکر می کنند که

پیشرفت من زمانی هست که یک خونه یا یک ماشین شیک و گرون قیمت بخرم و رشد و پیشرفت کسب و کار من رو به حساب نمی آورند. من چندین سال هست که تمام درآمدهام رو صرف تجهیز سالن آرایشگاهم کردم. هنوز هم فکر میکنم که با صرف وقت و هزینه برای یادگیری و آموزش میتونم درآمد رو بیشتر کنم و به موفقیت های بالاتری برسم.

تجربیات جناب آقای مهدی قرائت از دوره کوچینگ ثروت



مهدی قرائت هستم اهل شیراز، ۲۹ سال سن دارم و تحصیلاتم دیپلم هست. در حال حاضر شغل فروش محصولات آرایشی بهداشتی هست.

خیلی دنبال این بودم که درآمد و اوضاع مالیم رو بهتر کنم!

من خیلی دنبال این بودم که درآمد و اوضاع مالیم رو بهتر کنم چون تو زندگی شکست خوردم بودم. میخواستم ببینم چطور میشه از این انرژی منفی بیام بیرون تا اینکه با سایت شما آشنا شدم. چند تا از فایل های شما رو دانلود کردم و بعد از اینکه اونها رو نگاه کردم عکس ماهیگیری رو دیدم برام جالب شد. چیزهایی رو که آقای الهی تعریف میکرد انگار از خودم بود، چون همش سر خودم اومده بود.

ضمیر ناخودآگاه که نمیگذاره شرایط رو عوض کنی!

من قبلاً مردد بودم و مطمئن نبودم که آیا جواب میده یا نه و از شما سؤال کردم و شما راهنمایی کردید و من دوره کوچینگ ثروت رو خریداری کردم. اوایل خیلی مشکلات پیش اومد و حتی تا مرحله ۶ هم اومدم و بعدش یک مدتی نتونستم ادامه بدم ولی باز دوباره با آقای الهی در تماس بودم بهم گفت که باید دنبالش رو بگیرید چون ضمیر ناخودآگاه که نمیگذاره شرایط رو عوض کنی.

قبلاً دوره مالی نگذرونده بودم ولی کتابهای آنتونی رابینز رو خونده بودم. چند تا از کلیپ های استاد عباسمنش رو نگاه کردم ولی چون قیمتش خیلی بالا بود و نمی تونستم باها ایشون ارتباط برقرار کنم نخریدم.

کتابها سطحی بود و عمیق نبود. گفته بود چجوری باید باشی ولی خیلی از مسایل رو نگفته بود. قانون جذب رو گفته بود ولی مثل آقای الهی عمیق نگفته بود.

خدا رو شکر تو این چند ماه زندگیم تغییر کرد و از این رو به اون رو شد.

خوب من شغل اصلیم فست فود بود و با پدرم و برادرم شراکت داشتیم و برادرم که اصلاً درست و حسابی کار نمیکرد و پدرم هم که از صبح تا شب فقط غر میزد و به همین خاطر از کار فست فود خسته شده بودم. من تو پست هام تو سایت همه این چیزها رو نوشته بودم. من همیشه میگفتم که میخوام از این شغل بیام بیرون.

دوستی داشتم که شغلش آرایشی بهداشتی بود. یه چند باری رفته بودم پیشش و کارشو دیده بودم و خیلی خوشم اومد، به اون گفتم که پول برای راه انداختن کار ندارم. تا اینکه بعد از مدتی یک مغازه جور شد و با دوستم رفتیم و دیدیم که گفت: صاحب مغازه ۸۰ میلیون میخواد برای جنسش و اجاره مغازه و بخاطر اینکه پول نداشتم جور نشد.

چند وقت بعد دوباره دوستم بهم زنگ زد. گفت یک مغازه تو خلیج هست خیلی هم عالیه. میخوای بری؟! من گفتم که الان پول ندارم. رفتیم و مغازه رو دیدیم. اومدیم با خودمون گفتیم خیلی جنس تو مغازه باشه ۱۵ میلیونه که سه تا چک بهش میدیم و جور میشه و بعد دیدیم که ۴۰ میلیون جنس تو مغازه بود. صاحب مغازه هم گفته بود باید حداقل ۲۰ میلیونش رو نقد بدی.

میگن قانون جذب هر جوری باشه جذب میکنه

من که این پول رو نداشتم حسابی دپرس شدم و در راه برگشت به خونه سوار تاکسی شدم. خیلی تو فکر بودم که راننده تاکسی گفت چی شده حالت گرفته؟ و من داستان رو براش تعریف کردم، به من انرژی مثبت داد. گفت اصلاً نترس درست میشه. یه روزی میاد که بهم میگی درست شده.

فرداش رفتیم پیش صاحب مغازه و بهش رک شرایطمون رو گفتیم و جالب اینجا بود که خیلی راحت قبول کرد. شرایطمون رو گفتیم و چک نوشتیم برای یک هفته بعد.

الان درآمد خدا رو شکر خیلی خوبه!

الان درآمد خدا رو شکر خیلی خوبه، خونم رو عوض کردم، وسایل خونم رو عوض کردم، زندگیم شیرینتر شده، رابطم با خانومم بهتر شده، اخلاق خودم هم بهتر شده و زندگیم از همه نظر روبراه شده. تو هر شرایطی شکرگزاری میکنم. اون موقع ها فقط غر میزدم ولی الان فقط میگم خدا رو شکر همه چیز عالیه!

من ۱۰۰ درصد از مطالب دوره رضایت دارم چون واقعاً جواب گرفتم.

الان زندگیم رو به پیشرفته، تمرینات رو انجام میدم و مخصوصاً نوشتنی ها رو وقتی مینویسم کیف میکنم و واقعاً برام تاثیر گذار بوده. خودم هم تو تلگرام و واتساب گروه تشکیل دادم و مطالب انرژی مثبت برای دوستانم میفرستم.

قبلاً به من میگفتن پول کجا بوده ولی الان اونها هم تو این راه اومدن. چون اونها دیدن که من مهدی از اون شرایط بد حالا تونستم اینجا مغازه داشته باشم. کلاً باورهام عوض شده و ۹۹ درصد چیزهایی که آقای الهی گفته بودن برای خودم پیش اومد.



سخن آخر

از اینکه حوصله کردید و با اشتیاق مطالب کتاب رو خوندید و با من همراه شدید از شما تشکر می‌کنم و براتون آرزوی موفقیت و ثروت می‌کنم. من نمیدونم که شما چند سال دارید یا اینکه در چه شهری زندگی میکنید و مشغول چه کاری هستید ولی مطمئنم که شما بنده خوب و دوست‌داشتنی خداوند هستید و مطمئنم که انسان مسئولیت‌پذیری هستید. اگر نبودید الان در حال خوندن این کتاب نبودید.

از شما دوست خوبم می‌خواهم که برای داشتن درآمد و ثروت بیشتر تلاش کنی تا بتونی برای خودت و خانواده‌ت یک زندگی راحت‌تر رو بهتری بسازی و از لحظه لحظه زندگیت لذت ببری.

خدا رو هزاران مرتبه شکر می‌کنم که به عنوان یک معلم و مربی می‌تونم در کنار شما باشم. امیدوارم که با خوندن این کتاب شوق و اشتیاق لازم رو برای تلاش بیشتر و حرکت در مسیر موفقیت و ثروت و داشتن درآمد بیشتر به دست آورده باشی.

در این راه همه ما نیاز داریم که خداوند کمکمون کنه چون وظیفه ما حرکت کردن و تلاش کردنه، اما درنهایت خود خدا باید به تلاش‌های ما برکت بده و اونها رو به نتیجه برسونه.

منتظر نظرات و پیشنهادات ارزشمند شما در سایت هستیم.

با آرزوی موفقیت و ثروت برای شما

مرتضی الهی

با سپاس فراوان از همراهی شما دوست عزیز

لازم به ذکر است:

• شما حق تغییر مطالب این کتاب را **ندارید**.

• شما حق فروش این کتاب را **ندارید**.

ولی...

• شما می‌توانید این کتاب را به دوستانان هدیه دهید.

• شما می‌توانید این کتاب را به عنوان **هدیه رایگان** به همراه محصولات خود ارائه نمایید.

• شما می‌توانید این کتاب را برای **دانلود رایگان** در سایت یا وبلاگ خود قرار دهید.

• شما می‌توانید این کتاب را در شبکه‌های اجتماعی با دوستانان به اشتراک بگذارید.

خواهشمندیم در صورت استفاده از مطالب این کتاب

نام سایت www.MortezaElahi.com را نیز ذکر نمایید.

تمامی حقوق مادی و معنوی این کتاب متعلق به گروه آموزشی الهی است.

انسان به خاطر نیازهایش دست به تغییر می زند
و کنترل ذهن برای داشتن افکاری مثبت، اولین قدم تو
برای رهایی از منجلا ب فقر است و ارزشمند دانستن و
دوست داشتن خودت عامل اصلی موفقیت خواهد بود
چون تو لایق آرامش و ثروت فراوان هستی.

